

تصویر ابو عبدالرحمن الكردي

مؤلف:

ابو مسلم براهوی

WWW.IQRA.AHLAMONTADA.COM

منتدی اقرا الثقافي

# گناه زبان

ویرتہ اہل سنت







۱۰۰

# گناه زبان

تألیف و تحقیق:

ابومسلم براهوی

صد گناه زبان / نویسنده ابومسلم براهوی تربت جام - :

انتشارات شیخ الاسلام احمد جام ۱۳۹۴

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۷-۱۴۶-۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما

گناهان اخلاق اسلامی -

۲۹۷/۴۶۴



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

نام کتاب : صد گناه زبان

مؤلف : ابومسلم براهوی

ناشر : شیخ الاسلام احمد جام

نوبت چاپ : دوم پاییز ۹۶

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

قطع : رقعی

قیمت : ۶۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۷-۱۴۶-۱

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می باشد.

تلفن : ۵۲۵۲۵۲۳۸ و ۵۲۵۲۴۴۷۱ - ۵۱

## فهرست

- مقدمه مؤلف ..... ۱۱
- (۱) اذیت و آزار مسلمانان ..... ۱۸
- (۲) سخن چینی ..... ۲۱
- (۳) استهزاء و تمسخر ..... ۲۳
- (۴) جاسوسی ..... ۲۷
- (۵) خود ستائی ..... ۳۰
- (۶) ابتذال در کلام ..... ۳۲
- (۷) صدا زدن با القاب زشت ..... ۳۳
- (۸) چاپلوسی ..... ۳۴
- (۹) سخنان فتنه‌انگیز ..... ۳۵
- (۱۰) دشنام دادن مردگان ..... ۳۶
- (۱۱) دشنام دادن به (بت‌ها) خدایان مشرکین ..... ۳۷
- (۱۲) لعن و نفرین و دشنام دادن زمانه ..... ۳۹
- (۱۳) دروغ بر پیامبر ﷺ ..... ۴۰
- (۱۴) غیبت ..... ۴۱
- تعریف غیبت ..... ۴۲
- (۱۵) دروغ ..... ۴۹
- (۱۶) دشنام دادن مسلمانان ..... ۵۳
- (۱۷) سوگند در داد و ستد ..... ۵۵

- ۵۶..... (۱۸) سرگوشی بخاطر آزار و اذیت دیگران  
 ۵۷..... (۱۹) بدگمانی و سوءظن  
 ۵۹..... (۲۰) آبروریزی مسلمان  
 ۶۱..... (۲۱) شایعه پراکنی  
 ۶۳..... (۲۲) سوال و تکدی‌گری  
 ۶۶..... (۲۳) اتهام زنا  
 ۶۸..... (۲۴) «أف» گفتن به پدر و مادر  
 ۷۲..... (۲۵) سوگند دروغین  
 ۷۴..... (۲۶) یاوه گوئی  
 ۷۷..... (۲۷) شهادت دروغین  
 ۸۰..... (۲۸) خُلفِ وعده  
 ۸۲..... (۲۹) بُهتان  
 ۸۳..... بهتان چیست؟  
 ۸۴..... (۳۰) سخنان کفرآمیز  
 ۸۴..... برخی از سخنان کفرآمیز  
 ۸۶..... (۳۱) سوگند به غیر خدا  
 ۸۸..... (۳۲) سخنان بی‌فایده  
 ۹۰..... (۳۳) خنده زیاد  
 ۹۳..... (۳۴) پرحرفی  
 ۹۴..... (۳۵) لعن و نفرین به تب و بیماری‌ها



- (۳۶) لعن و نفرین به طبیعت و بلایای طبیعی..... ۹۵
- (۳۷) فخر و مباهات با حسب و نسب..... ۹۶
- (۳۸) داد زدن و بلند سخن گفتن..... ۹۸
- (۳۹) دو رویی..... ۱۰۰
- (۴۰) سخنان و گفتارهای بی عمل..... ۱۰۳
- (۴۱) دشنام، بد و بیراه گفتن به حیوانات..... ۱۰۴
- (۴۲) دعای بد در حق فرزندان..... ۱۰۵
- (۴۳) سر و صدا بر بالین بیمار و سخنان مایوس کننده..... ۱۰۶
- (۴۴) تصدیق و تائید گفته‌های جادوگران..... ۱۰۸
- (۴۵) شماتت..... ۱۰۹
- (۴۶) قهر کردن..... ۱۱۲
- (۴۷) بداخلاقی..... ۱۱۳
- (۴۸) دشمنی با اولیاء و دوستان خدا..... ۱۱۵
- (۴۹) سوالات و پرسش‌های نامناسب..... ۱۱۶
- (۵۰) نوحه سرایی..... ۱۱۸
- (۵۱) عجله و شتاب در ردّ و قبول..... ۱۲۱
- (۵۲) غنا و موسیقی..... ۱۲۳
- (۵۳) امر به بخل..... ۱۲۶
- (۵۴) بدعت‌گذاری..... ۱۲۸
- (۵۵) کفر ورزی و دروغ انگاری احکام دینی..... ۱۳۰
- (۵۶) تعلل و تأخیر در کارهای خیر..... ۱۳۱

- (۵۷) سخنان ملال آور و خسته کننده ..... ۱۳۲
- (۵۸) منت نهادن بر فقرا و مستمندان ..... ۱۳۴
- (۵۹) قطع کردن کلام دیگران ..... ۱۳۵
- (۶۰) تشویق به اعمال بد ..... ۱۳۶
- (۶۱) تأسف خوردن بر شکست ..... ۱۳۷
- (۶۲) منفعت طلبی از مخلوقات ..... ۱۳۹
- (۶۳) تفتیش اسرار مردم ..... ۱۴۰
- (۶۴) همسایه آزاری ..... ۱۴۱
- (۶۵) به زبان آوردن محبت مال و ثروت ..... ۱۴۳
- (۶۶) سفارش نابجا ..... ۱۴۵
- (۶۷) عدم طلب حلالیت در قبال مظالم و ستمها ..... ۱۴۶
- (۶۸) مقام و جاه طلبی ..... ۱۴۷
- (۶۹) زخم زبان ..... ۱۴۸
- (۷۰) نرم سخن گفتن با نامحرم ..... ۱۴۹
- (۷۱) تکفیر مؤمن ..... ۱۵۱
- (۷۲) غش در معامله ..... ۱۵۲
- (۷۳) فال گرفتن ..... ۱۵۴
- (۷۴) بدشگونی ..... ۱۵۵
- (۷۵) اعتراض و عیب‌گویی از غذا و خوراک ..... ۱۵۶
- (۷۶) خواب‌های ساختگی ..... ۱۵۸
- (۷۷) مجالس و محافلی که در آن یادى از خدا و رسول نباشد ..... ۱۵۹

- (۷۸) عدم اجازه ..... ۱۶۱
- (۷۹) حرف زدن هنگام خطبه نماز جمعه ..... ۱۶۳
- (۸۰) ناشکیبایی در برابر ناملايمات و مصايب ..... ۱۶۵
- (۸۱) توجیه و ناچیز شمردن گناه ..... ۱۶۷
- (۸۲) تحریف قرآن مجید ..... ۱۶۹
- (۸۳) مشورت غلط ..... ۱۷۱
- (۸۴) آموختن علم به ناهلان ..... ۱۷۲
- (۸۵) افشای اسرار ..... ۱۷۳
- (۸۶) ابراز آرزوهای نابجا ..... ۱۷۳
- (۸۷) تضعیف روحیه مجاهدان ..... ۱۷۶
- (۸۸) ترساندن مسلمانان ..... ۱۷۸
- (۸۹) امر به منکر و بازداشتن از معروف ..... ۱۷۹
- (۹۰) دریافت پرسش از ناهلان ..... ۱۸۱
- (۹۱) پندهای مغرضانه ..... ۱۸۳
- (۹۲) بدگویی به علماء ..... ۱۸۵
- (۹۳) تطمیع به رشوه ..... ۱۸۷
- (۹۴) تعریف گناه برای دیگران ..... ۱۸۸
- (۹۵) انداختن گناه به گردن دیگران ..... ۱۸۹
- (۹۶) تکلیف مالایطاق ..... ۱۹۰
- (۹۷) وعده غیرقابل وفا ..... ۱۹۱
- (۹۸) سخنان ملال آور ..... ۱۹۲

- ۱۹۳ ..... کلام قبل از سلام (۹۹)  
 ۱۹۴ ..... تکلف و تصنع در سخن گفتن (۱۰۰)  
 ۱۹۵ ..... اما راه علاج .....  
 ۲۰۰ ..... چند دعای مجرب برای حفظ زبان و دیگر اعضاء از گناه و معصیت .....  
 ۲۰۲ ..... مأخذ و منابع .....

## مقدمه مؤلف

﴿وَأَتَيْنُكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾<sup>۱</sup>

«و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید (از بس که زیادند)

نمی‌توانید آن‌ها را شمارش کنید. واقعاً انسان ستمگر ناسپاسی است.»

همان‌گونه که قرآن مجید تاکید فرموده است خداوند به انسان‌ها نعمت‌های فراوان، گوناگون و غیرقابل شماری ارزانی داشته است.

ز فرق تا بقدم هر کجا که می‌نگرم

کرشمه دامن دل می‌کشد که جا اینجاست

زمین، آسمان، دریا و خشکی، سردی و گرمی، پستی و بلندی، سایه و آفتاب،

روز و شب و... همه و همه نعمت‌هایی هستند که جهت آسایش و رفاه و

آرامش انسانیت آفریده شده‌اند.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا توانی بکف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اگر تمامی این نعمت‌ها را در یک کفه تراوز قرار بدهیم و نعمت‌هایی که در

وجود انسان به ودیعه گذاشته شده‌اند را در کفه دیگر، قطعاً کفه نعمت‌های

وجودی انسان سنگین تر و بارزش تر خواهد بود. یکی از این نعمت‌ها، نعمت

زبان است که خداوند بوسیله آن انسان را از سایر مخلوقات متمایز کرده است

و در بین مخلوقات و موجودات برتر و والا گردانده است.

به نطق آدمی بهتر است از دواب

دواب از تو به، گرنگویی صواب

و یا بنا بر قولی دیگر:

بود قدر تو افزون از ملائک

تو قدر خود نمی‌دانی چه حاصل

اما گاهی عده‌ای از انسان‌ها شعور و درک، معرفت و استفاده بهینه از این

نعمت را نادیده گرفته و در صدد کفران نعمت برمی‌آیند همین نعمت بزرگ

و امتیاز خاص تبدیل به نعمت و دشمنی تمام عیار می‌گردد به گونه‌ای که

خرمن سعادت را به یکباره بر باد می‌دهد. زبان یکی از اعضای مهم است که

انسان با بکارگیری صحیح آن می‌تواند در جهت سعادت خود و دیگران

گام‌های مؤثری بردارد و بالعکس با به خدمت درآوردن آن در راه‌های

ناصواب، خود و دیگران را در ورطه هلاکت و نابودی سوق دهد و مسیر انسان را از بهشت جاویدان به جهنم نیران تغییر می‌دهد.

نکته‌ای کان جست ناله از زبان

هم چو تیری دان که آن جست از کمان

وانگردد از ره آن تیرای پسر

بند باید کرد سیلی را ز سر

چون گذشت از سر جهانی را گرفت

گر جهان ویران کند نبود شگفت

در میان عبادات و طاعاتی که از اعضا، و جوارح انسان سر می‌زند عبادتی کم زحمت‌تر و کم مؤنت‌تر و در عین حال گرانبه‌تر از سخن نزد خداوند وجود ندارد البته در صورتی که کلام برای رضای خداوند و به قصد بیان عظمت، رحمت و نعمت‌های او باشند.

﴿الرَّحْمَنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝﴾

بر همگان مشهود است که خداوند میان خود و پیامبرانش جهت کشف اسرار و بیان حقایق و اظهار علوم پنهانی خود جز کلام، واسطه دیگری قرار نداده است و وحی و تفهیم مطالب بوسیله کلام صورت گرفته است پس اذعان گشت که بهترین وسیله و ظریف‌ترین عبادت سخن است و همچنین هیچ گاهی نزد خداوند سنگین‌تر و به کیفر نزدیک‌تر و نزد مردم نکوهیده‌تر و غم‌بارتر از سخن نیست.

آری بوسیله زبان است که انسان با اقرار به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبران از پلیدی و خباثت کفر و شرک پاک می‌گردد و به نور ایمان و یقین کامل دست می‌یابد و به ارشاد و راهنمایی دیگران می‌پردازد و همگان را به راه راست رهنمون می‌سازد، اصلاح ذات البین، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و... همان گونه که با آن می‌تواند به جرگه مشرکان و ملحدان و عاصیان درآید، فتنه‌انگیزی و شایعه پراکنی کند، دیگران را گمراه و موجب ترویج فساد و فحشا، گردد با همین زبان و کلام نیز می‌تواند انسانی ذاکر، شاکر، خالص، مخلص، و مبلغ دین گردد.

آدمی با سخن گفتن از مکونات قلبی خود پرده برمی‌دارد و تمایلات درونی‌اش بر همگان هویدا می‌گردد و میزان عقل و فهم او آشکار می‌شود چنان که حضرت یحیی بن معاذ می‌فرماید:

القلوب كالقدور تغلی بما فیها و السنتها مغارفها فانظر الی الرجل حین یتكلم فان لسانه یتغترف لك بما فی قلبه حلوا و حامض و غذب و اجاج و غیر ذالك و ینطق بطعم قلبه اغتراف لسانه.

قلب‌ها بسان دیگی هستند که محتویاتش می‌جوشد که زبان‌ها ملاقه آن هستند، هرگاه شخص سخنی می‌گوید زبان طعم آن را آشکار می‌سازد که در قلب چه است شیرین یا ترش، گوارا یا شور و... طعم قلبش را زبان آشکار می‌سازد.

چون که بادی پرده را درهم کشید

سر صحن خانه شد بر ما پدید



کاندر آن خانه گهر یا گندم است

گنج زری یا جمله مار و کژدم است

یا در او گنج است و ماری بر کران

زانکه نبود گنج زری بی پاسبان

زبان هم مانند دیگر اعضای بدن انسان است که اگر از قوانین و احکام الهی تخلف ورزد یکی از ابزارهای گناه و معصیت است چنانکه اگر از دستورات شریعت غرأ، پیروی کند از ابزار و وسایل طاعت و بندگی است، بنابراین مراقبت از این عضو در جلوگیری از ارتکاب گناه مانند دیگر اعضا، و جوارح است تنها با این تفاوت که شاید اکثر مردم گناهان زبان را چندان جدی نمی گیرند در حالی که چه بسا آسیب ها، مضرات و گناهان زبان از گزند و آفات سایر اعضا، به مراتب بیشتر باشد.

این زبان چون سنگ و هم آهن و ش است

و آنچه بجهد از زبان چون آتش است

سنگ و آهن را مزن بر هم گزاف

گه ز روی نـقل و گاه از روی لاف

زان که تاریک است و هر سو پنبه زار

در میان پنبه چون باشد شرار

ظالم آن قومی که چشمان دوختند

زان سخن ها عالمی را سوختند

عالمی را یک سخن ویران کند

روبهان مرده را شیران کند

راستی چه می‌شد اگر ما همیشه قبل از سخن گفتن و کلام، فکر خود را به کار می‌گرفتیم و درباره انگیزه‌ها، نتایج و محتوای سخنان خود می‌اندیشیدیم زیرا:

ترازوی انسان زبانش بود

زبان آفت جسم و جانش بود

تمام کارهای دنیا با انگیزه و اهدافی صورت می‌پذیرند، انگیزه مؤلف از گردآوری کتاب حاضر ارائه خدمت به انسانیت و رهنمون ساختن انسان‌هایی است که از زبان بنحواحسن استفاده نمی‌کنند و از آن در جهت معصیت و نافرمانی خداوند کار می‌گیرند. زندگی کنونی مسلمانان بسان شهر پر آثوبی است که طعمه حریق گردیده و شررهای آن بر تمام خانواده‌ها می‌بارد. وظیفه همگان است که این آتش را خاموش نمایند.

امروزه زبان مسلمانان آله تخریب و نابودی آنان گردیده است، مؤلف وظیفه خود می‌داند که مسلمانان و هموعان خویش را از ضررهای آن آگاه سازد، باشد که خداوند بوسیله این کتاب آتش معصیت‌های زبانی را خاموش نماید و مسلمانان به وظایف اسلامی و انسانی خویش متوجه و عامل گردند و انیس و غمخوار یکدیگر شوند.

من یک مؤلف و نویسنده حرفه‌ای نیستم که بتوانم متن ادبی و مطالب دل‌انگیزی ارائه نمایم بلکه یک شهروند عادی هستم که از اوضاع فلاکت‌بار مسلمانان ملول و رنجیده خاطر می‌باشم اگر مسلمانان از این تلاش عاجزانه کمترین سودی ببرند و یا گناهی را ترک نمایند همین برای من پاداش بزرگی خواهد بود.

در پایان سپاسگزارم از خانواده محترم خود که با چشم‌پوشی از زرق و برق فریبنده دنیا، این مجال و فرصت را به من دادند که بتوانم این گلدسته زیبا را تقدیم مسلمانان نمایم.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

۲۷ دی ۱۳۹۲، ۲۵ رجب الاول ۱۴۳۶

**ابومسلم «غفر الله له و لوالديه و احسن اليهما جميعاً**

(۱)

### اذیت و آزار مسلمانان

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾<sup>۱</sup>

«کسانی که خدا و پیغمبرش را آزار می‌رسانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت نفرین می‌کند و عذاب خوار کننده‌ای برایشان تدارک می‌بیند.»

«المسلم من سلم المسلمون من لسانه و يده»<sup>۲</sup>

مسلمان واقعی کسی است که بقیه مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند. خداوند انسان را اشرف مخلوقات آفریده است. یکی از صفات بارز و اساسی او، مهربانی و مهرورزی است، صفت مهرورزی او باید شامل حال تمام موجودات و مخلوقات باشد. بویژه انسان‌ها، و از بین انسان‌ها، مسلمانان واجب‌الاحترام و قابل تعظیمند. آزار مسلمانان کاری خلاف فطرت و طینت انسانی بشمار می‌آید و یکی از صفات مذموم، رذیله و غیر انسانی محسوب می‌گردد. انسان مسلمان نباید زبانش را به چنین گناه و صفت زشتی آلوده نماید. زیان نعمت گرانمایی است که نباید با گناه و معصیت ملوث شود، زیان شایسته تقدیر، ستایش ذات خدا و رسولش می‌باشد.

---

۱. احزاب/ ۵۷

۲. مشکوة کتاب الایمان

زبان تابود در دهان جای گیر

ثنای محسمد بود، دلپذیر  
 خداوند نعمت‌های فراوان و زیادی در وجود انسان به ودیعه گذاشته است  
 ولی چرا به حفظ زبان تاکید فراوان صورت گرفته است؟ زیرا زبان در ایذاء  
 رساندن خطرناک‌تر است بدینسان که با زبان مرده و زنده، کوچک و بزرگ،  
 حاضر و غایب مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

مسلمانان که از احساسی بلند و سرشاری از آرامش، رأفت و عطوفت  
 برخوردارند نباید زبان‌شان آلوده به کارهای خلاف اخلاقی و فطرت انسانی  
 باشد زیرا رسول مکرم اسلام، مسلمانان را به دوری از ضرر رساندن به  
 هموعان تشویق و ترغیب نموده است لذا مسلمانان نباید عقرب، نیش‌های  
 زبان‌شان را برای اذیت و آزار مسلمانان بکار گیرند زیرا عاقبت و سرانجام  
 اذیت و آزار رسانی بسیار خطرناک و بد است. پیامبر ﷺ در رابطه با اذیت و  
 آزار رساندن حیوانی چنین فرمود:

«عَذَّبَتْ امْرَأَةً فِي هَرَّةٍ حَبَسَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ جُوعاً فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارُ»

زنی گربه‌ای را گرسنه در بند نگه داشت، تا از گرسنگی مرد برای همین  
 مشمول عذاب الهی قرار گرفت و در آتش داخل شد.

پس اذیت و آزار انسان که اشرف مخلوقات است جای خود دارد.

### موری و اجتناب از اذیت و آزار رسانی

ابوالحسن خرقانی فرموده است: «کسی که چندین روز متوالی از اذیت و ایذاء رسانی اجتناب کند همانند کسی است که این مدت را در حضور پیامبر ﷺ بسر برده است».<sup>۱</sup>

سعدی مردم آزاری را این گونه نکوهش کرده است:

مکن مردم آزاری ای تنـدرای

که ناگه رسد بر تو قهر خدای

## (۲)

## سخن چینی

﴿هَمَّا زَمْشَاءَ بَنَمِيمٍ ۝ مَنَاعَ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدِلٍ أَثِيمٍ ۝ عُنِيَ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ﴾<sup>۱</sup>

«بسیار عیب جوی که دائماً سخن چینی می کند بسیار مانع کار خیر، و تجاوز پیشه، و بزه کار است. علاوه بر این ها درشت خوی و سنگین دل، و انگشت نما به بدی هاست.»

عن حذیفه بن الیمان رضی الله عنه قال: سمعت النبی ﷺ يقول: «لا يدخل الجنة قتات» و فی رواية «نعام».<sup>۲</sup>

از حضرت حذیفه بن یمان (رلزدار پیامبر ﷺ) نقل شده است که از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می فرمود: «سخن چین، هرگز وارد بهشت نمی گردد.»

سخن چینی و نمایی، یکی از دام ها و تله های شیطان است که آن را برای بهم زدن روابط انسان ها، پهن و گسترانده است.

سخن چینی گناه و عادت زشتی است که بیشتر مسلمانان به آن آلوده و گرفتارند و تمام بدبختی، کدورت ها، فاصله های خانوادگی و... از آن نشأت می گیرد بی آنکه فایده ای برای کسی داشته باشد. یکی از مضرات و ضررهای آشکار و پیدای سخن چینی آن است که از سخن چین سلب اعتماد می گردد زیرا همگان باور دارند کسی که سخن دیگران را پیش تو می آورد سخن تو را نیز نزد دیگران خواهد برد، از این لحاظ فرد سخن چین مورد بی اعتمادی واقع می شود و کسی به او اعتنا و توجه نمی کند. وظیفه

۱. قلم/۱۱-۱۳

۲. بخاری و مسلم

مسلمانان است که سخن چین را از کار زشت و غیر اخلاقی و غیر انسانی‌اش اوبازدارند و کار او را تقیح کنند زیرا سخن چینی موجب می‌گردد تا دوستان نسبت به یکدیگر بدبین و در منظر و نگاه همدیگر مبغوض گردند. مسلمانان باید آگاه باشند که سخن چین روابط دوستانه را بهم می‌زند و در بین دوستان بذر نفاق، فتنه و کدورت می‌باشد، دوستان صمیمی را به بیگانه تبدیل می‌کند، در بین پدر و فرزند، زن و شوهر، جدایی و فاصله می‌اندازد این گونه افراد برافروزانده آتش هستند و هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهند کرد.

ضرر سخن چین بیشتر و خطرناک‌تر از ضرر جادوگران است. علامه عبدالبر به نقل از یحیی بن کثیر رحمته الله نوشته‌اند:

«فسد النّام و الکذاب فی ساعة ما لا یفسد السّاحر فی سنة»

سخن چین و دروغگو چنان بر بادی و تباهی بر جهان و جهانیان می‌آورند که جادوگران در یک سال نمی‌توانند چنان شرّ و فتنه‌ی برپا کنند.

سخن چینی از انواع و اقسام جادو می‌باشد زیرا هر دو بین دوستان، والدین و فرزندان، زن و شوهر و... جدایی می‌اندازند. سخن چینی حسّ نوع دوستی و کمک به هموعان را از بین می‌برد. پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام بیعت با صحابه می‌گفت: «برخی سخن چینی برخی دیگر را نکنید»<sup>۱</sup>



## (۳)

## استهزاء و تمسخر

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّمَّهِمْ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری از استهزاء کند.»

تمسخر و استهزاء، یکی از عادات زشت افراد جاهل و بی‌خرد است که برای، بزرگ‌نمایی خود دیگران را به سخره می‌گیرند تا برتری خود را ثابت کنند. تمسخر و استهزاء دیگران به هر صورت و کیفیتی که باشد گناه و از صفات رذیله و مذموم بشمار می‌آید؛ چه بصورت برشمردن عیب و کاستی‌ها آن‌ها باشد و چه با تقلید حرکات دیگران صورت پذیرد. تمسخر به هر نحوی که مایه خنده و مضحکه قرار دادن شخص شود از عواملی است که شریعت از انجام آن نهی کرده است و برای تمسخر کنندگان عذاب و وعید شدید بیان گردیده است. البته شوخی و مزاح با تمسخر و استهزاء فرق می‌کند به گونه‌ای که تمسخر و استهزاء عادت و خصلت انسان‌های فاسق و فاجر است، اما شوخی و مزاح در حد اعتدال اشکالی ندارد. پیغمبر ﷺ گاهی مزاح و شوخی می‌نمودند چنان که در شمایل ترمذی بابی بدین عنوان ذکر گردیده است: «باب ما جاء فی مزاح رسول الله؛ شوخی رسول الله» البته همه‌ی شوخی‌های پیامبر ﷺ به حق و در چارچوب شریعت و فطرت انسانی بودند. چنان که

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که مردم گفتند: ای رسول خدا! شما با ما مزاح می نمایند! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «من بجز حق چیزی به زبان نمی آورم». عن الس بن مالک رضی الله عنه أَنَّ رَجُلًا اسْتَعْمَلَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: «إِنِّي حَامِلُكَ عَلَى وَلَدٍ نَاقَةٍ» فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا أَصْنَعُ بِوَلَدِ النَّاقَةِ؟ فَقَالَ: وَ هَلْ تَلِدُ الْأَهْلَ إِلَّا التَّوَقُّ. <sup>۱</sup> انس به مالک روایت می کند که مردی از رسول خدا درخواست مرکب و سواری نمود آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «من تو را بر بچه شتری سوار می نمایم» آن مرد گفت: ای رسول خدا! بچه شتر را چکار کنم؟ رسول خدا فرمود: «آیا همه ی شتران بچه شتر نیستند و از ناقه (شتر ماده) به دنیا نیامده اند».

حضرت مولانا مفتی محمد شفیع رحمته الله در رابطه با تفسیر آیه «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُونَ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِقَسٍّ إِلَّا تَمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» <sup>۲</sup> فرموده است: در آیات فوق الذکر حقوق و آداب معاشرت افراد و اشخاص مذکور است و در آن از سه چیز ممانعت به عمل آمده است اول مسخره و استهزاء مسلمان.

قرطبی فرموده است: سخریه و یا تمسخر و یا استهزاء عبارت است از ذکر عیب کسی به خاطر توهین و یا تحقیر او می باشد که در اثر آن مردم بخندند و

---

۱. شمایل ترمذی

۲. حجرات ۱۱/

این موضوع همچنان که با زبان صورت می گیرد با اشاره‌ی دست و پا و نقالی آن نیز ممکن است و همچنین است وقتی که با شنیدن کلامش به طور تحقیرآمیز شروع به خنده کنند.

بعضی دیگر فرموده‌اند: سخریه یا تمسخر آن است که کسی را در مجلس چنان ذکر کنند که مردم بخندند و تمام این امور به نص صریح قرآن مجید حرام هستند.

در خصوص جلوگیری از سخریه قرآن مجید چنان اهتمامی قائل شده که مردان و زنان را جداگانه مورد خطاب قرار داده است و از مردان بدان جهت به لفظ «قوم» تعبیر فرموده که این لفظ در اصل برای مردان وضع شده است اگرچه به طور مجاز و توسع بیشتر اوقات شامل زنان هم می‌باشد و قرآن مجید عموماً لفظ «قوم» را در خصوص مردان و زنان به کار برده است ولی در اینجا لفظ «قوم» مختص مردان به کار رفته است و از زنان با لفظ نساء یاد شده است و هر دو گروه را چنین هدایت می‌فرماید آن مردی که مردی دیگر را مسخره و استهزاء می‌کند چه می‌داند شاید کسی که مسخره شده نزد خداوند از این مسخره کننده بهتر باشد و همچنین آن زنی که زن دیگری را استهزاء می‌کند چه خبر دارد؟ شاید نزد خدا او بهتر باشد. قرآن مجید حرمت استهزاء مردان را نسبت با یکدیگر و زنان را با یکدیگر ذکر فرموده و از آن منع کرده است در صورتی که این حکم در خصوص مردانی که زنان را مسخره می‌کنند و یا برعکس نیز صادق می‌آید و عدم ذکر این موضوع شاید اشاره‌ی به این باشد که اختلاط و آمیزش مرد و زن در شرع مقدس ممنوع و مذموم

است سپس وقتی که اختلاط نباشد تمسخری متحقق نمی گردد حاصل آیه آنکه اگر عیبی در بدن یا صورت و یا قد و قامت کسی باشد نباید دیگری جرأت پیدا کند و به او بخندد و یا او را به باد استهزاء بگیرد زیرا معلوم نیست شاید او به علت صدق و اخلاص و سایر خصوصیات فردی نزد خداوند از این مسخره کننده افضل و بهتر باشد با شنیدن این آیه در سلف صالحین چنان حالی پدید آمد که عمرو بن شرحبیل فرموده است که اگر کسی را ببینم که پستان گوسفندی را به دهن گرفته و آن را می مکد و از آن خنده ام بیاید می ترسم که شاید مستحق توبیخ این آیه باشم. حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه فرموده است اگر سگی را استهزاء کنم می ترسم که مبادا سگی شوم.

## (۴)

## جاسوسی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها پرهیزید که برخی

از گمان‌ها گناهند و جاسوسی و پرده‌دری نکنید.»

جاسوسی از خطرناک‌ترین گناهای است که با زبان شکل می‌گیرد و با زبان به تباهی و بربادی خود ادامه می‌دهد. قرآن مجید از آن به شدت نهی و منع نموده و فرموده است: «عیب‌جوئی نکنید و در پی کشف اسرار و معایب مردم نباشید». اما متأسفانه امروزه و در این عصر که عصر پیشرفت و تمدن‌ها لقب گرفته است نه اینکه انسان‌ها از آن باز نیامده‌اند بلکه یکی از پرت‌فردارترین رشته‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز عالی کشورها بشمار می‌آید، واحدهای درسی این رشته با آب و تاب خاصی تدریس می‌گردند و در این مورد زبان به عنوان یکی از ابزارهای بزرگ ضد انسانیت عمل می‌کند. در نتیجه شالوده و اساس انسانیت را نابود می‌سازد.

قرآن مجید عیب‌جوئی و جاسوسی انسان‌ها را عملی زشت معرفی نموده است پیامبر ﷺ در حدیثی فرمود:

«و لا تغتابوا المسلمین و لا تتبعوا عوراتهم فإن من اتبع عوراتهم یبع الله عورته و من یبع الله عورته یفضحه فی بیهة»<sup>۲</sup>

۱. حجرات/۱۲

۲. ابوداود

از مسلمانان غیبت نکنید و در صدد عیوب آن‌ها نباشید زیرا کسی که در جستجوی عیوب مسلمانان باشد، خداوند متعال در تلاش عیوب او برمی‌آید و هر کسی که خداوند متعال در جستجوی عیب او باشد او را در خانه‌اش رسوایی گردانند.

مولانا تهانوی رحمته الله در تفسیر القرآن فرموده است: به پنهانی گوش دادن به صحبت دیگران و یا خود را به خواب زده در حکم تجسس می‌باشد البته اگر این احتمال وجود داشته باشد که از ناحیه کسی ضرری وارد می‌شود، اما برای حفظ خویش و یا مسلمانان دیگر تجسس و یا تدابیر مخفی جایز است.<sup>۱</sup> در حدیثی دیگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله تجسس و تفحص از احوال دیگران را از رذایل اخلاقی برشمردند و از آن نهی کردند.

عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ایاکم و الظن فان الظن اکذب الحديث، و لا تجسسوا و لا تحسسوا.

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از ظن و گمان بد پرهیز کنید زیرا ظن دروغ‌ترین سخن است، جاسوسی و عیب‌جوئی نکنید».

تجسس و تفحص از احوال زندگی دیگران ممنوع و حرام و جزء وظایف انسان‌ها نیست. در هیچ جای از قرآن مجید، احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تفحص از احوالات شخصی انسان‌ها دستور داده نشده است. بلکه شریعت این کار را مذموم، غیر اخلاقی و غیر انسانی قرار داده است، البته موارد استثنایی هم

وجود دارد که در برخی از احوال، تجسس و تفحص اشکالی ندارد، مثلاً عده‌ای مشغول توطئه برای کشتن کسی هستند و یا دزدان در حال طراحی مسیر دزدی می‌باشند در این صورت برای جلوگیری از ارتکاب جنایت و دزدی، جاسوسی اشکالی ندارد.

صحابه کرام بزرگ‌مردان تربیت یافته مکتب حضرت رسول از شنیدن تجسس ابا، می‌ورزیدند و به افراد جاسوس مجال سخن گفتن نمی‌دادند. در ابوداود روایتی از طریق وهب بن منبه به نقل از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نقل شده است که کسی خدمت ایشان آمد و گفت: ای عبدالله، از ریش فلان شخص فطره‌های شراب می‌چکد! حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در پاسخ گفت: قرآن مجید و رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را از جاسوسی بازداشته است؛ به مرد گفت: تا زمانی که چیزی دیده نشود سخن شما معتبر نیست.

## (۵)

## خود ستائی

﴿فَلَا تُزَكُّوْا اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾

از پاک بودن خود سخن مگوئید، زیرا که او پرهیزگاران را بهتر می شناسد.

یعنی مدعی پاکی نفس خود نباشید، زیرا فقط خدا می داند که چه کسی، چگونه و دارای چه مقامی است چرا که اساس فضیلت و برتری بر تقوا است نه بر اعمال ظاهری و تقوا زمانی معتبر است که تا هنگام مرگ برقرار بماند. خود ستائی پیشه‌ی شیطان بود

هر که خود را کم زند مرد آن بود  
خود ستائی عملی ناشایست، مذموم و ناپسندی است که از زبان برمی آید و انسان را از صفات ملکوتی خارج کرده و به خاک مذلت و رسوایی می نشاند عادتاً افرادی به خود ستائی رومی آورند که از هر حیث تهی دامن، آس و پاس و بی نوا باشند. درخت میوه دار، شاخ و برگش متمایل به زمین می گردند اما درخت بی ثمر سر به فلک می کشد بی آنکه فایده و محصولی داشته باشد. انسان مؤمن و خردمند هرگز خود را نمی ستاید و از ستایش دیگران هم فرار می کند و ستایش را برای خود که از خاک آفریده شده است نمی پسندد. مشک آن است که خود بپوید نه آنکه عطار بگوید.

طبق آیات قرآن مجید و احادیث، خود ستائی فعلی و حشمتاک و عملی مذموم است که بشدت از آن نهی شده است. خود ستائی بدترین گفتار و سخن



بشمار می آید، خودستا همانند گرسنه ای می باشد که فقط از نان و مواد غذایی را نام می برد و یا تصور می کند یعنی سفره خالی هرگز نمی تواند شکم را سیر کند. بدینسان خودستائی هم نمی تواند مقام و درجه ای انسان را بلند و به انسان ارزشی ببخشد. انسان دارای هر برتری، فضل و نعمتی باشد بداند که زوال پذیر است روزی همه چیز از بین خواهند رفت و نابود خواهند شد.

## (۶)

## ابتدال در کلام

قال النبی ﷺ ان من شر الناس من تركه الناس اتقاء فحشه.

از بدترین مردمان کسی است که مردم از ترس ناسزاگویی او، رهایش کنند.

عده ای از مردم بد زبانی را حریم و سلاح خویش قرار داده اند و در پناه زبان خود، به دنبال اهداف و مقاصد گوناگون می باشند غافل از آنکه دنیا با تمام متاع و اسباب خود ناچیز و بی ارزش است که به پشیزی نمی ارزد لذا نابخردترین نابخردان کسی است که بد زبانی و رکیک گو باشد و بدترین بندگان خدا کسی است که بخاطر بد زبانی او، مردم مجالست و مصاحبت با او را ترک می کنند، برخی از این افراد به گونه ای هستند که سخنان عادی آنان توأم با بد دهنی و ناسزاگویی است، حتی افراد و اعضای خانواده هم از زبان او در امان نیستند و از بودن در کنار او احساس آرامش نداشته و بلکه از با او بودن متنفر می باشند. مسلمان نباید ناسزاگو و بد دهن باشد. مؤمن باید در سخنان خود دقت داشته باشد و رویه ای را در پیش گیرد که شخصیت خود و دیگران را زیر پا نگذارد زیرا افراد بد دهن نخست ضعف شخصیتی خود را نشان می دهند و سپس شخصیت طرف مقابل خود را زیر پا می گذارند. ناسزاگویی شایسته مقام بلند و شامخ مؤمنین نمی باشد از سوی دیگر ابتدال در کلام موجب می گردد تا پرده های عفت و حیا در میان مردم دریده شود که این خود منجر به بروز مشکلات و ناهنجاری های عدیده ای در جامعه می گردد.

## (۷)

## صدا زدن با القاب زشت

﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾<sup>۱</sup>

«و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید و منامید، برای مسلمانان چه بد است بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه آلود.»

صدا زدن با القاب زشت و ناپسند گناه و عمل قبیح و ناپسندی می باشد و قرآن مجید افراد را از لقب دادن به القاب قبیح و ناپسند منع کرده است زیرا این کار توهین و تحقیری برای افراد و اشخاص محسوب می گردد.

مفتی محمد شفیع رحمته الله در رابطه با تفسیر القاب بد، این گونه فرموده اند: صدا کردن دیگران با لقب بد بنحوی که افراد از آن ناراض و ناراحت شوند، مثلاً: کسی را کور و یا لنگ بگوئید و نیز صدا کردن کسی با نامی که به منظور تحقیر در حق او به کار برده می شود. البته القاب بد، مصادیق دیگری هم دارند چنان که حضرت ابن عباس رضی الله عنه فرموده است: «و لا تنابزوا بالالقاب»؛ این است که کسی مرتکب گناه و یا کار بدی بشود و سپس توبه نماید اما باز هم مردم او را به همان نام بد بخوانند مانند دزد، زانی، شرابخوار و... در حالی که او از دزدی، زنا و شرابخواری توبه کرده است، پس او را شرمسار ساختن او به سبب آن کار و تحقیر و تذلیل نمودنش، حرام است. در حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده است هر کسی که مسلمانی را به خاطر گناهی، که از آن گناه توبه کرده است شرمنده سازد، خداوند تعهد کرده است که شخص عیب جو را به همان گناه مبتلا سازد و در دنیا و آخرت رسوایش کند.<sup>۲</sup>

شایسته است که مسلمانان همدیگر را با نام و القاب خوشایند صدا کنند و از القاب و نام های زشت اجتناب ورزند، تا مؤمنی مورد تحقیر و توهین قرار نگیرد.

۱. حجرات ۱۱/

۲. معارف القرآن

## (۸)

## چاپلوسی

زبان نعمتی است که خداوند آن را برای رشد و ترقی مادی و معنوی به انسان‌ها ارزانی داشته است. یکی از وظایف اساسی زبان، تعریف، تمجید و ستایش و اعتراف به نعمت‌های پروردگار و نیز تشویق و ترغیب انسان‌ها به سوی نیکی، کسب و کار می‌باشد اما اگر زبان از این مسیر منحرف گردد و به مدح و ستایش افراد ناباب پردازد تا به متاع ناچیز دنیا برسد در این صورت موجودیت و کیان خود را از دست می‌دهد. متاع دنیا، پست و مقام چنان ارزشی ندارد که انسان سرمایه خود (زبان) را برای آن از بین ببرد، بنابراین چاپلوسی یکی از اخلاق زشت و عمل مذموم و تقبیح شده‌ای است که نباید مسلمانان مرتکب آن شوند، البته تعریف و تمجید اگر در چارچوب قانونی و شرعی باشد اشکالی ندارد و اگر چنانچه فرد ستایش شده فاسق، ظالم، و ستمگر باشد. خداوند خشمگین می‌گردد. افراد را نباید در جلوی رویشان ستایش و تمجید کرد در این صورت این کار از نظر شرعی اشکالی دارد. چنان که حضرت ابوموسی اشعری رضی الله عنه می‌گوید: من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «شخصی کسی دیگر را ستایش می‌کند و در ستایش و تمجید زیاده‌روی می‌کند» آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «او را هلاک کردید و کمرش را شکستید». در حدیثی دیگر نقل شده است که ستایش و تمجید نباید در جلوی روی شخص صورت گیرد زیرا ستایش کردن شخص پیش رویش به منزله گذاشتن خنجر بر گلویش می‌باشد.

حضرت انس رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه مؤمن، فاسق و ستمگری را ستایش و تمجید نماید خداوند خشمگین می‌گردد و عرش او به لرزه در می‌آید»<sup>۱</sup>.

## (۹)

## سخنان فتنه انگیز

خداوند به انسان نعمت های فراوان و با ارزشی عطا کرده است و از آنم جایی که انسان موجودی اجتماعی می باشد، یکی از نعمت های مهم و برجسته ای که در وجود انسان به ودیعه نهاده است، زبان می باشد. زبان باید در جهت و مسیر حق حرکت کند و انسان ها را با همدیگر وصل کند، نه اینکه با سخنان فتنه انگیزش موجب نفرت، فصل و جدایی میان انسان ها گردد.

مولانا رومی رحمه الله در رابطه با مسئولیت اجتماعی و وصل آن فرموده است:

تو برای وصل کردن آمدی

نی برای فصل کردن آمدی

لذا انسان باید گفتار، کردار و رفتارش از روی علم و آگاهی باشد نه از روی ظن و گمان، حدس و تخمین. زبان در عین اینکه نعمت بزرگی است اگر به حال خود رها شود چه بسا خرمن سعادت انسان را بر باد می دهد بی آنکه انسان متوجه باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه مردم را به گفتن حرف های خوب هدایت می فرمود و از ایشان روایت شده است که فرمود: «سخن نیک صدقه است». حضرت علی علیه السلام می گوید: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: «خانه های بسیار مجلل، زیبا و خوش منظری در بهشت ساخته شده اند که داخل آن از بیرون و منظره بیرون آن از داخل دیده می شود». اعرابی پرسید ای پیامبر صلی الله علیه و آله این کاخ ها از آن چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمود: «برای کسانی هستند که همیشه سخنان خوب می گویند». سخنان فتنه انگیز کانون خانواده و امنیت جامعه را متلاشی می کند و موجب قهر و خشم پروردگار می باشد.

## (۱۰)

**دشنام دادن مردگان**

یکی از خطرات و فتنه‌های زبان آن است که تیر سهمگین آن منحصر به زنده‌ها نیست، بلکه افراد مرده هم از تیررس آن در امان نیستند. دشنام از رذایل اخلاقی است که هیچ انسان سلیم الفطرتی آن را نمی‌پسندد. همگان آن را مذموم می‌دارند و فرد دشنام دهنده را تقبیح و تنبیه می‌نمایند، دشنام دادن اولین جرعه‌ی قهر، عداوت، دشمنی و کینه‌توزی است. شایسته است که مسلمانان از دشنام دادن پرهیز کنند، بویژه از دشنام دادن مردگان، زیرا آن حضرت ﷺ فرمود:

«لا تسبوا الاموات فانهم قد افوضوا الی ما قدموا»<sup>۱</sup>.

مردگان را دشنام و ناسزا نگوئید، زیرا آن‌ها به آنچه که فرستاده‌اند رسیده‌اند. روایتی دیگر از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بدین شرح نقل شده است: «اذکرو محاسن موتاکم و کفوا عن مساویهم».

عبدالله بن عمر می‌فرماید: محاسن و خوبی‌های مردگان‌تان را بیان کنید و از بیان و یادآوری بدی‌هایشان باز آید. در روایتی دیگر چنین آمده است:

«اذا مات صاحبکم فذعوا و لا تقعوا لیه».

هرگاه کسی از شما فوت کرد او را، رها کنید و بدنبال عیب‌جوئی و بدگویی او نباشید.

## (۱۱)

## دشنام دادن به (بت‌ها) خدایان مشرکین

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝﴾

ای مؤمنان به معبودها و بت‌هایی که مشرکان بجز خدا می‌پرستند دشنام ندهید تا آنان تجاوز کارانه و جاهلانه خدا را دشنام ندهند، این گونه برای هر ملتی و گروهی کردارشان را آراسته‌ایم. عاقبت باز گشت‌شان به سوی خدای‌شان است و خدا آنان را از آنچه کرده‌اند آگاه می‌سازد. از آنجائی که پیامبر ﷺ نبی رحمت و مهربانی بود هرگز به کسی بد و بیراه نگفت که قرآن مجید در اینجا ذکر کرده است ممکن است صحابه به بت‌های مشرکین دشنام داده‌اند.

گرچه قرآن مجید کلمات تندی برای بت‌های مشرکین بکار برده است، مثلاً در سوره حج آیه ۷۳ فرموده است: ﴿ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ﴾؛ یعنی بت‌ها و پیروان‌شان هر دو ناتوان و ضعیف‌اند. و یا آنچه که در آیه ۹۸ انبیاء آمده است: ﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ﴾؛ شما و بت‌های شما هر دو آتش افروز جهنم هستید البته اگر چنین خطری وجود

داشت که در اثر بد گفتن، فحش و دشنام دادن بت‌ها. مشرکین (پیروان بت‌ها) به خداوند بد خواهند گفت. در چنین مواقعی بد گفتن، دشنام دادن بت ممنوع و ناجایز می‌باشد. بهر حال بد گویی، ناسزا، و دشنام دادن امری مذموم، ناپسند و ناشایستی است که پرهیز از آن واجب است.



## (۱۲)

## لعن و نفرین و دشنام دادن زمانه

عن ابی هریره رضی الله عنه قال، قال رسول الله ﷺ قال الله تعالى: «يَسُبُّ بُنُو آدَمَ الدَّهْرَ وَاَنَا الدَّهْرُ بِيَدِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارُ».<sup>۱</sup>

ابوهریره رضی الله عنه می گوید رسول اکرم ﷺ گفت: خداوند فرموده است: «انسان‌ها روزگار را ناسزا، می گویند و زمانه من هستم گردش شب و روز در دست من است».

انسان‌ها بر اثر حوادث و ناملایماتی که در زندگی برای آن‌ها پیش می‌آید وقتی زندگی بر وفق مراد آن‌ها نچرخد روزگار را لعن و نفرین می‌کنند، حال آن‌که شب و روز هیچ تاثیری در بوجود آوردن مصایب و حوادث ندارند، تمام آفات و مصایب و ناملایمات روزگار از طرف خداوند می‌باشند. کسی که روزگار را دشنام می‌دهد گویا که خداوند متعال را دشنام داده است. مصایب، حوادث، و دیگر ناملایمات زندگی، خوبی و بدی، تلخی و شیرینی همه براساس و مطابق با حکمت خداوند هستند روزگار هیچ تاثیر و نقشی در حوادث ندارند. خداوند است که براساس حکمت و مصلحت خویش، عالم حوادث را بوجود می‌آورد تا انسان‌ها درس عبرت بگیرند، و به سوی خالق و آفریدگار خویش برگردند.

## (۱۳)

**دروغ بر پیامبر ﷺ**

دروغ خود گناهی کبیره و حرام می باشد اما دروغ بستن بر پیامبر ﷺ بر شخصیتی که مدار و مرکز عقیده تمام انسانیت است سنگین ترین دروغ و گناهی است که فقط از انسان های بی خرد و جهنمی صادر می شود. پیامبر ﷺ در رابطه با دروغ بستن بر خویش فرمود:

«مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُعَمِّدًا فَلْيَتَّخِذْ مَقْعِدَهُ النَّارِ».

هر کس به عمد (از روی غرض ورزی) بر من دروغ ببندد جایگاه خویش را در آتش جهنم برگزیده است.

و در حدیثی که از حضرت علی ؑ نقل شده است آن حضرت ﷺ فرمود:

«لَا تَكْذِبُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ فَلْيَلِجِ النَّارَ».<sup>۱</sup>

علی بن ابیطالب ؑ می گوید پیغمبر فرمود: «نباید به دروغ، چیزی به من نسبت دهید و از قول من دروغ بگوئید، کسی که از قول من دروغ بگوید و گفتار یا رفتاری را که انجام نداده ام به من نسبت دهد، با این کار جای خود را در دوزخ آماده می سازد و باید داخل دوزخ شود».

و در حدیثی دیگر از حضرت مغیره ؑ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنْ كَذَبَ عَلَيَّ لَيْسَ كَكَذَبِ عَلَيَّ أَحَدٍ، مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُعَمِّدًا فَلْيَتَّخِذْ مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ».

حضرت مغیره ؑ می گوید شنیدم که پیغمبر می فرمود: «دروغ گفتن از قول من مانند دروغ گفتن از قول کسی دیگر نیست، کسی که عمداً دروغی را به من نسبت دهد باید جای خود را در دوزخ آماده سازد».<sup>۲</sup>

۱. بخاری

۲. بخاری

## (۱۴)

## غیبت

غیبت بدترین و خطرناک‌ترین گناهی است که حد و مرز نمی‌شناسد همانند طوفان مخرب بوده و همه چیز را نابود می‌سازد. گناهی جهت‌دار، مسری و همه‌گیر بشمار می‌آید که اگر از آن اجتناب و پرهیز نشود همه را به خود گرفتار می‌کند.

قرآن مجید بشدت از آن نهی کرده است در سوره حجرات فرموده است:

﴿وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا  
فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

«و یکی از دیگری غیبت ننماید، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید و از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است.»

مناسبت و شباهت بین غیبت و مرده‌خواری در آن است که غیبت پرده‌داری است و مرده‌خواری لاشه‌داری است. از آنجائی که غیبت بدترین گناه است و دایره آن بسیار وسیع و گسترده است و در هر عصر و زمانی رنگ و لعابی جدید بنخود می‌گیرد هر چه‌قدر دنیا و امکانات پیشرفت می‌کنند دایره آن نیز وسیع‌تر می‌گردد.

## تعریف غیبت

صحابی از رسول اکرم ﷺ پرسید: ما الغيبة؟ غیبت چیست؟ آن حضرت ﷺ در پاسخ فرمود: «ذکرک أخاک بما یکره» از برادر (مسلمان تان) را به گونه ای یاد کنی که آن را ناپسند می داند که اگر اطلاع پیدا کند که در مجلسی درباره او حرف هایی گفته شده است ناراحت شود این عمل غیبت به شمار می آید، یعنی اینکه پشت سر کسی بدی های او بیان شود حال آنکه آن شخص مبتلا به آن بدی ها باشد. آنگاه صحابی پرسید: و ان کان فی اخي ما اقول؛ اگر حرف هایی که می گویم در وجود شخص باشند، یعنی شخص همان گونه باشد که در مورد او گفته ام؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «اگر حرف هایی که در غیاب او به او نسبت داده اند در او موجود باشند این غیبت است و اگر این حرف ها خلاف واقعیت باشند و پشت سر او گفته شوند این تهمت است».

(خلاصه غیبت) بازگو کردن خصوصیات و ویژگی های افراد که آنان راضی به بیان آن ها نیستند و این ویژگی ها در غیاب آنان بازگو شوند و این عمل را ناخوشایند می دانند. در روایتی از ابی برزه چنین آمده است:

قال رسول الله ﷺ: يا معشر من آمن بلسانه و لم يدخل قلبه، لاتتبعوا المسلمين، و لاتتبعوا عوراتهم، فانه من يتبع عورة اخيه المومن يتبع الله عورته، و من يتبع الله عورته يفضحه فی بيته.<sup>۱</sup>

ای گروهی که با زبان ایمان آورده اید و قلب هایتان هنوز ایمان نیاورده است، مسلمانان را غیبت نکنید و در پی عیب ها و اسرارشان نباشید، زیرا کسی که در

پی عیب برادر مؤمن خود باشد خداوند پیگیر عیب‌های او می‌باشد و هر کسی که، خداوند در پی عیب او باشد، او را در خانه‌اش رسوا می‌کند.

پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند غیب‌کنندگان و عیب‌جویان مسلمان را در منزلشان رسوا می‌کند». افراد غیبت‌کننده این گونه مصداق این رسوایی می‌گردند که غیبت‌کنندگان در جامعه منزوی می‌شوند و دوستانشان در مورد آنان بدبین می‌شوند و در قلب‌هایشان نسبت به آن‌ها شک و تردید بوجود می‌آید و شخصیت‌شان زیر سوال می‌رود. دوستان از آنان سلب اعتماد می‌کنند و حتی این نقصان و ضعف اخلاقی بر ایمان‌شان نیز نفوذ می‌کند و باعث نقص و کمی در ایمان‌شان می‌شود به گونه‌ای که پیامبر ﷺ فرمود:

«لا يؤمن احدکم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه».

هیچ یک از شما مؤمن کامل نمی‌شود تا آنکه آنچه را که برای خویش دوست دارد برای برادر مسلمان خویش نیز دوست بدارد.

آیا غیبت‌کننده دوست دارد که عیب‌هایش پشت سر او بازگو شوند؟ قطعاً هیچ کس چنین عملی را برای خود نمی‌پسندد، بدینسان مسلمان نباید برای برادرش چنین عملی را بپسندد و در غیاب او، از او غیبت کند و عیب‌های او را برملا کند.

یکی دیگر از مصداق رسوایی غیبت‌کنندگان در دنیا این است که در حدیثی از حضرت جابر نقل شده است که ایشان می‌گویند: ما در محضر رسول اکرم ﷺ نشسته بودیم ناگهان بوی تعفن، گند و ناخوشایندی به مشام ما رسید. آن حضرت ﷺ فرمود: «آیا می‌دانید که این بوی بد، چه بویی است؟» آن‌گاه آن حضرت ﷺ در پاسخ گفت: «این بو، بوی بد کسانی است که از مؤمنان غیبت می‌کنند».

### رسوایی غیبت در قبر

حضرت ابوبکر رضی الله عنه می گوید من به همراه یکی از صحابه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم گذرمان بر دو قبر افتاد آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «صاحبان این دو قبر مبتلا به عذاب قبر هستند شاخه ای از درخت برایم بیاورید». من شاخه ای از درختی برایشان آوردم آن حضرت صلی الله علیه و آله این شاخه را به دو قسمت تقسیم کرد و هر تکه ای را روی یک قبر قرار داد و فرمود: «امید است تا زمانی که این دو تکه خشک نشده اند موجب تخفیف عذاب آن دو گردند». آن گاه فرمود: «صاحبان این دو قبر بخاطر گناهانی عذاب داده می شوند که آن ها را چندان بزرگ و با اهمیت نمی پنداشتند یکی از آن دو غیبت می کرد و دیگری از قطرات ادار پرهیز و اجتناب نمی کرد».

بهر حال استماع و گوش دادن به غیبت به اجماع امت حرام و گناه کبیره می باشد. خداوند در قرآن مجید وعده کرده است که از تمام اعمال بندگان خویش حساب می گیرد گرچه اندک و بی اهمیت باشند.

﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۖ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾

«پس هر کس به اندازه ذره غباری کار نیکویی کرده باشد آن را خواهد

دید و هر کس به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد آن را خواهد دید.

غیبت، گناه است. کم و زیادش تفاوتی ندارد، آتش های بزرگ با جرقه هایی کوچک روشن می شوند و شهرها را نابود و ویران می سازند. نیز در آیهی قرآنی و احادیث حرمت غیبت بصورت مطلق آمده است نه مقید به بزرگ و

یا کوچک. مرد و زن، پیر و جوان، کودک و نوجوان، غیبت به طور کلی و به هر حیثی که باشد حرام است.

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾.

از چیزی پیروی مکن که از آن ناآگاهی، بی گمان چشم و گوش و دل و همه مورد پرس و جوی از آن قرار می گیرد.

اگر چنانچه مسلمانان در آیات قرآن و احادیث نبوی تفکر و تعمق نمایند که گناه چقدر سخت، زشت و ناپسند و موجب نارضایتی خدا می گردد، دیگر مجال غیبت و عیب جوئی باقی نمی ماند. اما متأسفانه امروزه نه اینکه مسلمانان غیبت و عیب جوئی از مسلمانان را نکوهش نمی کنند و نمی پسندند بلکه از شنیدن غیبت نیز لذت می برند و برای این کار زشت وقت می گذارند و غیبت کننده را تحسین و تکریم می نمایند و او را با القاب تحسین برانگیزی مورد تشویق قرار می دهند. در حالی که رسول اکرم ﷺ غیبت کننده و شنونده هر دو را مساوی و شریک گناه قرار داده اند. یکی از عواملی که مسلمانان را نسبت به غیبت و یا شنیدن غیبت بی توجه کرده است عدم آگاهی آنان از گناه بزرگ غیبت و عدم آگاهی آنان از پاداش پرهیز از غیبت است، پیامبر ﷺ فرمود: افراد ضعیف الایمان به غیبت گوش فرامی دهند و افراد قوی الایمان از غیبت باز می آیند و عمل شنیع و زشت آن ها را تقیح می نمایند. غیبت کردن، یعنی بازی کردن با آبرو و حیثیت مسلمان، پس وظیفه مسلمانان است که

آبرو و حیثیت یکدیگر را نگه دارند و این کار دارای اجر و پاداش وافر می‌باشد.

امام ترمذی رحمه الله روایتی از طریق حضرت ابودرداء رضی الله عنه نقل کرده‌اند که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «کسی که مانع ریختن آبروی برادر مسلمان‌اش شود خداوند در روز قیامت صورتش را از آتش سوزان جهنم محفوظ می‌دارد». اما برخی از افراد، با وجود تذکر و بازداشتن از غیبت باز نمی‌آیند و غیبت کردن‌های خویش را این‌گونه توجیه می‌کنند که: این کار من غیبت نیست، زیرا من این سخنان را در جلو و روبروی آن شخص هم می‌گویم، در این باره باید گفت: گناه، گناه است اما توجیه گناه، گناهی سنگین‌تر می‌باشد. لذا نباید مسلمانان غیبت‌شان را توجیه کنند باید به درگاه پروردگار توبه کنند، خداوند توبه‌پذیر و مهربان است، خداوند خطاکاران توبه‌کننده را دوست می‌دارد.

### شرایط توبه از غیبت از دیدگاه امام نووی رحمه الله

امام نووی رحمه الله در کتاب ریاض الصالحین شرایط توبه را بدین شرح برشمرده‌اند:

۱. غیبت‌کننده عزم خود را جزم کند و تصمیم بگیرد که دیگر هیچگاه غیبت نکند.

۲. از کرده خویش نادم و پشیمان گردد.

۳. از غیبت (و محل) غیبت، دوری کند و تصمیم بگیرد که در آینده هرگز غیبت نکند.

۴. از کسی که غیبتش را کرده حلالیت و بخشش بطلبد.



## غیبت با اشاره دست یا غیر زبان

غیبت چنان گناهی است که علاوه بر زبان، با دیگر اعضا، نیز صورت می گیرد و غیبت دیگر اعضا، با غیبت زبان گناهی یکسان دارد، مثلاً اشاره و غمزه با چشم، تکان دادن سر؛ نیز فیلم های خنده آور، طنز و کمدی، که در آن ها را جهت خندان و سرگرم کردن مردم ادای افراد خاص درمی آورند این حرکات هم گناه بشمار می آیند. این گناه بدین صورت مخاطبین زیادی دارد و توجه خیل عظیمی را بخود جلب کرده است، متأسفانه افرادی که در این فیلم ها و نمایش ها، نقش آفرینی می کنند از طریق مردم تشویق می شوند و به عنوان هنرمند مورد تجلیل قرار می گیرند. این افراد که برای جلب توجه و رضایت مردم انباری از گناه را بر دوش می کشند، هنرمند نمی باشند بلکه هنرمند واقعی کسی است که رضایت پروردگارش را بدست آورده و توجه مردم را بسوی خدا معطوف بدارد. در این باره روایت خطرناک و عبرت آموزی در کتب حدیث نقل گردیده است. امام ابوداود نقل کرده است که عایشه رضی الله عنها همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: من در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودم یکی دیگر از همسران آن حضرت صلی الله علیه و آله (حضرت صفیه) رد شد من به کوتاهی قد صفیه با دست اشاره کردم آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عایشه رضی الله عنها شما گناه و عملی (غیبت) انجام دادید که اگر بوی بد و تعفن آن به دریا ریخته شود قطعاً آب دریا آلوده خواهد شد». آن گاه فرمودند: «اما من دوست ندارم در قبال ثروت زیاد، ادای کسی را در آورم و غیبتش را کنم».<sup>۱</sup>

حضرت استاد شیخ تقی عثمانی (حفظه الله) پس از نقل این ماجرا می گوید: باید فکر کنیم و بیندیشیم که رسول اکرم ﷺ با چه اهمتامی از این قبیل حرکات و حرف ها جلوگیری می نمودند اما، چرا ما انسان ها شراب خواری، زنا، سود و ربا، را بد و گناه می دانیم اما غیبت کردن را گناه نمی پنداریم؟ بی مهابا غیبت می کنیم و آن را همانند شیر مادر مباح و حلال می دانیم امروزه هیچ مجلس و محفلی از آن خالی نیست.<sup>۱</sup>

شایسته است که مسلمانان به خود بیایند و هر گناهی را گناه بدانند و از آن اجتناب ورزند. غیبت کردن بدتر از زنا و گوشت مرده می باشد اما مسلمانان با سهل انگاری خویش نیکی هایی که با دشواری و سختی فراوان جمع می کنند را اما همانند شعله ی آتش و یا طوفان، در یک لحظه برباد می دهند. از حضرت عبدالله بن مبارک نقل شده است که فرمود: اگر چنانچه قصد غیبت کردن کسی را داشته باشم از والدین خویش غیبت می کنم زیرا آن ها بیش از دیگران سزاوار و مستحق نیکی های من هستند اگر بخواهم عمل صالح و نیکی ببخشم به آن ها می بخشم نه به دیگران.

## (۱۵)

## دروغ

دروغ گناه و عمل زشتی است که نفرین خدا را بدنبال دارد. «لعنة الله على الكاذبين»؛ نفرین خدا بر دروغ گویان باد. فرقی نمی کند که دروغ جدی باشد و یا به شوخی در هر دو صورت گناه محسوب می شود. خداوند مسلمانان را از دروغ گویی بر حذر داشته و به صداقت در کلام و رفتار تشویق و ترغیب نموده است. در سوره توبه آیه ۱۱۹ چنین آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

«ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید.»

دروغ از شأن مؤمن به دور است، مسلمان باید نیک سیرت و در کردار و گفتار و پندار راست گو باشد. نظم جهان بر مدار صداقت و راست گویی می چرخد. دروغ گویی موجب اغتشاش و هرج و مرج نظم جهانی می باشد. روایتی از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نقل شده است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «صداقت و راست گویی را در پیش بگیرید زیرا راست گویی به سوی نیکی و حسنات راهنمایی می کند و نیکی انسان را به بهشت می رساند، یک انسان آنقدر راست می گوید که نزد خداوند صدیق و راست گو نوشته می شود و از دروغ اجتناب کنید زیرا دروغ انسان را بسوی گناه و معصیت سوق می دهد و گناه انسان را به جهنم می رساند. و شخصی آنقدر دروغ می گوید تا آنکه نزد خداوند از دروغ گویان می باشد. (خداوند او را در لیست دروغ گویان می نویسد)».

در حدیثی دیگر آن حضرت ﷺ فرمود: «چقدر خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی در حالی که او تو را راست گو می‌پندارد ولی تو در گفتارت با او دروغ گو باشی. (یعنی با او رو راست نباشی).»

امروزه متأسفانه مسلمانان به پدیده دروغ‌گویی عادت کرده‌اند هیچ معامله، تجارت و کاری بدون دروغ صورت نمی‌گیرد حتی فرزندان خود را هم دروغ‌گو به بار می‌آورند و دروغ‌گویی هنر و زرنگی محسوب می‌گردد، در حالی که دروغ‌گو، دشمن خدا، و طرد شده از رحمت بیکرانش می‌باشد. دروغ‌گویی یکی از خصلت‌ها و عادات زشت منافقین می‌باشد. پیامبر ﷺ در رابطه با خصلت منافقین فرمود:

«إِذَا حَدَّثَ كَذَبٌ<sup>۱</sup>؛ هرگاه سخن بگوید، دروغ می‌گوید.

در حدیثی آن حضرت ﷺ فرمود: «من برای کسی که دروغ را ترک کند ضامن منزلی در وسط بهشت هستم گرچه دروغ بصورت شوخی هم باشد». مسلمانان همان‌گونه که در خرید اجناس سلیقه به خرج می‌دهند و کالاهای معیوب و بی‌ارزش نمی‌خرند در سخنان هم باید دقت کنند و سخنانی که برای آن‌ها هیچ منفعت و سودی ندارد را نباید به زبان آورند و بدانند هر سخنی ارزش گفتن ندارد.

حضرت ابوهریره ؓ روایت می‌کند که آن حضرت ﷺ فرمود: «برای مرد همین دروغ کافی است که هر آنچه می‌شنود را بگوید و بر زبان آورد».

مسلمانان باید مواظب سخنان خود باشند نباید سخنانی بر زبان جاری سازند که موجب نارضایتی خدا و بر بادی آخرت گردد.

در حدیثی نقل شده است که آن حضرت ﷺ فرمود: «همانا یکی از شما سخن و حرفی از نارضایتی خداوند را بر زبان می آورد و چندان به آن اهمیت نمی دهد حال آنکه به سبب آن در جهنم انداخته می شود».

شایسته است که مسلمانان مواظب حرف زدن خویش باشند نباید سخنانی بر زبان آورند که عاقبت آن سرافکندگی و سرنگونی در جهنم باشد. صداقت و راست گویی، صفتی است از جانب خداوند که آن را به انسان های شایسته و رستگار خویش می دهد در جایی که نعمت ها بر حضرت ابراهیم سَلَّاه او یادآوری می گردد نخستین آنان، صداقت می باشد ﴿وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾<sup>۱</sup> خداوند می فرماید: «من به خاندان و ذریه ابراهیم زبان راستگویی عطا کردم».

صداقت و راست گویی با ممارست و تمرین امکان پذیر است و با چندین بار تکرار و خصلت شخص می گردد لذا کسی که می خواهد جزء صدیقین و راست گویان باشد باید راست گویی در اقوال و افعال را به طور مداوم پیشه کند آن گاه به سهولت و آسانی کارهای نیک و پسندیده از او صادر می شوند و از زشتی و پستی دروغ گویی رهائی می یابد. شایسته است که مسلمانان در حدّ وسع و توان خویش از دروغ گویی حذر نمایند تا دروغ گویی و دیگر رذایل اخلاقی جزو ملکات و طبیعت آنان قرار نگیرند. دروغ گویی خسارات

مسلمانان باید مواظب سخنان خود باشند نباید سخنانی بر زبان جاری سازند که موجب نارضایتی خدا و بر بادی آخرت گردد.

در حدیثی نقل شده است که آن حضرت علیه السلام فرمود: «همانا یکی از شما سخن و حرفی از نارضایتی خداوند را بر زبان می آورد و چندان به آن اهمیت نمی دهد حال آنکه به سبب آن در جهنم انداخته می شود».

شایسته است که مسلمانان مواظب حرف زدن خویش باشند نباید سخنانی بر زبان آورند که عاقبت آن سرافکنندگی و سرنگونی در جهنم باشد. صداقت و راست گویی، صفتی است از جانب خداوند که آن را به انسان های شایسته و رستگار خویش می دهد در جایی که نعمت ها بر حضرت ابراهیم علیه السلام سلاله او یادآوری می گردد نخستین آنان، صداقت می باشد ﴿وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾<sup>۱</sup> خداوند می فرماید: «من به خاندان و ذریه ابراهیم زبان راستگویی عطا کردم».

صداقت و راست گویی با ممارست و تمرین امکان پذیر است و با چندین بار تکرار و خصلت شخص می گردد لذا کسی که می خواهد جزء صدیقین و راست گویان باشد باید راست گویی در اقوال و افعال را به طور مداوم پیشه کند آن گاه به سهولت و آسانی کارهای نیک و پسندیده از او صادر می شوند و از زشتی و پستی دروغ گویی رهایی می یابد. شایسته است که مسلمانان در حدّ وسع و توان خویش از دروغ گویی حذر نمایند تا دروغ گویی و دیگر رذایل اخلاقی جزو ملکات و طبیعت آنان قرار نگیرند. دروغ گویی خسارات

سنگین و فراوانی بر انسان تحمیل می‌کند، دروغ تیغی است که نخست خود را می‌برد و از بین می‌برد آن‌گاه دیگران و تمام جهان را متلاشی می‌کند.

دروغ صریح به هر صورت و نیتی که باشد جایز نیست البته در پاره‌ای موارد مباح است، که علماء آن را توریه نامیده‌اند. توریه از رسول اکرم ﷺ نقل شده است، بیشترین سفرهای جهادی آن حضرت ﷺ این بود که ایشان از توریه کار می‌گرفتند.

مواردی که دروغ را مباح قرار می‌دهد:

۱. دروغ مصلحت‌آمیز؛ یعنی اصلاح میان دو نفر و یا دو قبیله. از پیامبر ﷺ نقل شده است که آن حضرت ﷺ فرمود: «کسی که بین دو نفر را اصلاح می‌کند دروغ گو نیست» پس سخن نیک گوید یا اراده نیک داشته باشد.

۲. اصلاح میان زن و شوهر، هنگامی که زندگی آنان در حال فروپاشی است اگر سخنانی به نیت آشتی دادن آن‌ها باشد اشکالی ندارد.

۳. مظلومی به ناحق کشته می‌شود، برای جلوگیری از کشته شدن مسلمان هم اشکالی ندارد.

شیخ الاسلام مولانا حسین احمد مدنی رحمته‌الله فرموده‌اند: در صورت دفع ظلم، استفاده از توریه الزامی است که باید از توریه استفاده کرد و ظلم، ظالمی را دفع نمود به شرطی که حق کسی ضایع نگردد. علماء هند در زمان استعمار انگلیس از توریه استفاده کردند.

امام شافعی رحمته‌الله فرموده است: *إِنَّ فِي الْمَعَارِضِ مَدْوَحَةً عَنِ الْكُذْبِ*؛ توریه راه نجات از دروغ‌گویی می‌باشد.

## (۱۶)

## دشنام دادن مسلمانان

دشنام دادن یکی از رذایل اخلاقی است که در هیچ دین و آیین و فطرت سلیمی هیچ فردی به انجام آن مجاز نیست و عامل برهم زنده و شیطانی است که کانون گرم خانواده را سرد و زبان پاک انسان‌ها را آلوده می‌سازد. دشنام، همانند شعله آتشی است که ناگهان تار و پود صلح و آشتی را تار و مار و محبت‌ها را تبدیل به نفرت و کینه‌توزی می‌نماید.

رسول اکرم ﷺ دشنام دادن مسلمان را گناه قلمداد نموده و فرموده است:

«سبابُ المؤمن فسق و جداله کفر»<sup>۱</sup>

دشنام مؤمن فسق و جنگیدن و مشاجره با او کفر است.

دشنام دادن به مردم یکی از عوامل و سرچشمه اصلی کاشتن بذر عداوت و دشمنی در قلب‌هاست. دشنام دادن هیچ سنخیت و همخوانی با ایمان مسلمان ندارد، چون مؤمن آینه مؤمن است نه دشمن و بدخواه او.

پیامبر ﷺ از تفسیق مسلمانان نهی فرموده است:

عن ابی ذرٍّ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسْقِ وَ لَا يَرْمِيهِ بِالْكَفْرِ إِلَّا ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبَهُ كَذَلِكَ».<sup>۲</sup>

حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است که آن حضرت ﷺ فرمود: «هیچ فردی، دیگری را به فسق و کفر متهم نکند زیرا اگر او چنین نباشد قطعاً این سخن به خود گوینده برمی‌گردد».

دشنام‌دهنده بدترین جایگاه را در روز قیامت خواهد داشت. در حدیثی رسول اکرم ﷺ فرمود: «همانا در روز قیامت بدترین مردم از لحاظ جایگاه و منزلت بنزد خداوند کسی است که مردم از ترس ناسزاگویی او را ترک کنند».

۱. بخاری

۲. مشکوة



مردی به حکیم اسخنیس دشنام داد ولی او پاسخی نداد، پرسیدند که چرا پاسخ نمی‌گویی؟ گفت: من خود را وارد نزاعی نمی‌کنم که در آن پیروز از شکست خورده، شرورتر و بدتر است!

## (۱۷)

## سوگند در داد و ستد

سوگند علاوه بر این که کراهیت دارد همچنین یکی از نشانه‌های بی‌اعتمادی نیز است. اما سوگند خوردن به هنگام فروش اجناس و معامله یکی از راه‌های فریب‌کاری است که با ایمان مسلمانان سنخیت ندارد و برکت را از بین می‌برد. چنان که پیامبر ﷺ فرموده است:

عن ابی هریره رضی الله عنه قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: «الحلف منقضة للسلمة ممحقة للبركة»<sup>۱</sup>.

سوگند مایه رواج کالا و زایل کننده و از بین برنده برکت است. یکی از شگردهای فروشندگان فریب‌کار و نیرنگ باز، پناه بردن به سوگند است به گونه‌ای که در هنگام فروش اجناس و معاملات سوگند یاد می‌کنند و مشتری را فریب می‌دهند و جنس را با قیمت دلخواه خود به مشتری غالب می‌کنند اما این افراد باید بدانند که همای سعادت برای همیشه بالای سرشان نمی‌نشیند و روزی فرامی‌رسد که با خسارات سنگین و غیرقابل جبران مواجه می‌گردند. بدینسان که ناگهان مصیبتی بر آنان، زن و فرزندشان نازل می‌شود و تمام اندوخته‌شان را به باد می‌دهد. لذا شایسته است که مسلمانان از فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی در معاملات، داد و ستد در میان‌شان اجتناب ورزند و صداقت و راست‌گویی را پیشه خود سازند و از فریب‌کاری بپرهیزند تا تجارتی با برکت داشته باشند.

## (۱۸)

**سرگوشی بغاظر آزار و اذیت دیگران**

سرگوشی و نجوا کردن یکی از علائم و نشانه‌های بی‌اعتمادی در میان مسلمانان بشمار می‌آید، حال آن‌که پیامبر ﷺ فرمود: «مؤمن آینه مؤمن است» همان‌گونه که آینه همگان را یکسان نشان می‌دهد مسلمانان نیز با همدیگر رو راست باشند و در صدد آزار و اذیت یکدیگر نباشند و نسبت به هم سوءظن نداشته باشند.

عن عبدالله بن مسعود قال، قال رسول الله ﷺ: «إذا كنتم ثلاثة فلا يتناجى اثنان دون الآخر حتى تخلطوا بالناس من اجل ان يَخْزَنَهُ»<sup>۱</sup>.

از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «در جمع سه نفری، دو نفر حق ندارند که سومی را تنها بگذارند و با هم سرگوشی صحبت کنند زیرا این عمل منجر به ناراحتی نفر سوم خواهد شد».

در صورتی که تعداد جمع، سه نفر بود سرگوشی کردن گناه و خلاف فطرت است زیرا این عمل موجب ناراحتی و نگرانی فرد سوم می‌شود و از طرفی سوءظن و بی‌اعتمادی را به بار می‌آورد. این گونه سرگوشی کردن از نظر شرعی حرام و ممنوع می‌باشد البته اگر تعداد جمع زیاد بود نجوا و سرگوشی اشکالی ندارد.

## (۱۹)

## بدگمانی و سوء ظن

﴿يَتَأْتِيهِمُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که برخی از گمان‌ها گناه است.»

سوء ظن درجات متفاوت و گوناگونی دارد برخی حرام و برخی دیگر مستحب و مندوب می‌باشد بدترین و شنیع‌ترین سوء ظن، گمان بد داشتن به خدا و مایوس شدن از رحمت وی است به گونه‌ای که فرد از رحمت خدا مایوس و نسبت به او سوء ظن دارد و معتقد است که خدا او را عذاب می‌دهد و از رحمت‌های خود طرد و محروم ساخته است، داشتن چنین عقیده‌ای بدترین گناه است. از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول خدا فرمود:

«لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يَحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ».

کسی از شما نمیرد مگر آن که نسبت به خداوند متعال حسن ظن داشته باشد. و در حدیث قدسی چنین آمده است:

«أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عِبْدِي هِيَ»؛ من به نزد گمان بنده‌ام هستم یعنی با بنده‌ام چنان معامله می‌کنم که او به من گمان می‌برد.

بنابراین حسن ظن نسبت به خداوند فرض و داشتن گمان بد حرام و ناجایز است. بدینسان بدگمانی به مسلمانان نیز امری ناشایست و ناپسند است «ظَنُّوا الْمُؤْمِنِينَ خَيْرًا»<sup>۲</sup>؛ باید به مسلمانان حسن ظن داشت. و از گمان بد بشدت

۱. حجرات/۱۲

۲. العالم و المتعلم

اجتناب ورزید زیرا گمان بد، گناه بزرگی است یکی از عواملی که زندگی انسان‌ها را خوشگوار و خوشایند می‌گرداند حسن ظن نسبت به همدیگر است. به تجربه ثابت شده است که بدگمانی باعث ایجاد کدورت بی‌جا گشته و روابط و دوستی‌های چندین ساله را تیره و تار می‌کند.

## (۲۰)

## آبروریزی مسلمان

تعدی بر آبرو و حیثیت یک مسلمان همانند کشتن او حرام و گناه کبیره و غیرقابل بخشش می‌باشد. پیامبر ﷺ برای پاس داشت حرمت، آبرو و حیثیت یک مسلمان تاکید و سفارش فراوانی نموده است و در حدیث معروفی فرموده‌اند:

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ؛ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرَضُهُ»<sup>۱</sup>.

همه چیز مسلمان از خون و مال و آبرویش بر مسلمان حرام است. قرآن مجید کشتن و تعدی بر مسلمان را از شأن یک مسلمان و مؤمن بعید می‌داند. آبروریزی مسلمان را بدترین گناه و بزرگ‌ترین مشکل مسلمانان می‌داند به گونه‌ای که حضرت اسامه بن شریک رضی الله عنه می‌گوید در مجلس آن حضرت رضی الله عنه نشسته بودم که بادیه‌نشینان و اعرابی از آن حضرت رضی الله عنه پرسیدند: آیا فلان کار بر ما گناه است؟ آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «ای بندگان خدا، مشکل از شما برداشته شده است، مگر از کسی که آبروی برادرش را ببرد و این کار خطرناک و مشکل‌آفرین است».

همچنین در روایتی از حضرت سعید بن زید رضی الله عنه نقل شده است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «بدترین (ربا) تعرض و تعدی به آبروی مسلمان است و

همانا این رحمت شعبه‌ای از جانب خداوند است هر کس آن را قطع کند خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند.<sup>۱</sup>

خود شخص هم باید بفکر آبرو و حیثیت خود باشد یعنی از حیثیت خود دفاع کند گرچه با مال و ثروت هم باشد و مالی که در این باره خرج می‌کند برای او صدقه نوشته می‌شود. چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «مال و ثروتی که مسلمان برای حفظ آبروی خود مصرف می‌کند صدقه است».

### چهار چیز با ارزش دنیا

۱. مال ۲. جان ۳. آبرو و حیثیت ۴. ایمان

اما...

هرگاه جان را مصیبتی تهدید کرد مال را فدایش کن و هرگاه آبرویت مورد تعرض و تعدی قرار گرفت باید مال و جان، هر دو را فدا کن و هرگاه ایمانت به خطر افتاد باید مال، جان و آبرویت، همه را فدا سازی؛ و اگر از این طریق ایمانت محفوظ بماند سود بزرگی بدست آورده‌ای.<sup>۲</sup>

۱. ابوداود

۲. از امیر شریعت مولانا سید عطاء الله شاه بخاری رحمه الله

## (۲۱)

## شایعه پراکنی

یکی از عوامل ناامنی، اغتشاش و بدبینی در جامعه، شایعه پراکنی است، شایعات منجر می‌شوند تا مسلمانان مضطرب و پریشان شوند و پریشان سازی مسلمان گناه و حرام می‌باشد. شایعه پراکنی یکی از ابزار و آلات شیطانی است تا بدین وسیله مردم را نسبت به همدیگر بی‌اعتماد و دشمن سازد. قرآن مجید فرموده است: به شایعات دامن نزنید زیرا شایعه سازی موجب سلب اعتماد اجتماعی می‌گردد.

﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾

«در آن زمانی که به استقبال این شایعه می‌رفتید و آن را از زبان یکدیگر قاپدید و با دهان چیزی پخش کردید که علم و اطلاعی از آن نداشتید و گمان می‌بردید این مسئله‌ی ساده و کوچکی است در حالی که در پیش خداوند بزرگ بوده.»

شایعه سازی و اضطراب آفرینی از بزرگترین گناهان است و خداوند مجازات بزرگی برای چنین اشخاصی در نظر گرفته است، حال آن که مردمان آن را ساده و ناچیز می‌انگارند آنچه که امروز در رسانه‌های دسته‌جمعی و فضای مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرد که گاهی مرگ و مردن افراد را در سایت‌ها پخش می‌کنند مصداق همین عنوان می‌باشد و این کار از نظر شرعی جرم محسوب می‌شود و در روز قیامت مجازات سنگینی در انتظار این افراد می‌باشد.



شایعه پراکنی علاوه بر گناه بودن و اضطراب آفرینی، ضررهای جسمی هم در پی دارد. دانشمندان فنلاندی طی تحقیقات چند ساله‌ی خود اعلام داشتند: شایعه پراکنی زمینه‌ساز بیماری‌های قلبی، روحی و روانی است. به گفته و باور عموم: کلاغ‌های شایعه ساز همیشه رسوا هستند.

## (۲۲)

## سوال و تکدی گری

سوال کردن و خواستن از مردم اگر از باب احتیاج و ناداری و نیازمندی باشد اشکالی ندارد اما اگر بصورت تکدی گری باشد که به عنوان عادت برای فرد درآمد باشد از بزرگترین گناهان بشمار می آید. اما آنچه که امروزه در کوچه و خیابان ها به وفور دیده می شود این است که متکدیان در شهرها جولان می دهند این افراد نه تنها سائل، نادر و نیازمند نیستند بلکه افرادی هستند که بصورت شبکه ای و سازمان یافته و حرفه ای به این کار مشغولند و در شهرهای بزرگ و بویژه در شهرهای مذهبی مشغول به تکدی گری هستند و درآمد خوبی هم دارند به گونه ای که چند سال پیش شهردار تهران به متکدیان شهر تهران پیشنهاد کرد که تکدی گری را کنار بگذارند و در شهرداری مشغول به کار شوند و ماهیانه حقوق دریافت کنند اما هیچ کدام این پیشنهاد را نپذیرفتند زیرا تکدی گری را برای خودشان حرفه و شغلی حساب می کردند اما باید دانست که تکدی گری شغل انسان های پست و بی ارزش، و تن پرور می باشد. تکدی گری از نظر شرعی حرام و پیامبر ﷺ این افراد را نکوهش کرده است، انسان سالم نباید از دیگران توقع کمک داشته باشد در حدیثی به نقل از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه چنین آمده است:

قال النبی ﷺ: «ما يزال الزَّجَلُ يسأل الناس حتى يأتي يوم القيامة لبس في وجهه مُزَعَةٌ لحم»<sup>۱</sup>.

حضرت عبدالله بن عمر می گوید پیغمبر فرمود: «کسانی که با وجود نداشتن نیاز شدید و مبرم از گدایی و توقع دست بردار نیستند روز قیامت به حالتی زنده می گردند که حتی یک تکه گوشت هم بر صورت شان باقی نیست».

گدا پیشه ها، همان گونه که در دنیا پست و بی ارزش هستند به طوری که کرامت و شرافت انسانی را از دست داده اند و به صورت موجودی تنبل و بی خاصیت درآمده اند در قیامت نیز شرمنده و روسیاه می باشند لذا شایسته است که مسلمانان کمک هایشان را به مستحقین واقعی برسانند و به این گونه افراد حرفه ای که چهره انسان ها را زشت و موجودی تنبل جلوه می دهند کمک نکنند تا با گناه آنان شریک نشوند. چنین افراد مفت خوری اکثر جسم و جان چاق و چله شان را از ثمره دسترنج دیگران پرورش می دهند و در طلب رزق خود کمترین حرکت و عرق ریزی ندارند آیا آنان از مورچه های روی زمین ناتوان ترند که این گونه از کار و زحمت ایستاده اند و چشم به جیب و دست دیگران دوخته اند؟ خداوند در این نوع مال و متاع برکت نمی اندازد و این افراد دچار مصایب و بلاهایی می گردند که حتی تصور آن را نمی کنند کار هر چه باشد خیر و برکت در آن وجود دارد کار کردن عیب نیست، بیکاری عیب و گناه است.

حضرت عمر رضی الله عنه جوانان بیکار را تازیانه می زد و به کار وامی داشت. حضرت ابوهریره رضی الله عنه می گوید پیغمبر فرمود: «اگر هر یک از شما کوله باری از هیزم جمع کند و آن را محکم بر پشت خود قرار دهد (و آن را در بازار بفروشد)

خیلی بهتر از آن است که از کسی چیزی به عنوان توقع درخواست کند فرقی نمی‌کند آن چیز را به او بدهد یا ندهد. (چون توقع هر چه باشد بد است)». البته اگر به کسی که محتاج نیست از طرف کسی چیزی داده شود در حالی که او توقع و چشم‌داشتی نداشته باشد بلامانع است. افرادی که تکدی‌گری را به عنوان شغل و حرفه‌ای برای خود برگزیده‌اند هرگز توانگر و ثروتمند نخواهند شد زیرا پیامبر ﷺ فرمود: «هر کسی که دروازه‌ی گدایی را بر روی خود بگشاید (و به آن عادت کند) خداوند دروازه‌های فقر را بر روی او می‌گشاید».

## (۲۳)

## اتهام زنا

نسبت دادن زنا به انسان‌های پاکدامن از بدترین و قبیح‌ترین گناهان بحساب می‌آید، افرادی که بی‌مهابا، انسان‌های پاکدامن را متهم به زنا می‌کنند از نظر قرآن فاسق بشمار می‌آیند و در روز قیامت برای آن‌ها عذاب سخت و سنگینی در نظر گرفته شده است. قرآن مجید در رابطه با این افراد کلماتی هم چون ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ \* ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ آورده و آن‌ها را مورد لعن و نفرین قرار داده است.

﴿وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمَّا يَأْتُوا بِالْبَيِّنَاتِ شُهُودًا فَاجْلَدُوهُنَّ ثُمَّ لَمَنِينَ  
جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُنَّ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

«کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند، سپس چهار گواه

نمی‌آورند، بدیشان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز گواهی دادن آن‌ها را

نپذیرید و چنین کسانی فاسق هستند.»

اتهام زنا، خواه به مرد پاکدامن باشد و یا به زن پاکدامن، گناهی سنگین است. قرآن مجید افراد تهمت‌زننده را فاسق، متمرّد، یاغی و نافرمان معرفی کرده است. از آنجائی که، زنا بیشتر از بقیه جرائم موجب فتنه و فساد می‌گردد دین مقدس اسلام مجازات آن را هم نسبت به مجازات جرائم دیگر، سخت‌تر مقرر کرده است تا کسی جرأت و جسارت نکند که بدون ثبوت شرعی به زنان یا مردان، تهمت زنا بزند، و انسان‌های پاکدامن را متهم کند و کسانی که

- بی‌مهابا، به افراد پاکدامن تهمت می‌زنند باید مجازات شوند. شریعت مقدس اسلام برای این افراد دو نوع مجازات در نظر گرفته است:
۱. مجازات بدنی یعنی این که ۸۰ تازیانه زده شود.
  ۲. مجازات حیثیتی و آن عبارت است از مردود الشهادت قرار دادن آن‌ها.

## (۲۴)

## «أف» گفتن به پدر و مادر

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عِنْدَكَ  
الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا  
كَرِيمًا﴾<sup>۱</sup>

ای انسان! پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید هرگاه یکی از آن دو و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند «أف» به آنان مگو! و بر ایشان فریاد مزن و با سخنان محترمانه با آنان سخن بگو.

«أف» واژه‌ای است که به معنی کلمات زجر آوار، دلتنگ کننده، مثل وای و آه و... بکار می‌رود. قرآن مجید تاکید کرده است که به پدر و مادر سخنان زجر آور و ناراحت کننده نگوئید و بر سرشان داد مزنید، بلکه محترمانه و بزرگوارانه با آنان برخورد نمائید. با آنان انس بگیرید و از آنان منزجر نشوید. قرآن مجید از «أف» گفتن منع کرده است اما متأسفانه امروز کار به جایی رسیده است که فرزندان پدر و مادر را مزاحم خود می‌پندارند و علناً از آنان اظهار تنفر می‌کنند همین که به سن رشد می‌رسند آن‌ها را رها کرده و پیوندهای عاطفی را مختومه می‌دانند و پدر و مادر را بیگانه و ناآشنا می‌دانند ممکن است برخی از فرزندان، سالی یک مرتبه به بهانه روز پدر و یا مادر آن‌هم بخاطر بجا

آوری رسم از آن‌ها یاد می‌کنند و هدایای برای آنان بخرند و حتی اکثر اوقات همین را نیز دریغ می‌دارند. عمل فرزندان امروزی خلاف گفته خدا و رسول می‌باشد. قرآن مجید تاکید دارد که با پدر و مادر محترمانه برخورد کنید و با سخنان زیبا، نیکو و پسندیده و محترمانه جواب‌شان را دهید تا از شما راضی و خشنود گردند.

﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلَا كَرِيمًا﴾؛ «محترمانه با آن دو سخن بگو». ﴿وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ﴾؛ «و بال تواضع و فروتنی را بر ایشان فرود آور.»

پدر و مادر حتی اگر پیرو دینی غیر از اسلام باشند باز هم احترام آن‌ها واجب است چنان‌که حضرت اسما، بنت‌ابی‌بکر رضی الله عنهما از آن حضرت صلی الله علیه و آله چنین پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله مادرم با تمایل و یا بصورت هراسان بسوی من آمده است آیا با او ارتباط برقرار کنم؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بله.

یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان سفارش کرد که احترام مادرش را پاس بدارد و او را در آغوش بگیرد. بله، پیامبر نبی رحمت بود که عطف و مهریانی خویش را از کافری هم دریغ نمی‌دارد و به اسما، سفارش می‌کند با مادر کافرش به نرمی و نیکی برخورد کند.

بزرگان و پیشقراولان دین ما، والدین را افتخار و تاج سر و برکتی برای زندگی خویش می‌پنداشتند به گونه‌ای که نقل شده است آنان بر روی سقفی که پدر و مادر زیر آن نشسته بودند راه نمی‌رفتند زیرا می‌دانستند که بی‌احترامی کردن به پدر و مادر چه عواقبی دارد.



در حدیثی عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت کرده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَتَانٌ وَلَا عَاقٌ وَلَا مَدْمُنٌ الْخَمْرِ»<sup>۱</sup> شخص منت گذار در نیکی و احسان و همچنین شخص نافرمان از پدر و مادر و نیز شخصی که معتاد به نوشیدن شراب است، هرگز وارد بهشت نمی شود. و یا روایت معروفی از حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه نقل شده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «وَلَا تَقْنَنَ وَالِدَيْكَ وَ إِنْ أَفْرَاكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَالِكَ»<sup>۲</sup>، و نافرمانی پدر و مادرت را ممکن گرچه به تو دستور بدهند از خانواده، ثروت و دارایی خود دست بکشی. اما امروز زمانه عوض شده است همه چیز دگرگون گشته است به گونه ای که فرزندان پدر و مادر را در عین ناتوانی، ضعف، پیری و سالخوردگی از خانه بیرون می اندازند و یا با قساوت تمام آن ها را به خانه سالمندان تحویل می دهند و هرگز سراغی از آن ها نمی گیرند. و یا عده ای دیگر از فرزندان هستند که با بی شرمی تمام آرزوی مرگ آن ها را می کنند تا ثروت آنان را تصاحب کنند بخاطر بدست آوردن ارث پدری، مال و ثروتی را که آن ها با فلاکت و خون دل اندوخته اند، این افراد بدانند که هرگز خیر دنیا و آخرت را نخواهند دید و زندگی پردردسری پیش رو خواهند داشت و هرگز از آزمندی دنیا رها نخواهند شد.

نافرمانی والدین و زجر دادن آنان گناهی است که فرد خاطی در همین جهان به سزای عمل زشت خود خواهند رسید چنان که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود:

---

۱. سنن نسائی

۲. ترمذی

«خداوند تمام گناهان را اگر بخواهد تا روز قیامت به تأخیر می‌اندازد مگر نافرمانی پدر و مادر را که جزای آن را در زندگی دنیا قبل از مرگ به صاحبش نازل می‌کند و شخص در همین جهان به سزای عملش می‌رسد».

چرا نافرمانی والدین گناه کبیره می‌باشد؟ بخاطر آن که کفران نعمت و ناسپاسی صورت می‌گیرد. زیرا نافرمانی پدر و مادر منبع تمام شر و فساد جهان است، کسی که پدر و مادری که او را پرورانده و بزرگ کرده‌اند را نافرمانی کند چگونه می‌تواند با دیگران خوش‌رفتار و خوش‌گفتار باشد؟ قضاوت با شماست!

### فرزندان بداند:

هر رفتار و برخوردی که با پدر و مادر خود داشته باشند خود نیز از فرزندان خویش همان رفتار را خواهند دید؛ به قول معروف: از هر دست بدهی از همان دست می‌گیری.

## (۲۵)

## سوگند دروغین

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ﴾

کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای کمی بفروشد بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت.

سوگند خود امری مذموم، شنیع و قابل ترک می‌باشد اما، قسم و سوگندی که بصورت دروغ و نابجا باشد از بدترین گناهان است به گونه‌ای که موجبات خشم و قهر خدا را بدنبال خواهد داشت، شایسته است مسلمانان از سوگند دروغین پرهیز و اجتناب نمایند زیرا، مال، ثروت، پست و مقامی که از این طریق بدست می‌آورند برایشان خوشایند نخواهند بود و جز خشم خدا، سودی دیگر برایشان در پی نخواهد داشت. حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس سوگند دروغ یاد کند به گونه‌ای که بوسیله آن مال مسلمانی را تصاحب و تصرف کند در حالی خدا را ملاقات می‌کند که وی از این شخص خشمگین است» و در روایت دیگری آمده است که چنین شخصی جایگاه خود را در آتش جهنم آماده کند. بنابراین کسانی که به ناحق و با قسم‌های دروغین ثروت و مال مردم را بدست بیاورند مورد خشم و غضب خداوند قرار خواهند گرفت و در آتش سوزان جهنم

فروخواهند افتاد زیرا نام خدا را ناچیز انگاشته، تا به مال و متاع ناچیز دنیا استیلا، بیابد.

از شأن و هیبت یک مومن به دو است که بخواهد با سوگند دورغین، پست و مقامی بدست بیاورد و یا از این طریق حرف خودشان را به کرسی بنشانند و حقانیت خود را ثابت نماید، لذا نباید از نام و اسماء الهی سوء استفاده کرد و... باید به عواقب وحشتناک این کار بیندیشند سرانجام این کار، نگون سار در آتش سوزان جهنم است. چون دروغ بصلاح مسلمان نیست چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ الْكَذِبَ لَا يَصْلِحُ مِنْهُ جَدٌّ وَلَا هِزْلٌ»؛ صلاح نیست که انسان دروغ گوید، جدی باشد یا به شوخی.

وظیفه یک فرد مسلمان آن است که خود را از گناه نجات دهد تا به نزد خداوند از جمله دروغ گویان نوشته نشود. زیرا «فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفَجْرِ، وَ إِنَّ الْفَجْرَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا»؛ از دروغ اجتناب ورزید زیرا دروغ به گناه سوق می دهد و گناه انسان را به جهنم می رساند و فرد آنقدر دروغ می گوید تا نزد خداوند کذاب نوشته می شود.

## (۲۶)

## یاوه گوئی

زبان نعمتی است که باید هر آن و هر لحظه در مسیری قرار بگیرد که راه سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت را برای انسان ترسیم کند. گزافه گوئی، بیهوده گوئی زبان یکی از علامات و نشانه های غفلت انسان است. یکی از صفات و ویژگی های مؤمنین آن است که از کردار و بیهوده گوئی به دورند و از آن اعراض می نمایند قرآن مجید فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾<sup>۱</sup> «و آنان که از سخنان لغو و بیهوده اعراض می کنند.» زیرا خداوند انسان را برای هدفی بس بزرگ و مهم آفریده است و لحظات عمر انسان با ارزش هستند و نباید در غفلت، عبث و بیهودگی سپری شود. یکی از مضرات سخنان عبث و بیهوده آن است که انسان ها دچار سوء تفاهم می گردند و این کارها و سخنان بیهوده را گناه و معصیت تلقی نمی کنند و بی مهابا به آن دامن می زنند، حال آن که نامه اعمال شان بر اثر سخنان عبث و بیهوده مملو از گناه گردیده است.

## سخنان بیهوده

سخنان عبث و بیهوده، سخنانی هستند که هیچ سود و منفعتی برای شخص ندارند، نه منفعت دینی و نه منفعت دنیوی، حال آن که همین حرف ها در

آخرت زیان آور و مشکل آفرین هستند، زیرا لحظاتی را که با حرف‌های بیهوده صرف می‌کند لحظات گرانبهای عمرش هستند بدون آن که منفعتی برای آخرت او داشته باشد سپری می‌گردند عمر انسان، سرمایه بزرگ و با ارزش است که بصورت امانت در اختیار انسان قرار داده شده است انسان‌ها موظفند از آن استفاده بهینه بکنند و از تضییع اوقات گرانبها پرهیز کنند.

امام غزالی رحمته الله در منهاج العابدین، ضررهای یاوه‌گویی را این گونه برشمرده‌اند:  
 ۱. از آنجائی که فرشتگان که مأمور کتابت اعمال انسان‌ها هستند تمام اعمال را یادداشت می‌کند ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾؛<sup>۱</sup> نباید این فرشتگان را با سخنان بیهوده به زحمت انداخت.

۲. انسان عاقل و خردمند نباید پرونده اعمالش را با بیهوده‌گوئی سیاه کند زیرا هر انسانی در برابر اعمال و حرکات تمام اعضای خود مسئول است ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾.<sup>۲</sup>

۳. از آنجائی که انسان در روز قیامت پروردگارش را ملاقات می‌کند نباید حرف‌های بیهوده و عبثی در پرونده او دیده شود که این گونه اعمال انسان را شرمسار می‌نمایند.

۴. در روز قیامت به انسان‌ها دستور داده می‌شود تا نامه اعمالش را قرائت کند همگان می‌شنوند از آنجائی که هول و وحشت روز قیامت بسیار سخت و خطرناک است قرائت و خواندن این اعمال بر اضطراب و نگرانی فرد می‌افزاید.

روز قیامت، جای تأسف خوردن است نه جبران کاستی‌های دنیوی و زمانی برای جبران این اعمال وجود ندارد در آنجا باید حساب پس بدهد، انسان‌هایی که نامه اعمالشان پر از سیئات، یاوه‌گوئی و... است از ورود به بهشت بازداشته می‌شوند. پشیمانی و ندامت آن روز سودی ندارد. چرا عاقل کند کاری، که باز آرد پشیمانی.

مفسر قرآن حضرت مولانا محمد شفیع رحمته الله «لغو» را این گونه تفسیر کرده‌اند:

لغو عبارت است که کلام فضول یا کار فضولی که هیچ فایده‌ای به دنبال نداشته باشد، اعلی‌ترین درجه لغو، معصیت و گناه است. در ضمن این که در آن فایده‌ی دینی نیست ضرر و نقصان دینی نیز وجود دارد که پرهیز از آن واجب است. در حدیثی آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود:

«من حسن اسلام المرء تركه مالا يعني»<sup>۱</sup>؛ از حسن و خوبی اسلام و مسلمانی این است که از اموری فایده دست بردارد و خود را آلوده به معصیت نکند. اسراف در هر کاری حرام، شنیع و زشت می‌باشد. سخنان بیهوده اسراف زبان می‌باشد ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ اسراف نکنید خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد.

۱. مشکوٰۃ

۲. اعراف/ ۳۱

## (۲۷)

## شهادت دروغین

﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾<sup>۱</sup> «و از سخنان دروغ پرهیزید».

شهادت دروغین یکی از گناهانی است که با زبان انجام می گیرد، با چرخش همین زبان حق و یا حقوق فراوانی ضایع گردد بسیاری از افراد بخاطر شهادت دروغین از حق مسلم خود محروم می گردند و چه بسا برای همیشه بی نوا و درمانده می شوند. شهادت دروغین در جاهای متفاوتی می تواند کاربرد داشته باشد گاهی افراد جاهل در عقاید و احکامات دینی از آن استفاده می کنند و با این کار خود را برای فروافتادن در جهنم آماده می سازند، گاهی شهادت دروغین در معاملات صورت می گیرد که در این صورت حق الناس صورت می گیرد خداوند فرموده است که: «از چنین گفتار و سخنی دوری نمائید، شهادت دروغین جزو محرّماتی است که باید از آن اجتناب شود». پیامبر ﷺ فرمود: «بزرگترین گناه آن است که با خدا کسی را شریک قرار بدهید یا نافرمانی والدین صورت گیرد و یا به دروغ شهادت داده شود این هر سه مورد از خطرناک ترین گناهان می باشند».

حضرت خیرم بن فاتک رضی الله عنه روایت می کند که آن حضرت ﷺ نماز صبح را ادا کرد وقتی خارج شد ایستاد و چنین فرمود: «گواهی به دروغ با شرک به خدا برابر است» و این را سه بار تکرار فرمود، سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿فَأَجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾<sup>۲</sup>.

۱. حج/۳۰

۲. حج/۳۰



شهادت دروغین آنقدر سنگین و خطرناک است که آن حضرت ﷺ آن را مساوی با شرک قرار داد و شرک گناهی است که خداوند هرگز از آن در گذر نمی کند. قرآن مجید در رابطه با شرک این گونه فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>۱</sup>

گاهی شهادت دروغین موجب می شود تا فرد صالح، نیک و متدین محکوم شود و حبس گردد، در این صورت گناه محکوم شدن مظلوم و تحمیل حبس، هر دو بر ذمه کسی است که به شهادت دروغین علیه این شخص اقدام کرده است.

گاهی افراد جاه طلب و آزمند دنیا بخاطر بدست آوردن پست و مقام، مال و ثروت، اقدام به شهادت دروغین می کنند و بر اثر همین شهادت چیزهای حلال را حرام، و حرام را حلال می گردانند زیرا نتیجه این کار تهمت و افتراء بر خداوند می باشد و خداوند از چنین فعل شنیع و زشتی بازداشته است. چنان که در سوره نحل فرموده است:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ

لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

«و بخاطر چیزی که تنها بر زبان تان می رود به دروغ مگوئید: این حلال است و آن حرام و در نتیجه بر خدا دروغ ببندید، کسانی که بر خدا دروغ می بندند، رستگار نمی گردند.»

۱. نساء/ ۱۱۶

۲. نحل/ ۱۱۶

کسانی که به دروغ گوئی عادت دارند گاهی بر اثر بی پروایی بر خداوند هم دروغ می‌بندند و خداوند فرموده است چنین اشخاصی هرگز رستگار نمی‌شوند. اما متأسفانه در عصر حاضر شهادت دروغین هنر محسوب می‌شود نه گناه؛ چنان‌که حضرت مولانا عاشق الهی بلند شهری در این مورد نوشته‌اند: برخی افراد بنحواط ارتباط فامیلی، نژادی و ... شهادت دروغین می‌دهند و قضایا را به نفع خود فیصله می‌دهند این افراد چقدر پست فطرتند که عذاب آخرت را با چنین دروغ‌هایی به جان می‌خرند و حتی افرادی در شهرهای بزرگ، شهادت دروغین را وسیله کسب و کار قرار داده‌اند، افراد شناخته شده‌ای در دادگاه‌ها، اداره پلیس و ... حاضر می‌شوند و خود را به عنوان شاهد و مطلع معرفی می‌کنند و شهادت دروغین می‌دهند. مالی که از این طریق بدست می‌آورند قطعاً حرام می‌باشد زیرا این افراد با شهادت دروغین خود، حق را باطل جلوه می‌دهند و باطل را حق.

یکی از آفات و خطرات شهادت دروغین این است که افراد دیگر جرأت پیدا می‌کنند و به این گناه رو می‌آورند لذا شهادت دروغین منبع شر و فساد فراوانی می‌گردد.

## (۲۸)

## خُلفِ وعده

یکی از خطرناک‌ترین گناهان زبان، خلف وعده است و خلف وعده یکی از نشانه‌های مهم نفاق و دورویی است. آنچه که دنیای امن مسلمانان را ناامن گردانده است خلف وعده می‌باشد خلاف وعده منجر می‌شود تا مسلمانان نسبت به همدیگر اعتماد نداشته باشند، اعتماد که سرمایه اصلی مسلمانان است از بین برود. قرآن مجید دستور به ایفای عهد نموده و خلف وعده را نکوهش کرده است:

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِنِّي فَأَرْحَبُكُمْ﴾<sup>۱</sup>

«و به پیمان من وفا کنید تا به پیمان شما وفا کنم و تنها از من بترسید.»

هرگاه خلف وعده، بی‌اعتمادی و خیانت از جامعه برداشته شود آن گاه هستی، قوام حقیقی خود را باز خواهد یافت و تا زمانی که خلف وعده در بین مسلمانان وجود داشته، آرامش و سکون واژه‌هایی بیش نخواهند بود و تا زمین و زمان هست مسلمانان آرامش نخواهند داشت. خلف وعده یکی از خصصت‌های بارز منافقین می‌باشد.

عن ابی هریره رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و آله قال: «آیة المنافق ثلاث، اذا حدّث کذب و اذا وعد أخلف و اذا أئمن خان»<sup>۲</sup>.

نشانه منافق سه چیز است:

۱. هنگام سخن گفتن دروغ گوید.

۱. بقره/۴۰

۲. مسلم

۲. هرگاه وعده دهد خلف وعده کند.

۳. هرگاه امانتی به او سپرده شود در آن خیانت کند.

گرچه دایره نفاق بسیار وسیع و گسترده است نفاق در هر عصر و زمان رنگ و لعاب خاص و ویژه‌ای به خود می‌گیرد اما بارزترین صفات آن سه چیز هستند که یکی از آن‌ها خلف وعده می‌باشد. خلف وعده از گناهان کبیره است مسلمانان مادامی که خلف وعده را ترک نکنند هرگز سعادت‌مند و سربلند نخواهند شد یکی دیگر از مضرات خلف وعده استهزاء و تمسخر فرامین الهی می‌باشد زیرا کسی که خلف وعده می‌کند امر و دستور خدا را زیر پا می‌گذارد و چنین فردی هرگز رستگار نخواهد شد. اما متأسفانه مسلمانان به جای آنکه از خلاف وعده اجتناب کنند آن را اسباب تفریح و تفنن زندگی می‌پندارند.

(۲۹)

بُهْتَان

«وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَزْمِرْ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا»<sup>۱</sup>

«هر کس دچار لغزش شود یا گناهی بکند، سپس آن را به بی گناهی

نسبت دهد، به راستی بهتان و گناه آشکاری مرتکب شده است.»

از آیه چنین برمی آید کسی که مرتکب گناهی شده باشد آن گاه بی گناه و فرد غافل را متهم کند گناه این شخص چند برابر و این شخص مستحق عذاب شدید می باشد به دو دلیل و علت گناه آن دو برابر، و آن شخص مستحق عذاب شدید می گردد: ۱. بخاطر اصل گناه ۲. بخاطر افتراء و نسبت دادن گناه به فرد بی گناه.

یکی از عواملی که منجر به بهتان می گردد سستی و ضعف ایمانی افراد می باشد به گونه ای که انسان مؤمن مواظب زبان، رفتار و کردار خود است. انسان ضعیف الایمان، بی مهابا به افراد مؤمن بهتان می زند یعنی دروغ هایی به او نسبت می دهد که در شخص وجود ندارد، مؤمن از خدا می ترسد و به افراد پاک چیزهایی به ناروا نسبت نمی دهد که در او نیست زیرا می داند در روز قیامت باید حساب پس دهد. گناه بهتان به مراتب از گناه غیبت سنگین تر می باشد.

**بهتان چیست؟**

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا می دانید غیبت چیست؟» صحابه عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می داند آن گاه آن حضرت فرمود: «درباره برادرت سخنی بگویی که او آن را ناپسند می داند». صحابه پرسیدند: اگر آن چه که می گوئیم (معایب) در او باشد! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «در این صورت او را غیبت کرده ای و اگر آنچه که می گوئی در او نباشد و به او نسبت بدهی بر او بهتان بسته ای».

بنابراین بهتان به معایب و نواقصی گفته می شود که در شخص موجود نباشند و به او نسبت داده شوند. امروزه بهتان و نسبت دادن معایب و نواقص به افراد، عام گردیده است و انسان ها بی مهابا به افراد چه دروغ هایی که نسبت نمی دهند غافل از آن که نامه اعمالشان را لبریز از گناه می کند و این گناهان در روز قیامت آنان را نگون سار خواهند ساخت.

## (۳۰)

**سخنان کفرآمیز**

یکی از خطرناک‌ترین گناهان زبان که خرمین سعادت انسان را بر باد می‌دهد و خوشه‌های سبز ایمان را همانند برگ‌های درختان فصل پائیز زرد، بی‌محتوا و بی‌ارزش می‌کند، کلمات و سخنان کفرآمیزند که از زبان صادر و خارج می‌گردند در این گناه نقش اساسی و محوری را زبان برعهده دارد. کلمات کفرآمیز تمام اعمال حسنه را تباه و نابود می‌سازند همان‌گونه که قرآن مجید فرموده است:

«وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۱</sup>  
 «کسی از شما که از آیین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می‌رود و ایشان یاران آتش می‌باشند و در آن جاویدان می‌مانند.»

**برخی از سخنان کفرآمیز**

برخی از سخنان کفرآمیز که باید هر مسلمان و مؤمن از آنان اجتناب ورزد:

۱. شریک قرار دادن با خدا

۲. فرزند ثابت کردن برای خدا، امثال: عیسی ابن الله، عزیر ابن الله، الملائکه بنات الله؛ عیسی فرزند خدا، عزیر فرزند خدا، فرشتگان دختران خدا
۳. تکذیب و دروغ گو قرار دادن پیغمبران
۴. توهین و تحقیر پیغمبران
۵. استهزاء و تمسخر احکام اسلام
۶. تمسخر پاداش اعمال حسنه و عذاب اعمال سیئه
۷. افضل و ارجح دانستن احکامات ادیان از احکامات اسلام
۸. مقصر قرار دادن خدا در برخی از حوادث و مصایب
۹. ظالم دانستن خدا، به وقت حوادث تلخ و ناگوار
۱۰. نسبت دادن همسر برای خدا، در حالی که خداوند فرموده است: ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ ۖ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾<sup>۱</sup> و در جایی دیگر می فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا﴾<sup>۲</sup>
۱۱. در بین عده ای چنین کلمات ناشایست و غیر اخلاقی و ایمانی رایج است که می گویند: آیا خداوند می تواند سنگی بیافریند که خود نتواند آن را بلند کند. این کلمات و امثال این ها محصول زبان و افکار کسانی است که بویی از ادب نبرده و شناختی از خدا ندارد.

---

۱. اخلاص ۲-۳

۲. اسراء/ ۱۱۱



## (۳۱)

## سوگند به غیر خدا

سوگند یاد کردن بنام غیرالله گناه کبیره و شرک به خدا می باشد آنچه از احادیث و آیات قرآنی برمی آید به مسلمانان تلقین و آموزش داده شده است که بنام غیرخدا قسم یاد نکنند و اگر چنانچه واقعا نیاز بود باید بنام خدا سوگند یاد شود زیرا بر چیز و یا کسی که قسم و سوگند یاد می شود باید مورد تعظیم و تکریم باشد از آنجائی که تعظیم حقیقی، تنها شایسته خداوند است سوگند و قسم نیز تنها با نام الله منعقد می گردد در حدیثی از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بدین شرح نقل شده است:

عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَهُوَ يَحْلِفُ بِأَبِيهِ، فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَنْهَاكُم أَنْ تُخْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيَصْنُمْتُ».

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدند که عمر بن الخطاب به پدرش سوگند می خورد آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «خداوند از سوگند خوردن به پدران تان نهی کرده است، کسی که سوگند یاد می کند به خدا یاد کند و یا خاموشی گزیند».

از حدیث فوق چنین برمی آید که سوگند به پدران، مادران، و یا به هر چیزی غیر خدا خواه پیغمبر، یا ولی، عالم بزرگ، امام و... باشد حرام و شرک به خدا می باشد، لذا اگر در مواردی نیاز به قسم و سوگند بود باید به نام خدا سوگند یاد شود اما آنچه که در قرآن مجید، سوگندهایی به نام غیرخدا یاد شده است امثال: قسم به خورشید، شب، روز، انجیر و... خود خداوند بنام غیرخدا سوگند یاد کرده است چه توجیهی دارند؟ سوگند خوردن خدا، به غیر از خود، مباحث علمی دارد که جای آن مباحث در اینجا نیست و این کتابچه

مجال آن را ندارد آنچه خوانندگان بدانند این است که این سوگندها مختص خداوند است و دیگران حق سوگند به آن چیزها را ندارند، لذا سوگند بنام غیر خدا حرام، شرک و گناه کبیره می باشد. شایسته است که مسلمانان از سوگند یاد کردن بنام غیر خدا پرهیز و اجتناب کنند بویژه بانوان که اکثراً بر سر فرزندان خود سوگند یاد می کنند این نوع سوگندها حرام و ممنوع می باشد.

## (۳۲)

## سخنان بی‌فایده

عادتاً کسانی که دچار بیماری سخنان بی‌فایده و لایعنی می‌گردند که فکر نکرده‌اند که گفتارشان همانند اعمال‌شان مورد محاسبه قرار می‌گیرد. افرادی که می‌دانند گفتارشان همانند اعمال‌شان مورد محاسبه قرار می‌گیرد سخنان لایعنی آنان اندک و کم می‌باشند، شایسته مسلمانان نیست، که از زبان‌شان کلام بیهوده و بی‌فایده خارج شود. پیامبر ﷺ فرموده است: «فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لَيْسَ»؛ باید سخنان خوب و سودمند بگوید و یا ساکت باشد. پیامبر ﷺ گفت: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لَيْسَ»؛ هر کسی به خدا و روز آخرت ایمان دارد سخن نیک و خوب گوید و یا خاموشی گزیند و ساکت باشد.

از آنجائی که زندگی دنیا بسیار کم و کوتاه است همان گونه که قرآن مجید فرموده است:

﴿قُلْ مَتَّعْتُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾<sup>۱</sup>؛ ﴿وَلَتَنْتَظِرُنَّ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾<sup>۲</sup>

زندگی دنیا آن‌چنان کوتاه و فرصت کم و اندک است. قرآن مجید آن را تعبیر به فردا کرده است یعنی فردا قیامت برپا می‌گردد لذا نباید این وقت کم و محدود را با لایعنی و حرف‌های بیهوده و بی‌فایده سپری کرد، باید بدنبال

۱. مشکوة

۲. نساء/ ۷۷

۳. حشر/ ۱۸

مقصد و هدف رفت هدف زندگی مسلمانان ساختن و آباد کردن جهان آخرت است گرچه زبان کوچکترین عضو بدن است اما خطرات و آسیب‌های آن بسیار بزرگ و خطرناکند به گونه‌ای که یک حرف و سخن می‌تواند شهری را نابود و ویران سازد.

لذا، در فرصت کم و محدود باید به هدف و مقصد پرداخت همان‌گونه که اگر کسی شارژ گوشیش رو به اتمام باشد و بخواهد با کسی صحبت کند در این لحظه قصه تعریف نمی‌کند بلکه هدف و مقصد خود را بیان می‌کند و از حرف‌های اضافی و تعارفات اجتناب می‌کند بدینسان زندگی دنیا، رو به اتمام و پایان است. فرصت‌های محدود را نباید با معصیت و حرف‌های لایعنی سپری کرد بلکه به هدف زندگی پرداخت. فلسفه وجود و آفرینش انسان‌ها عبادت و پرستش خدا است ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup>

## (۳۳)

## خنده زیاد

خنده یکی از گناهانی است که با زبان صورت می گیرد منظور از خنده، خنده بی جا و مستمری است که شخص به آن عادت کرده و یا خنده ای که به عنوان تمسخر و ریشخند به مردم باشد. خنده باعث می شود تا یاد آخرت از بین برود و قلب در برابر وظایف معنوی غافل و بی تفاوت گردد بدینسان پیامبر ﷺ از خندیدن زیاد هشدار و برحذر داشتند و فرمود: «لو تعلمون ما اعلم لضحككم قليلاً و لبيكنم كثيراً»؛ اگر آنچه را که من می دانم شما هم می دانستید البته کم می خندید و بسیار می گریستید.

در حدیثی دیگر از حضرت ابوهریره ﷺ روایت است که آن حضرت ﷺ فرمود: «پرهیزگار باش، عابدترین مردمان خواهی شد قناعت داشته باش، سپاسگزارترین مردمان خواهی شد و آنچه برای خود می پسندی برای مردم هم پسند. مؤمن (کامل) خواهی گشت، حق همسایگان را رعایت کن، مسلمان (واقعی) خواهی بود و خنده را کم کن، زیرا خنده ی زیاد، دل را می مراند».

پیامبر ﷺ ناصح و خیرخواه امت هستند آنچه بخیر و صلاح امت بوده است به انجام همان عمل تشویق نموده اند و از آنچه مضر، زیان آور و خطر آفرین است برحذر داشته اند. خنده مضر و خطر آفرین است پیامبر ﷺ از آن برحذر داشته اند گریستن ترحم خدا را به ارمغان می آورد و بر انجام آن امر نموده است اما متاسفانه امروزه همه چیز برعکس شده اند خنده برای قلب مضر است

و باید از آن اجتناب گردد اما بکثرت می خندیم، گریه برای قلب مفید است، هرگز گریه نمی کنیم. اگر امروز دکتر، طیب و حکیمی از انجام فعلیتی و یا خوردن چیزی پرهیز نماید هرگز انجام نمی دهیم اما چرا به نصایح سودمند سردار دو جهان، محمد مصطفی عمل نمی کنیم؟ اما آنچه که امروزه به وفور تبلیغ می شود و به عنوان یک مقوله درآمده است.

### «خنده بر هر درد بی درمان دواست»

آیا این مقوله مبنای علمی دارد؟ آیا شریعت این مقوله را تأیید می نماید؟ در رابطه با خنده باید گفت: که در هیچ آیه، حدیث و متون اسلامی برای این امر تشویق و تأییدی موجود نمی باشد در رابطه با خنده پیامبر ﷺ این گونه نقل شده است «جَلَّ ضَحْكُهُ التَّبَسُّمُ»<sup>۱</sup>، بزرگترین خنده پیامبر ﷺ تبسم بوده است در آیه ۸۲ سوره توبه قرآن مجید بیان داشته است که کم بخندند و بسیار گریه کنند ﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا﴾<sup>۲</sup> «اندک بخندید، بسیار گریه کنند».

از آنجائی که خندیدن زیاد برای قلب مضر است و قلب را تاریک نموده و می میراند مؤمنین از خنده زیاد منع شده اند البته خنده زیاد برای کسانی مفید است که مقید به هیچ قید و بند دینی نیستند زیرا قلب شان غافل است و خندیدن زیاد آن ها را بیشتر در غفلت فرومی برد کسانی که در دنیا زیاد

۱. شمایل ترمذی

۲. توبه/ ۸۲

می خندند وقتی دنیا به پایان می رسد و به نزد خدا حاضر می شوند گریه‌ی  
پرسوز و گدازی به سراغشان می آید که هرگز پایانی ندارد.

خنده چوبی وقت بگشاید گره

گریه از آن خنده بی وقت به

سوختن و خنده زدن برق وار

کوتاهی عمر دهد چون شرار

بیطرب این خنده چون شمع چیست؟

پس که بر این خنده باید گریست

تا نرنی خنده دندان نمای

لب به گه خنده به دندان بخای

البته خنده‌ای که بصورت قهقهه و تمسخر دیگران و خندانند مردم نباشد و  
فقط بصورت تبسم و اظهار سرور باشد اشکالی ندارد از آنجائی که اسلام دین  
اعتدال و توازن است خنده‌ای که بخاطر تمسخر دیگران نباشد بجای و در وقت  
مناسب باشد اشکالی ندارد زیرا در زندگی پیامبر ﷺ شوخی و خنده نیز وجود  
داشته است اما بزرگترین خنده پیامبر ﷺ تبسم بوده است زیرا خنده تبسم از  
جانب خدا است و قهقهه از طرف شیطان. در احادیثی که نحوه خندیدن  
پیامبر ﷺ نقل شده است چنین آمده است پیامبر ﷺ به گونه‌ای می خندید که  
دندان‌های مبارکش دیده می شد.

## (۳۴)

## پر حرفی

پر حرفی و گزافه گوئی از بدترین گناهان زبان است زبان هر چقدر پر حرف باشد خطاهای آن به همان نسبت زیاد خواهند بود پر حرفی و گزاف گوئی بسان شلیک مکرر از اسلحه‌ای است که بیشتر گلوله‌های آن خطا می‌روند و به هدف اصابت نمی‌کنند. انسان پر حرف هم اکثر حرف‌هایش خطا و دروغ از آب درمی‌آیند و دروغ، خود گناهی بزرگ است. از آنجائی که زبان ترجمان قلب، نماینده عقل، کلید شخصیت و مهم‌ترین درجه روح آدمی می‌باشد بنابراین باید از آن در جهت اصلاح و بازسازی انسان استفاده کرد، باید بوسیله آن به ملکوت رسید نه به پرتگاه و ذلت ابدی.

پر حرفی و گزاف گوئی منجر به دروغ گوئی، تهمت، غیبت، و... می‌شود که هر یکی از این گناهان موجبات نابودی انسان را فراهم می‌آورند.

در حدیثی نقل شده است که آن حضرت علیه السلام فرمود: «هر کسی که بخاطر خندانیدن مردم پر حرفی و گزاف گوئی کند در عمق دوزخ انداخته می‌شود».

انسان دانا نباید از زبان گویا، که بزرگترین نعمت خدا است و بصورت رایگان در اختیار او گذاشته شده است. علیه خود استفاده کند باید بوسیله آن خود را به مدارج ترقی و به ملکوت اعلی برساند. پر حرفی یکی از نشانه‌های حماقت و نادانی انسان است زیرا شخص احمق از هدر رفتن عمرش ترسی ندارد و نه تنها از حرف‌های بیهوده سیر نمی‌شود بلکه از آن‌ها لذت هم می‌برد.



## (۳۵)

**لعن و نفرین به تب و بیماری‌ها**

از آنجائی که بیماری از طرف خدا و به حکم خدا به انسان می‌رسد حکمت‌های فراوانی در آن نهفته است، بیماری‌ها درجات انسان را در روز قیامت بلند می‌کنند و موجب آمرزش و گناهان انسان می‌گردند. نباید به بیماری‌ها بد گفت و از خدا شکوه و گلایه کرد. مصایب و دردهایی که بصورت بیماری به انسان می‌رسند موجب رهایی از آتش جهنم می‌گردند چنان‌که از حضرت عایشه روایت است که از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود: «هرگاه خاری یا افزون‌تر از آن به پای مؤمن اصابت کند، خداوند گناهی از گناهان او را می‌بخشد و یک درجه به درجه‌های او می‌افزاید».

و یا روایتی که از حضرت ابوامامه باهلی روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «تب، دمی از جهنم است هر چقدر که به انسان مومن برسد، سهمیه او از آتش جهنم است که از او برداشته و رفع می‌گردد». در روایتی دیگر نقل گردیده است که رسول اکرم ﷺ به عیادت زنی بنام ام‌السائب یا ام‌المسیب رفت، در حالی که او از تب شدید به خود می‌پیچید و لرزه بر او طاری شده بود پیامبر ﷺ فرمود: ناراحت و ناخوش هستید، زن به تب بد و بیراه می‌گفت، آن حضرت ﷺ خطاب به زن گفت: تب را دشنام ندهید زیرا تب، گناهان مؤمن را از بین می‌برد همان‌گونه که دمی آهنگران، مواد فاسد آهن را از بین می‌برد (و آن را خالص می‌گرداند) بدینسان تب هم گناهان انسان را از بین می‌برد و گناهان انسان را شستشو می‌دهد.

## (۳۶)

**لعن و نفرین به طبیعت و بلایای طبیعی**

یکی از علایم نادانی انسان لعن و نفرین کردن بلایای طبیعی است حال آنکه بلایا از طرف خود بوقوع نمی‌پیوندند بلایا از جانب پروردگار صورت می‌گیرند و خسارت مالی و جانی بوجود می‌آورند گاهی این بلایا به شکل طوفان مخرب و گاهی بصورت زلزله خودنمایی می‌کنند این بلایا قهر طبیعت نیستند آن گونه که مردم معتقدند بلکه این ها قهر خدای طبیعت هستند در احادیث نهی از لعن بلایای طبیعی وارد شده است. چنان که در روایتی از حضرت ابن عباس رضی الله عنه نقل شده است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مردی باد را نفرین کرد و در روایت مسلم آمده است که باد چادر مرد را برد، مرد باد را نفرین کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن را نفرین نکن زیرا آن مامور است قطعاً کسی چیزی را که قابل نفرین نیست، نفرین کند، نفرینش (نتیجه‌اش) به خود او بازمی‌گردد.

## (۳۷)

## فخر و مباهات با حسب و نسب

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَدُّكُمْ﴾<sup>۱</sup>

«بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شماست.»

حسب و نسب چیزی نیستند که ملاک و معیار برتری قرار گیرند ملاک برتری، تقوا و پرهیزگاری است اگر حسب و نسب ملاک برتری می بود، چرا ابولهب، عموی پیامبر مورد لعن و نفرین قرار گرفته است. تقوا است که پیامبر ﷺ در شب معراج صدای پای بلال را پیشاپیش خود می شنود. عرب و عجم، سیاه و سفید، فقیر و غنی هر دو طیف مخلوق خدا هستند آفریدگار هر دو خدا است:

«لا فضل لعربی علی عجمی»؛ هیچ عربی بر عجمی فضل و برتری ندارد.

آن را که بود نور نبی در بشـره

حاجت نبود به طول و عرض شجره

آن را که ز رخـش نتابد این نور سره

شجره ندهد، بغیر لعنت ثمره

«مَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»<sup>۲</sup>

کسی که در علم و عمل و بندگی و فرمانبرداری خدا تنبلی و سستی به خرج دهد نسب، او را بلند و رفیع نمی گرداند. مولانا جامی، عارف زنده دل فخر و مباهات نسبی را این گونه تشریح کرده است:

۱. حجرات/۱۳

۲. مشکوة

بنده‌ی عشق شدی ترک نسب کن جامی

که در ایمن راه فلان ابن فلان چیزی نیست  
آنچه انسان را به قله رفیع عزّت و عظمت می‌رساند علم و تقوا است فخر و  
مباهات با نسب و پدران، انسان را به خاک مذلت می‌نشانند و از سریر عزّت به  
خاک ذلت می‌کشاند حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که  
آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «يَدْعَن رَجَالٌ فَيُخْرِفُهُمْ بِاقْوَامٍ اِنَّمَا هُمْ فَخْمٌ مِنْ فَخْمِ  
جَهَنَّمَ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: افرادی که قوم خود را مایه فخر قرار می‌دهند باید  
آنان خود را رها کنند، قطعاً این کار، اخگری از اخگرهای جهنم هستند.

در روایت دیگری از طریق ابومالک اشعری رضی الله عنه روایت شده است که  
آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «در امت من چهار چیز از امور جاهلیتند که آن را ترک  
نمی‌کنند: ۱. فخر کردن به حسب ۲. طعن در نسب». لذا فخر و مباهات  
خصیصه‌ای از خصایص جاهلیت می‌باشد و شایسته است مسلمانان با نور  
ایمان از این اعمال مذموم دست بردارند.

شخصی به سقراط به سبب ناشناخته بودن نسبش توهین نمود و ریاست و  
شرف خود و خاندانش را به رخ او کشید، سقراط به او چنین پاسخ داد: شرف  
خاندان تو، به تو منتهی شده ولی شرف قوم من، تازه از من آغاز می‌شود؛  
اکنون من افتخار قوم خودم محسوب می‌شوم و تو عار و ننگ خاندانت.  
از حکیمی پرسیدند: سلسله تو به کجا می‌رسد؟ گفت: هیچ کس با سلسله به  
جایی نرسیده است.

## (۳۸)

## داد زدن و بلند سخن گفتن

بهترین سخن و کلام مؤمن آن است که پرمحتوا، مفهوم و آزاردهنده نباشد. داد زدن و بلند سخن گفتن به گونه‌ای که موجب آزار و اذیت اطرافیان باشد، گناه محسوب می‌شود حسن و جوازی ندارد، البته جایی که ازدحام و تجمع باشد و باید سخنان به همگان برسد در این صورت اشکالی ندارد اما در حالت عادی، داد زدن و بلند سخن گفتن ناپسند می‌باشد. قرآن مجید در سوره لقمان این گونه راهنمایی کرده است:

﴿وَأَقِمْ فِي مَسْجِدِكَ وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنْ أَدَكَرَ الْأَصْوَاتُ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾<sup>۱</sup>

«و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و فریاد مزین) چرا که زشت‌ترین صداها، صدای خران است.»

بدترین صدا، صدای خران است بدین جهت که این حیوان بدون نیاز، گاه و بی‌گاه صدا می‌دهد و صدایش بسیار بلند و تند است که اغلب موجب آزار و اذیت می‌گردد. انسان عاقل نباید آنقدر صدایش را بلند کند که موجب وحشت، آزار و اذیت اطرافیان گردد، قرآن مجید تاکید کرده است که در گفتار و سخن گفتن اعتدال داشته باشید ﴿وَأَعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾؛ یعنی صدایت را پائین بیاور. که صدا، بیش از نیاز بلند نباشد به گونه‌ای که موجب سروصدا و وحشت آفرینی نگردد. سخن گفتن باید، معتدل باشد نه چنان پائین باشد که نیاز به سوال و تکرار سخن باشد و نه چنان بلند و درشت باشد

که موجب وحشت گردد چنان که در شمایل آن حضرت ﷺ چنین آمده است که آن حضرت ﷺ در هنگام صحبت کردن درشت نبود. انسان موجودی اجتماعی است نباید به گونه‌ای صحبت کند که موجب اذیت و آزار دیگران باشد و انسان‌ها از او وحشت داشته باشند بلکه طوری سخن بگویند که دیگران احساس راحتی و آرامش کنند.

## (۳۹)

## دو رویی

دو رویی، محصول و نتیجه دو زبانی است دو رویی زشت ترین صفتی است که یک انسان می تواند بخود بگیرد. دو رویی خطرناک ترین سم و آفت کشنده برای قلب و وجدان یک فرد می باشد. خطر و زیان این افراد مخرب تر از دشمنانی است که بصورت آشکارا دشمنی می کنند. دشمنان آشکار، مشخص و پیدا ممکن است شاخ و برگ ها را از بین ببرند اما دشمن پنهان (فرد دو رو) ریشه ها را قطع می کند بدون آن که کسی متوجه باشد لذا قرآن مجید چنین اشخاصی را به شدت نکوهش و مذمت کرده است.

در احادیث، افراد دو رو به سوسمار تشبیه داده شده اند. مناسبت بین افراد دو رو و سوسمار بدینسان است که: سوسمار جانوری بسیار هوشیار است به گونه ای که خانه و محل زندگیش دو درب و سوراخ دارد که یکی آشکار و پیدا، و دیگری پنهان و مخفی، اگر دشمنی او را تعقیب کند و بخواهد به او آسیبی برساند و او را بگیرد از سوراخ دیگری خارج می گردد منافق دو رنگ و دورو است همان گونه که سوسمار از سوراخ و درب پنهانی محل زندگیش خود را در می برد و از محل حادثه فرار می کند و کسی متوجه نمی شود منافق هم خود را با رنگ دیگری به جماعت مسلمانان نشان می دهد، سوسمار هم همیشه مضطرب و نگران است و به دشمن حساسیت نشان می دهد. منافق هم، همیشه نگران، حیران و سردرگم است که نکند روزی نفاق و دو رویی او برملا گردد و از سوی افراد جامعه طرد نگردد.

افراد دو رو تا قیامت به همین صورت (دو رو باقی نمی‌مانند) روزی نقاب از چهره‌شان دریده می‌شود راست و دروغ‌شان بر همگان آشکار می‌گردد در نتیجه در هیچ کاری به آن‌ها اعتماد نمی‌شود و همانند مردگان در میان زندگان به زندگی ذلت‌بار خود ادامه می‌دهند. یکی دیگر از مضرات و زیان‌های جبران ناپذیر دو رویی این است که انسان را به ارتکاب گناهان و مفاسد بزرگ می‌آلاید. قانون چنین است که: هرگاه زبان از مسیر خود منحرف گردد قطعاً در گمراهی بسر می‌برد چه بداند و چه نداند روزی به عذابی دچار خواهد گشت که قرآن مجید فرموده است: «برای گروه گمراهان در روز قیامت عذاب دو چندان خواهد بود».

یکی از رسوایی و افضاحات افراد دو رو این است که گفتارهایشان ضد و نقیض درمی‌آیند به گونه‌ای که گفتارها و سخنان یک مجلس او، گفتارهای مجلس دیگر را قض می‌نماید و تناقض گویی او، بر اثر بی‌دقتی و دو رویی او می‌باشد. افراد دو رو همان گونه که در دنیا خوار و ذلیل‌اند در روز قیامت از بدترین انسان‌ها می‌باشند چنان که از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بدترین مردمان در روز قیامت به نزد خداوند افرادی دو رو می‌باشند به گونه‌ای که در نزد هر گروه و کسی با یک چهره ظاهر می‌شوند». افراد دو رو با دو رنگی و فریب کاری و نشان ندادن واقعیت درونی خود افراد را به جان همدیگر می‌اندازند سخنان و اسرار مردم را برای دیگران نقل می‌کنند آتش کینه و عداوت و دشمنی را در بین مردم شعله‌ور می‌کنند زیرا این افراد با کتمان کردن و پوشاندن چهره واقعی خود بدی‌های مردم را



آشکار می کنند و دو طرف را به جان هم می اندازند آن گاه همانند روباهی  
مکار از میدان فرار می کنند و مصداق واقعی آتش زیر خاکستر هستند.  
در حدیثی از حضرت عمار بن یاسر رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر  
کس در دنیا دو رو باشد، در روز قیامت برای او، دو زبان از آتش است».  
عن ابی هریره رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِدَى الْوَجْهَيْنِ أَنْ يَكُونَ امِيناً»<sup>۱</sup>.  
حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دو رو صلاحیت  
و لیاقت آن را ندارد که امین قرار داده شود».

## (۴۰)

**سخنان و گفتارهای بی عمل**

گفتار و سخنان بی عمل بسان درختان بی ثمر می مانند هیچ کشاورز عاقل و دانایی بکاشتن چنین درختانی اقدام نمی کند. انسان که تمام وجود و اعضای بدنش منبع و مصدر خیر و نیکی هستند چرا خود را شبیه درختان بی ثمر کند! زبان نعمتی است که با بکار گیری و استفاده بهینه از آن، انسان می تواند به ملکوت اعلی سیر کند و خود را بجایی برساند که فرشتگان مقرب از رسیدن بدانجا عاجز و ناتوانند. سعدی علیه الرحمه در رابطه با کسانی که حرف های بی عمل به زبان می آورند چنین گفته است:

حرف چندان که گوئی چون

عمل در تو نیست نادانی

قرآن مجید حرف ها و سخنان بی عمل را رد و نکوهش کرده است:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ<sup>۱</sup>﴾

آیا مردمان را به نیکی و کارهای خوب وادار می نمائید و خودتان را فراموش می کنید؟ حال آن که شما کتاب خدا را می خوانید، پس آیا خرد ورزی نمی کنید.

## (۴۱)

**دشنام، بد و بیراه گفتن به حیوانات**

اسلام دین برگزیده خداوند است که حقوق تمام مخلوقات و موجودات در آن محفوظ و مراعات گردیده است به گونه‌ای که اسلام اجازه نمی‌دهد حتی به حیوانی بد و بیراه گفته شود ظلم کردن بر حیوانات، جای خود دارد.

چنان‌که در ابوداود روایتی بدینسان نقل گردیده است:

«لا تسب الديك فانه يوقظ للصلاة»<sup>۱</sup>؛ به خروس بد و بیراه نگوئید زیرا او برای نماز بیدار می‌کند.

حضرت انس رضی الله عنه می‌گوید شخصی در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله به قاطری دشنام داد، چون قاطر او را گاز گرفته بود آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «به قاطر دشنام ندهید زیرا او پیغمبری از پیغمبران را برای نماز بیدار کرده بود».<sup>۲</sup>

اسلام دین، مهربانی است و حتی اجازه نداده است که به حیوانات ظلم و ستمی روا داشته شود.

۱. ابوداود، ابن ماجه و احمد

۲. جمع الفوائد

## (۴۲)

**دعای بد در حق فرزندان**

دعا یکی از راه کارهای شایسته و بایسته حل مشکلات دنیا و آخرت است. دعا یکی از شئون مثبت زبان است و به سمبل نیایشی که زبان عهده دار می شود و انسان را به جایگاه شامخ و به ملکوت اعلی می رساند اما (دعا) همان گونه که دعا موجب رستگاری و رهایی از بند نفس و شیطان و دوری انسان ها از آزمندی های دنیا می باشد بدینسان گاهی دعای بد موجب بدبختی، واژگون شدن انسان در دوزخ نیز می گردد. انسان نباید با عجله و شتاب دیگران را دعای بد کند، دعای بد یکی از نقطه های آغاز بدشگونی و پریشانی انسان ها می باشد به همین سبب است که پیامبر ﷺ فرمود: «علیه جان، مال و فرزندان خود دعای بد و نفرین نکنید زیرا ممکن است دعای بد شما در ساعات قبولی و اجابت دعا باشد که در این صورت بر ضرر فرزندان شما تمام شود».

دعای بد خلاف سنت و ممنوع است بویژه در حق فرزندان بسیار بد می باشد زیرا در طول شبانه روز ساعات و لحظاتی هستند که دعا در این اوقات هرگز رد نمی شود و رنگ قبولیت و اجابت بخود می گیرد نکند که دعای بد پدر و مادر با لحظات استجاب دعا مصادف شده باشد و به ضرر فرزندان بیانجامد آن گاه حسرت و افسوس فایده ی ندارد. برخی از والدین به هنگام ناراحتی از ناحیه فرزندان علیه آنان دعای بد می کنند و فرزندان گرفتار همان مصایب می گردند که این عمل برخلاف سنت رسول اکرم ﷺ می باشد. یکی از دعا هایی که حتماً مورد اجابت واقع می شود دعای پدر و مادر در حق فرزندان می باشد. فرزندان نعمت خدا هستند لذا نباید این نعمت ها را با دعا های بد تبدیل به زحمت و نفرت کرد.

## (۴۳)

**سر و صدا بر بالین بیمار و سخنان مایوس کننده**

مسلمانان بر یکدیگر حق و حقوق فراوانی دارند یکی از این حقوق عیادت بیمار می باشد. عیادت کردن از بیمار (مسلمان) از سنت های رسول اکرم ﷺ می باشد و دارای اجر و پاداش فراوانی نیز است به شرطی که هدف و نیت عیادت کننده ثواب و بجا آوردن سنت رسول اکرم ﷺ باشد اگر کسی با چنین نیت و هدفی از بیماری عیادت به عمل آورد خداوند او را به اندازه مسافت شصت سال از جهنم بدور نگه می دارد اما اگر عیادت کردن برخلاف سنت و موجب اذیت و آزار بیمار گردد، گناه بزرگی بشمار می آید. زیرا انسان در هر حالت و تحت هر شرایطی نیاز به استراحت و آرامش دارد بویژه آن که بیمار هم باشد. در هنگام عیادت نباید در مقابل مریض و یا بستگان او کلمات یأس آور و ناامید کننده به زبان آورده شود، نیز سر و صدا کردن بر بالین بیمار گناه بشمار می آید زیرا این عمل موجب ناراحتی و سلب آرامش بیمار می گردد.

سنت پیامبر ﷺ هنگام عیادت مریض آن است که زمان عیادت کوتاه و مختصر باشد لذا تا دیر نشستن موجب نگرانی و ناراحتی بیمار می گردد.

عن ابن عباس رضی الله عنه قال من السنة تحفیف الجلوس و قلة الصخب فی العیادة عند المریض، قال، قال: «لما کثر لفظهم و اختلافهم قوموا عنی»<sup>۱</sup>.

۱. مرقات المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح (کتاب الجنائز)

حضرت ابن عباس می گوید روش سنت عیادت از بیماران این است که هنگام عیادت تا دیر وقت نزد بیمار ننشینید، سر و صدا هم نشود زیرا زمانی که پیامبر ﷺ بر بستر بیماری بودند و صحابه در کنار ایشان سر و صدا کردند آن حضرت ﷺ فرمود: «از اینجا بلند شوید». یعنی اینکه پیامبر ﷺ سر و صدای صحابه را ناپسند دانست و آن‌ها را از این کار منع فرمود.

## (۴۴)

**تصدیق و تائید گفته‌های جادوگران**

یکی از خطرناک‌ترین گناهان زبان تائید و تصدیق نمودن ساحران و جادوگران می‌باشد زیرا سحر و جادو کفر است تائید و تصدیق کفر، گناهش کمتر از خود جادو و سحر نیست بدین جهت پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که پیش ساحر و جادوگر برود و حرف‌های او را تائید نماید او به من کفر ورزیده است». چون جادو و سحر، صفت ملکوت و روحانیت را از بین می‌برد زبانی که باطل را تائید و تصدیق کند شریک جرم و همکار می‌باشد و این کاری است که شیطان از او خشنود می‌گردد و بر اثر این عمل زشت نور ایمان از بین می‌رود و قلب تیره و تاریک می‌شود.

در حدیثی پیامبر ﷺ فرمود: «رفتن پیش جادوگران، تصدیق و باور کردن سخنان و حرف‌های غیبی که (چشم بسته) بیان می‌کنند گویا این شخص به خدا، رسول و وحی‌ای که بر پیامبر ﷺ نازل گردیده است کفر ورزیده‌اند». تصدیق و تائید حرف‌های کاهنان و جادوگران موجب حبط و از بین رفتن اعمال می‌باشند. پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس نزد کاهن و فالگیری آمده و از او چیزی پرسد، نماز چهل شب او قبول نمی‌شود».

## (۴۵)

## شماات

یکی از گناهان خطر آفرین زبان، شماات افراد بخاطر مصیبت و بلایی می باشد که بر سر آن ها آمده است مؤمن همان گونه که دیگر گناهان را ترک می کند و گناهان را بد و زشت می پندارد شماات را هم باید ترک کند و کسی را بخاطر مصیبت شماات نکند. زبان مؤمنین عاری از شماات باشد زیرا شماات هیچ سنخیتی با مؤمنین ندارد قرآن مجید از شماات اعدا، و دیگران نهی کرده است و شماات را کاری زشت، شنیع و قبیح معرفی نموده است:

﴿فَلَا تُشْمِتْ بِكَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۱</sup>

«ای برادرم) پس دشمنان را به من شاد مکن و مرا از زمره قوم ستم پیشه

مدان.»

در آیه ی دیگر شماات اعدا، را کار نابخردان و مشرکین می داند:

﴿إِنْ تَمَسَّكْتُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾<sup>۲</sup>

«اگر نیکی به شما دست دهد ناراحت می شوند و اگر به شما بدی

برسد، شادمان می شوند و اگر بردباری کنید و پرهیزید حيله گری آنان

به شما هیچ زیانی نمی رساند شکی نیست خداوند بدانچه انجام

می دهند احاطه دارد.»

۱. اعراف/ ۱۵۰

۲. سوره آل عمران/ ۱۲۰



بنابر این شماتت عادت‌ی زشت، قبیح و شنیع است. آیات قرآن در توصیف سیمای مخالفین دین اسلام و منافقین ویژگی‌ها و خصوصیات ذکر کرده‌اند هنگامی که مؤمنین گرفتار بلا و حوادث ناگوار می‌گشتند منافقین شادمان می‌شدند. کینه و دشمنی‌ای که نسبت به پیامبر ﷺ و صحابه در دل منافقان جای گرفته بود باعث می‌شد این گروه به گرفتاری و شکست مسلمانان خوشنود شوند. بهر حال شماتت وصف و خصلت کسانی است که از وادی ایمان دور گشته‌اند بدینسان که مؤمنین از آن بر حذر داشته شده‌اند. پرهیز و اجتناب از شماتت نشانه اهل ایمان و مؤمنین واقعی می‌باشد زیرا شماتت ویژگی دارد که هرگاه کسی بدان خوشنود شود از دنیا نخواهد رفت تا آن که خودش گرفتار آن شود و هر کسی که برای مصیبت دیگران شادی کند روزی دشمنانش برای مصیبت او شادی می‌کنند.

### منشاء و ریشه شماتت

منشاء و ریشه شماتت از دیدگاه قرآن مجید دو چیز می‌باشد: ۱. کینه و دشمنی ۲. حسادت. و این هر دو سبب ناشی از جهل، نادانی و عدم آگاهی از عواقب و سرانجام این عمل زشت است. از طرفی شماتت نوعی مقابله و مبارزه و ایراد گرفتن از خالق و آفریدگار انسان‌هاست چرا که در بعضی موارد خداوند فردی را حسب حکمت‌هایی دچار گرفتاری می‌نماید که این گرفتاری‌ها به سبب رفتارهای گذشته او نیست و حتی بعضی از انسان‌ها از همان ابتدای خلقت‌شان دچار نقص و معایب جسمی هستند بنابراین، ایراد گرفتن از این افراد و خندیدن به کاستی‌هایی که دچار آن هستند یعنی ایراد گرفتن از امر خلقت و اشکال در حکمت آفریدگار می‌باشد.

پیامبر ﷺ فرمود: «وقتی مصیبت زدگان و گرفتاران را دیدید خدا را شکر کنید که به شما عافیت بخشیده است و به آن‌ها نشوانید (آهسته بگوئید) زیرا انده‌گین‌شان می‌سازید و هرگز به کسی شماتت نکنید بلکه دعا کنید تا خداوند گرفتاری و مصایب را از او بردارد و به او عافیت ببخشد و هرگاه کسی به گرفتاری دیگران خشنود گردد قطعاً شماتت کننده به آن بلا و مصیبت گرفتار خواهد شد».

گاهی خداوند براساس حکمت و مصالح پنهانی افراد نیک، صالح و برگزیده را هم گرفتار مصایب و مشکلات می‌نماید نباید از گرفتاری آن اظهار خشنودی کرد سعدی گفته است:

هر که در این بزم مقرب تراست

جام بلا بیشترش می‌دهند

بنابراین شماتت، کار و عادت منافقین و انسان‌های نابخرد است قرآن مجید داستان دشمنان پیامبر ﷺ و صحابه را این گونه نقل کرده است: «منافقین این گونه بودند اگر وضع خوبی برای شما پیش بیاید این موجب ناراحتی آن‌ها می‌شود و اگر وضع نامناسبی اتفاق بیفتد شاد می‌شوند». راه حل و برون رفت از شماتت صبر و شکیبایی است همان گونه که قرآن مجید فرموده است:

﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾<sup>۱</sup>

«اگر شما صبر و تقوا را پیش گیرید حيله‌ها و مکرهایشان کوچک‌ترین ضرری به شما وارد نخواهند کرد».

## (۴۶)

**قهر کردن**

یکی از گناهان عمده و برجسته‌ی زبان، قهر کردن است. چرا شیطان مسلمانان را وادار می‌کند تا با همدیگر قهر کنند و از یکدیگر متنفر شوند؟ زیرا قهر کردن عذاب، خشم و عصبانیت خدا را در پی دارد. و در قهر کردن صله‌ی رحم از بین می‌رود و کسی که صله‌ی رحمی را قطع کند هرگز به بهشت نمی‌رود چنان‌که رسول اکرم ﷺ فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ»؛ کسی که قطع صله‌ی رحم کند وارد بهشت نمی‌شود. و در حدیثی دیگر چنین آمده است: «لَا يَحِلُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ»؛ برای مؤمن جایز نیست که بیش از سه روز با برادر مسلمانانش قهر کند و با او حرف نزند قهر کردن گناهی است که پیامبر ﷺ آن را نکوهش کرده است زیرا قهر کردن گناهان دیگری نیز در پی خواهد داشت. قهر کردن منجر به غیبت کردن، نمامی و سخن‌چینی، کینه و کدورت نیز می‌گردد، شایسته نیست مسلمانی با برادرش قهر کند بلکه باید با برادر مسلمان خویش انس و الفت و مهربان داشته باشد. بنابراین قهر کردن حرام و ناجایز می‌باشد. قهر کردن، گناهی است که سرچشمه و منبع آن زبان است تا زمانی که زبان از این نوع گناه و آلودگی‌ها پیراسته نشود تاریخ بشر به تاریکی خود ادامه خواهد داد و هرگز از نیم‌کره ظلمانی و آلوده خود به جهان روشن گام نخواهد نهاد و تا زمانی که این کدورت و تاریکی‌ها رفع نگردیده‌اند قلب‌ها پاک و بی‌آلایش نخواهند بود.

## (۴۷)

## بداخلاقی

بداخلاقی و بدزبانی سم کشنده و نابود کننده هستی وجود انسان می باشد و انسان ها را گریزان می نماید، بد زبانی بسان بوی بد و متعفن است که هر کس از آن دوری می جوید تا بوی گند و متعفن او، به مشامش نرسد. فرد بداخلاقی و بدزبان همان گونه که در دنیا منزوی است در روز قیامت نیز از رحمت های الهی بدور خواهد بود. پیامبر ﷺ فرمود: «محبوب ترین و نزدیک ترین شما به من در روز قیامت خوش خلق ترین شماست، منفور ترین و دورترین شما از من در روز قیامت، یاوه گوین، بداخلاقان، و دهان بازان و متکبران هستند».

همان گونه که دین اسلام و پیغمبر عظیم الشان رحمت و مأوی و ملجاء مسلمانان هستند، مسلمانان نیز به همین نسبت خوش خلق باشند و از بداخلاقی و سخنان درهم آمیخته و بیهوده بدور باشند و در حدیثی دیگر فرمود: «إِنَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ اخْلَاقاً»<sup>۱</sup> همانا بهترین شما خوش اخلاق ترین شماست.

انسان بداخلاق همانند درخت بی ثمری است که وجودش برای خود اوست، فایده و سودی برای دیگران نخواهد داشت عادتاً افراد بداخلاق ناسپاس، حریص، فریب کار، تنبل و ریاکار می باشند که هر کدام از این صفات، مذموم، قبیح و زشت هستند که هیچ مناسبتی و همخوانی با مسلمانان ندارند

آنچه که مسلمانان صدر اسلام را شیفته پیامبر ﷺ کرده بودند و همانند پروانه دور شمع او گرد آمده بودند اخلاق نیکوی آن حضرت ﷺ بود.

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾<sup>۱</sup>

«و اگر درشت خوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند.»

اخلاق بزرگترین جاذبه و گیرندگی را داراست و از هر مانع و سدی عبور می کند همان گونه که آب با نرمی و آهستگی در سنگ و آهن نفوذ می کند اخلاق نیک هم بدینسان در قلب ها رسوخ می کند و همه را تسخیر خویش می سازد. اخلاق نیک، نمک و ادویه عبادت می باشد. از یحیی بن معاذ رضی الله عنه نقل شده است که فرمود: عبادت بدون اخلاق نیک هیچ ثمر و فایده ای ندارد.

## (۴۸)

**دشمنی با اولیاء و دوستان خدا**

پیامبر در حدیث قدسی می‌فرماید: قال الله تعالى: «مَنْ عَادِلِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ»

خداوند متعال می‌فرماید: هر کس با ولی و دوست من دشمنی کند او را به جنگ خودم فرامی‌خوانم.

در حدیثی نقل شده است آن حضرت ﷺ فرمود: سه گروهند که فقط منافقین به آن‌ها توهین و بی‌احترامی می‌کنند:

۱. سالخورده‌گان ۲. عالم ۳. پادشاه عادل

توهین، دشمنی و کینه‌توزی با علما، گناه کبیره می‌باشد، کسانی که اولیاء الله را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند خداوند قبل از مردن قلب‌هایشان را می‌میراند. کسانی که با اولیاء و دوستان خدا کینه می‌ورزند و با آن‌ها دشمنی می‌کنند مورد قهر، خشم و غضب خداوند قرار می‌گیرند.

خداوند دوستان خود را از گزند دشمنان محفوظ و مصون نگه می‌دارد، هر توطئه‌ای که علیه دوستان خدا بکار برند قبل از آن که به دوستان خدا آسیبی برسانند شرش دامنگیر خودشان می‌شود.

## (۴۹)

## سوالات و پرسش‌های نامناسب

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ فَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

ای مؤمنان از مسائلی سوال نکنید که اگر فاش و آشکار شوند شما را ناراحت و بد حال کنند.

پیامبر ﷺ صحابه را از پرس و جو، و تحقیق مسائلی که در قرآن مجید از آن‌ها سخنی نیامده بازداشت و ترسید که این پرس و جوها باعث دردسر آنان شوند. پس نباید به دنبال سوالات بی‌موردی بود که مربوط به زندگی پیرامون ما نیستند و سودی برای زندگی‌مان ندارند.

از آنجائی که سوالات بی‌جا و بی‌مورد جزء سخنان فضول و بیهوده‌اند لذا این هم جزء گناهان زبان بشمار می‌آید و نباید زبان مشغول لغویات و سخنان بی‌فایده باشد، زبان باید به یاد خدا بوده و از او حرف‌های نیک شنیده شود زیرا خداوند هیچ چیزی را عبث و بیهوده نیافریده است. گاهی سوالات بی‌جا، موجب ضایع شدن وقت با چیزهای بیهوده می‌گردد و یا گاهی موجب نگرانی برای خود سوال‌کننده و چه بسا اضطراب آفرینی برای اطرافیان می‌شود. لذا پیامبر ﷺ از کثرت سوالات بی‌جا و بی‌مورد منع فرموده‌اند.

عن ابی هریره رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و آله قال: «دَعُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ فَبَلَّكُمْ سُؤَالُهُمْ وَ اخْتِلَافُهُمْ عَلَى النَّبِيَّاهُمْ، فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ».<sup>۱</sup>

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از آنچه که وا گذاشته‌ام از من سوال نکنید زیرا کثرت سوال و جدال با پیغمبران، پیشینیان را هلاک کرد، هرگاه شما را از چیزی نهی کردم از آن اجتناب کنید و هرگاه شما را به چیزی امر کردم به اندازه وسع و توان آن را انجام دهید».

حدیث فوق بیانگر این مطلب است که کثرت سوال بی جا و بی مورد ممنوع و گناه است. زیرا سوالات بی جا موجب ضایع شدن وقت و اشتغال به لایعنی است و موجب اختلاف و مجادله باطل خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم آنقدر سوال می کنند تا جایی که می پرسند خدا مخلوقات را آفریده پس چه کسی خدا را آفریده است؟» کثرت سوالات بی جا منجر به گناه می گردد و یا چه بسا موجب سرافکندگی نیز می شود البته سوالات بجا و مورد نیاز نهی نشده‌اند حتی سوالات خوب و مورد نیاز نصف علم بر شمرده شده‌اند.



## (۵۰)

## نوحه سرایی

نوحه گری و نوحه سرایی یکی از گناهان زبان است زیرا نوحه خوانی موجب می شود تا صبر و شکیبایی از بین برود و در نهایت نوحه گری منجر به شکوه و گلایه از خدا می شود. گاهی در نوحه گری کلمات کفر آمیزی به زبان آورده می شود که این کفرگویی خطا و گناه بزرگی است که هم متوجه نوحه گر می شود و هم متوجه میتی که برای او نوحه سرایی می کند زیرا مرده بوسیله گریه نزدیکانش عذاب داده می شود.

عن عمر بن الخطاب، عن النبی ﷺ قال: «المیت یُعَذَّبُ فی قَبْرِه لما ینح علیهِ»<sup>۱</sup>.  
عمر بن خطاب می گوید پیامبر ﷺ فرمود: «مرده بواسطه گریه (غیر مشروع نزدیکانش - که خود آن وصیت کرده است همان گونه که عادت جاهلیت بود) مورد عذاب قرار می گیرد».

هرگاه گریه برای میت بصورت فریاد و زاری، توأم با شکوه و گلایه باشد ممنوع و حرام است. همان گونه که حضرت ابوموسی اشعری ؓ می گوید: وقتی که حضرت عمر بن خطاب ؓ مورد سوء قصد قرار گرفت (توسط ابولؤلؤ مجوسی) حضرت صهیب بن سنان ؓ از اصحاب پیغمبر شروع کرد به گفتن وای وای برادر من را کشتند، حضرت عمر ؓ گفت: مگر نمی دانی که پیغمبر ﷺ فرمود: «مرده به واسطه گریه زنده برایش (به صورت فریاد و زاری) ناخشنود و ناراحت می شود».

حضرت مغیره بن شعبه رضی الله عنه می گوید از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «کسی که برایش نوحه و گریه و زاری شود به وسیله این عمل خلاف ناراحت می باشد». البته گریه ای حرام و ممنوع است که همراه با نوحه باشد و یا کسانی که در حال حیات و زندگی خود خانوادشان را به گریه و زاری و نوحه گری برای اموات عادت می دهند چنان که عادت عرب جاهلیت بود که توصیه می کردند پس از مرگ شان خانواده هایشان برای آن ها مراسم گریه و زاری و نوحه برپا کنند، چنین اشخاصی وقتی که بمیرند به سبب گریه نزدیکانشان که خودشان در زمان حیات خود به آن وصیت کرده اند عذاب داده می شوند البته گریه ای که بدون نوحه، شکوه و گلایه باشد اشکالی ندارد یعنی فقط اشک چشم و غم قلب، اشکالی ندارد چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله برای فرزند خردسالش (ابراهیم) گریستند. و یا در حدیث معروفی عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید حضرت سعد بن عبادہ مریض شد پیغمبر صلی الله علیه و آله به همراه عبدالرحمان بن عوف رضی الله عنه، سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه و عبدالله بن مسعود رضی الله عنه به عیادتش رفتند وقتی که به نزد او رسیدند افراد خانواده اش بر بالینش جمع شده بودند، پیامبر فرمود: «مگر فوت کرده است؟» گفتند: خیر یا رسول الله، آنگاه پیغمبر به گریه افتاد، مردم هم وقتی گریه پیغمبر را دیدند به گریه افتادند، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا متوجه نیستید، خداوند به خاطر اشک چشم و اندوه قلب، کسی را عذاب نمی دهد ولی انسان را به خاطر این (زبان)، مورد عذاب یا رحم قرار می دهد».

و مرده به واسطه گریه و زاری نزدیکانش (که به صورت غیر مشروع و با وصیت میت به گریه برایش و یا توأم با شکوه از خدا، و پاره کردن گریبان

باشد) مورد عذاب قرار می‌دهد. لذا اشک ریختن برای میت، غم و اندوه قلبی اشکالی ندارد این اشک ریختن همان رحمی است که خداوند آن را در دل بندگانش قرار داده است و خداوند با رحم و مهربانیش بندگان را مورد مهر و رحمت قرار می‌دهد.

## (۵۱)

**عجله و شتاب در ردّ و قبول**

یکی از علایم کم ظرفیتی انسان که منجر به تحسّر، ندامت و پشیمانی می‌گردد و پیامدهای بد و غیرقابل جبرانی به همراه دارد. شتاب‌زدگی و عجله در ردّ و پذیرش سخنان مردم می‌باشد که بدون تفکر و تأمل به سخنان پاسخ می‌دهد. قرآن مجید این گونه رفتار و رویه زبان را نکوهش کرده و آن را موجب تحسّر و پشیمانی دانسته است.

﴿يَتَأْتِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ جَاءَكَ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْهِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ تَدْمِيَةً﴾<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری را به شما رسانید درباره آن تحقیق کنید مبدا به گروهی بدون آگاهی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.»

مولانا مفتی محمد شفیع رحمته الله می‌گوید: از این آیه ثابت شد که چون شخص شرور و فاسقی حامل شکایتی از شخص و یا قومی باشد و به آن‌ها تهمت بزند، بدون تحقیق و بررسی عمل کردن به قول و شهادت او جایز نیست.<sup>۲</sup>

عجله و شتاب در ردّ گفتار، یکی از معضلات و نواقصی است که بدون فکر و تأمل از زبان صادر می‌گردد و پیامدهای مخرب و ویرانگری بدنبال دارد اگر این پدیده ریشه کن شود بسیاری از عداوت‌ها و رذایل اجتماعی کاهش پیدا

۱. حجرات ۶/

۲. معارف القرآن

می کنند و کسی برای از بین بردن این معضل پردازد و آن را از بین ببرد به رفاه و راحتی خود کمک کرده است. زیرا بیشتر شکست ها و سرافکنندگی مردم در سایه بی تدبیری آنهاست.

## (۵۲)

## غنا و موسیقی

﴿ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ هُم عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝۱ ﴾

«در میان مردم کسانی هستند که خریدار سخنان پوچ و یاوه‌اند تا با چنین سخنانی جاهلانه از راه خدا منحرف و سرگشته سازند و آن را مسخره کنند آنان عذاب خوار و رسوا، کننده‌ای دارند.»

غنا و آواز گناهی است که انسان‌ها را از راه حق منحرف می‌سازد و بسوی راه شیطان سوق می‌دهد. انسان‌هایی که گرفتار غنا و آوازند و از آن دست بردار نمی‌شوند، سرانجام این گناهکاران آتش جهنم می‌باشد. غنا و آوازخوانی از کارهای بیهوده و بی‌فایده‌ای است که انسان را به سوی دام شیطان می‌کشاند و لذت عبادت را از بین می‌برد.

جمهور صحابه و تابعین (لهو الحدیث) را این‌گونه تفسیر کرده‌اند لهو الحدیث شامل همه‌ی آن چیزهایی است که انسان را از عبادت و یاد خدا در غفلت می‌اندازد که شامل غنا و مزامیر و نیز قصه‌ها و داستان‌های بیهوده می‌باشد.<sup>۱</sup> ویژگی نوازندگی و خوانندگی چنین است که انسان را از یاد خدا غافل می‌سازند و توجه را به خود جلب نموده و بنیان ایمان را ضعیف و سست می‌نمایند. بدینسان است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «غنا و موسیقی نفاق را در

۱. لقمان/ ۶

۲. معارف القرآن

قلب انسان رشد می دهند همان گونه که آب گیاه و علف را رشد می دهد». غنا و موسیقی یکی از اسباب شیطان برای به دام انداختن انسان هاست به گونه ای که خود شیطان گفته است موسیقی و ترانه منادی من است که بوسیله آن دوستانم را فرامی خوانم. بدین جهت که هر جا صدای موسیقی بلند باشد مردم بدون دعوت بدانجا سرازیر می شوند.

رسول اکرم ﷺ غنا و آواز خوانی را همراه با شراب حرام قرار دادند. از حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «خداوند متعال شراب، قمار، طبل و ساز را حرام کرده و فرموده است هر چیز نشئه آور حرام است».<sup>۱</sup> در حدیثی از ابو مالک اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «گروهی از امت من شراب را با تبدیل نام آن می نوشند و در جلو آن ها زنان با آلات موسیقی سرود می خوانند که خداوند متعال آن ها را در زمین فرو خواهد برد و صورت های بعضی را مسخ کرده به صورت میمون و خوک قرار می دهد».

البته شعر و سرود خوانی مطلقاً حرام و ناجایز نیست اشعاری حرام و ناجایز است که همراه با موسیقی، کلمات کفر آمیز، مذموم، قبیح و زشت باشند اشعاری که خلاف شرع و توأم با کلمات مذموم نباشد اشکالی ندارد حتی پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةً»؛ برخی از اشعار دارای حکمت و فضایل می باشند. اشعار آموزنده ای که برای دفاع از کیان اسلام و تشویق

مجاهدین سروده می‌شوند اشکالی ندارند حتی ثابت است که آن حضرت ﷺ به حسان بن ثابت انصاری رضی الله عنه دستور داد تا کفار و مشرکین را با اشعار خود هجو کند. سرود و گوش دادن اشعاری حرام و ناجایز است که همراه با ترانه و موسیقی باشد و حتی گاهی اشعاری که برخلاف شرع باشد موجب ضرر و زیان جسمی هم می‌شود به گونه‌ای که برخی از روان‌پزشکان معتقدند: سرود و ترانه‌هایی که با موسیقی و آهنگ همراه هستند فشار خون را بالا برده و موجب بروز خطرات جسمانی می‌گردند.



## (۵۳)

## امر به بخل

زبان یکی از پر اسرار و کارآمدترین اعضای بدن است. زبان، بسان شهر وسیعی می ماند که شاهراه و کوچه های مختلفی دارد. یکی از شئون همواره زبان امر است. پیامبر ﷺ بخل ورزیدن را نکوهش کرده و مسلمانان را از آن بازداشته است قرآن مجید فرموده است کسانی که بخل می ورزند و یا دیگران را وادار به بخل و امساک می نمایند معذب خواهند شد.

﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾<sup>۱</sup>

«کسانی که بخل می ورزند و مردمان را نیز به بخل می خوانند و نعمتی را که خداوند بدیشان داده است را پنهان می دارند (نه خودشان از آن استفاده می کنند و نه دیگران را از آن بهره مند می سازند، و پیوسته سعی در کفران نعمت مادی و معنوی دارند ایشان بدانند که) ما برای کسانی که همچون ایشان کفران نعمت می کنند عذاب خوار کننده ای آماده کرده ایم.»

دایره و قلمرو بخل وسیع و گسترده است همان گونه که بخل ورزیدن و امساک در مال گناه و از رذایل اخلاقی بشمار می آید بخل در علم و کتمان آن نیز گناه می باشد و پیامد سوء و بدی در جهان آخرت خواهد داشت. پیامبر ﷺ

فرمود: «کسانی که علم می آموزند سپس آن را کتمان می نمایند و از مردم دریغ می دارند» **الجم بلجام من النار** در روز قیامت با آتش جهنم لگام کرده خواهند شد.

بخل یکی از رذایل اخلاقی است که هیچ مناسبتی با اخلاق مومنین ندارد چنان که امام نسائی در روایت نقل کرده است: «و لا یجتمع الشحّ و الایمان فی قلب ابداء»<sup>۱</sup>؛ بخل و ایمان در یک کالبد جمع نمی گردند. بخل و امساک موجب از بین رفتن مال، و ثروت می باشد.

عن ابی هریره رضی الله عنه أنّ النبی صلی الله علیه و آله قال: «مَا مِنْ یَوْم یَصْبِحُ الْعِبَادُ فِیهِ الْمَلَائِکَةُ یَنْزِلُونَ، فِیَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ اعْطَا مِنْفَقاً خَلْفاً وَ یَقُولُ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ اعْطَا مِمَّسْکاً تَلْفَافاً»<sup>۲</sup>.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر روز صبح دو فرشته نازل می شوند یکی از آنان می گوید: خداوند! به کسانی که در راه تو صدقه و احسان انجام می دهند عوض و پاداش بده و جای آن را برایشان پر کن و دیگری می گوید: بر کسانی که از صدقه و احسان خودداری می کنند بلا و آفتی که مال شان را از بین ببرد نازل بفرما».

۱. مشکوة

۲. مسلم کتاب الزکاة

## (۵۴)

## بدعت گذاری

و عن جابر رضی الله عنه قال، قال رسول الله ﷺ: «اما بعد، فان خير الحديث كتاب الله، و خير الهدى هدى محمد ﷺ و شر الامور محدثاتها، و كل بدعة ضلالة و رواه نسائي و كل ضلالة في النار»<sup>۱</sup>.

«بهترین سخن، سخن خدا است، بهترین روش، روش حضرت محمد ﷺ می باشد؛ بدترین کارها، بدعات است و هر بدعت منجر به ضلالت و گمراهی می گردد، و هر ضلالت و گمراهی منتهی به جهنم می شود».

بحث بدعت و نوآوری در دین از امور بحث برانگیزی است که نیاز به طول و تفصیل زیاد دارد و این مباحث از حیطه این کتاب خارج و مجال پرداختن به آن، در این اینجا نمی باشد اما آنچه که باید به آن پرداخته شود این که، بدعت گذاری از بدترین گناهای است که از زبان صادر می گردد زبانی که منبع خیر، صدق و راست گویی است چرا بخاطر سهل انگاری، سستی و اهمال، از آن در جهت گناه استفاده کرد. بدعت از نظر عقل و شرع، ممنوع و حرام است بدعت گذاری یعنی معتقد بودن به اینکه مسایل و احکامات دین کامل نیستند حال آن که این امر منافی این آیه قرآن مجید است:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾<sup>۲</sup>

۱. مشکوة

۲. مائده/۳

«امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم.»

بدعت بهر صورت که باشد زشت، شنیع و حرام است و نباید به آن رنگ دین بخشید. شیخ احمد سرهندی مجدد الف ثانی در مکتوبات خود نوشته است: هیچ بدعتی، بدعت حسنه نیست. از اهل بدعت باید دوری جست، پیامبر ﷺ فرمود: «با اهل بدعت مصاحبت و همنشینی نکنید و اگر مریض شدند به عیادتشان نروید». این حدیث بیانگر قبح و زشتی بدعت است که پیامبر با این شدت از آن نهی فرموده است. بدعت گذاران باید از کارشان دست بردارند و از آن اظهار ندامت و پشیمانی نمایند و اگر بر بدعت گذاری اصرار بورزند کار بجایی می‌رسد که توبه آنان نیز پذیرفته نمی‌شود.

در حدیثی از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «از شخص بدعتی توبه سلب می‌گردد و به اهل بدعت سلام ندهید». شخص بدعتی از نظر حدیث، بدترین فرد معرفی شده است.

## (۵۵)

**کفر ورزی و دروغ انگاری احکام دینی**

هرگاه زبان به دروغ انگاری عادت کند سرانجام سراز وادی خطرناک و خانمان سوزی در می آورد؛ به گونه‌ای که این فرد قرآن مجید، سنت‌های پیامبر ﷺ و احکامات دینی را نیز دروغ و موضوع می‌انگارد و از این طریق سر به تمرد می‌زند. انکار احکامات دینی کفر می‌باشد اما عدم انجام دادن احکامات بخاطر سستی و سهل انگاری فسق می‌باشد.

﴿يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَٰذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾<sup>۱</sup>

«کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: این کتاب، چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.»

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

«و کیست ستمگر از کسی که بر خدا دروغ ببندد و یا حق را که بدو رسد تکذیب کند آیا پناهگاه کافران دوزخ نیست.»

منظور از کلمه حق، قرآن و دین اسلام و آیین مسلمانان است که برخی آن را دروغ می‌انگارند. زبان مسلمانان سخن گوی حق، و آیین راستین مسلمانان باشد نه منکر حق و فرمانبردار شیطان. انکار حق یعنی اطاعت و فرمانبرداری از شیطان.

۱. انعام/ ۲۵

۲. عنکبوت/ ۶۸

(۵۶)

## تعلل و تأخیر در کارهای خیر

﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ﴾<sup>۱</sup>

«بسوی خیرات و نیکی از همدیگر سبقت بگیرید و گوی سبقت را از یکدیگر بر بایند.»

یکی از مواردی که انسان نباید در انجام دادن آن تعلل و تأخیر کند حسنات و کارهای خیر می باشد. یکی از علایم خوبی انسان، سبقت گرفتن و شتافتن بسوی کارهای نیک است. کار نیک هر چه بود باید انجام پذیرد و حقیر شمرده نشود. از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: کار خیر انجام بدهید و هیچ چیزی را حقیر و کوچک مشمارید زیرا کار خیر و نیکی، کوچکش بزرگ و اندکش فراوان است.<sup>۲</sup>

بنابراین هرگاه توفیق کار خیر و نیکی دست داد دریغ نورزید اندکش را هم غنیمت بدانید تا به کار بزرگ و مهمی دست یابید لذا هیچ کار خیر و معروفی را حقیر و کوچک مشمارید «و لا تحقرن معروفاً»؛ هیچ معروف و کار خیری را حقیر و ناچیز مشمارید.

۱. بقره/۱۴۸

۲. نهج البلاغة

## (۵۷)

**سخنان ملال آور و خسته کننده**

زبان نعمت بزرگ و پرباری است که خداوند آن را در وجود انسان‌ها نهاده است تا با همدیگر انس و الفت بگیرند باعث شادی، راحت و آرامش یکدیگر گردند. زبان باید کارهای مفید و آرام‌بخش انجام بدهد نه کارها و سخنان ملال‌آور و خسته کننده. سخنان ملال‌آور و خسته کننده از جمله کارهای عبث و بیهوده است که مسلمانان باید از انجام دادن آن بازداشته شوند. زبان انسان، نباید مصدر سخنان بیهوده و فضول‌گویی باشد، افراط در سخن گفتن نشأت گرفته از بیهوده‌گویی است.

چنان‌که در احادیث نقل شده است که آن حضرت ﷺ در موعظه و نصیحت کردن هم رعایت حال صحابه را می‌نمود و آن‌ها را خسته نمی‌کرد. حسین بن علی می‌گوید پدرم گفت: از خوبی و حسن اسلام و مسلمانان این است که زیاده‌گو نباشند.

سخنان خسته کننده در هر شرایط و حالی ناپسند و زشت می‌باشند چنان‌که حضرت ابووائل می‌گوید حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روز پنج شنبه‌ی هر هفته موعظه می‌کرد گفته شد ما دوست داریم که هر روز ما را موعظه‌نمایی فرمود: من حال شما را هنگام موعظه رعایت می‌کنم همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در موعظه، حال ما را رعایت می‌نمود تا مبادا به ما خستگی دست دهد.<sup>۱</sup>

حضرت عایشه رضی الله عنها به عبید بن عمیر گفت: از ملول و ناامید نمودن مردم پرهیز  
لذا سخنان و کلامی که موجب اذیت و آزار دیگران است نباید به زبان آورده  
شود. سخن و کلام مؤمن باید توأم با صواب و شادی آفرین باشد.



## (۵۸)

**مَنْتِ نِهَادِنِ بَرِ فَقَرَا وَ مَسْتَمِنْدَانِ**

یکی از گناهان زبان، منت نهادن بر فقرا و مستمندان است. منت نهادن و فخرفروشی شیوه و روش‌های مختلفی دارد یکی از شیوه‌های آن، بازگویی خیر و یادآوری نیکی‌هاست که به قصد منت نهادن بر افراد مستمند و تهیدست باشد. بازگو و یادآوری صدقات و احسان همان عمل زشت و گناهی است که از زبان خارج می‌گردد و خرمن اعمال را بر باد می‌دهد زیرا در بازگویی منت‌ها، مفاسد و ضررهای فراوانی پدید می‌آید یکی از آن مفاسد، ریا و تظاهر و کوچک و حقیر شمردن افراد تهیدست می‌باشد. قرآن مجید از این کار به شدت منع کرده است:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ

مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بذل و بخشش‌های خود را با منت و آزار، پوچ و تباه نسازید همانند کسی که دارائی خود را برای نمودن به مردم، ریاکارانه صرف می‌کند.»

## (۵۹)

**قطع کردن کلام دیگران**

بریدن کلام دیگران یکی از عوامل بهم زنده‌ی روابط و زیر سوال بردن شخصیت دیگران است. کسی که کلام دیگران را قطع می‌نماید گویا خود را برتر و بهتر و دیگران را حقیر و ذلیل می‌انگارد و طبق آیه قرآن مجید هیچ کس خود را بهتر و برتر از دیگران نداند. قطعاً برتری با تقوا، شناخت و معرفت خدا است. یکی از پیامدهای مضر قطع کردن و بریدن سخنان دیگران به وحشت انداختن دیگران است که این عمل خود گناه کبیره، زشت و قبیح می‌باشد. شایسته نیست که مسلمانان با کارهای کوچک و ناچیز گناهان بزرگی در پرونده اعمال خود بیفزایند اعمال بدی که در روز رستاخیز موجب سرافکنندگی انسان می‌باشد.

(۶۰)

## تشویق به اعمال بد

﴿وَيَقَوْمٍ مَّا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ﴾

«ای قوم من! چه خبر است؟ من شمار را به سوی نجات و رستگاری می خوانم

و شما مرا به سوی آتش دوزخ می خوانید.»

گناه خود، کاری زشت و قبیحی است اما احمق و بی خرد کسی است که علاوه بر خود، دیگران را هم بسوی گناه و معصیت دعوت می دهد بیشتر کسانی که به این کار دست می زنند از عذاب و گرفت خدا غافل می باشند. کسانی که از هولناک بودن روز رستاخیز باخبرند نه خود گناه می کنند و نه دیگران را وادار به انجام گناه می نمایند. قلمرو زبان بسیار وسیع و گسترده است، عده ای از افراد هستند که گناه، خلاف، کردار و رفتار زشت گناه کاران را عین صواب و وحی منزل می انگارند تا آن که خود و دیگران را در پرتگاه جهنم قرار می دهند روزی به عاقبت کار می اندیشند که کار از کار گذشته است و آب در درون کشتی آن ها نفوذ کرده است و کشتی زندگی شان به گل نشسته است.

گناه کردن و دیگران را وادار نمودن به گناه و معصیت، بدبختی است که دامنگیر مسلمین گردیده است به گونه ای که افراد مغرض و نا آگاه سراب را آب و خشکی را دریا، و دریا را خشکی انگاشته اند بدینسان هم خود را هلاک کرده اند و هم دیگران را در ورطه هلاکت انداخته اند.

## (۶۱)

## تأسف خوردن بر شکست

یکی از گناهان زبان، تأسف خوردن بر حوادث و بلایایی است که به او می‌رسد زیرا این کار، موجب نادیده گرفتن قضاء و قدر می‌باشد. انسان باید در وقت شکست و مواجهه با مشکلات چنین پندارد که نفع و ضرر، بخشش و عدم بخشش، پیروزی و شکست، پستی و بلندی، عزت و خواری و... همه و همه از جانب خداوند هستند. خداوند براساس حکمت و مصلحت، انسان را دچار مصایب و مشکلات می‌نماید. گاهی حوادث موجب سربلندی انسان می‌گردند و گاهی مایه سرافکندگی و سرنگونی او. تنها خداست که مالک تمام کائنات و گردش شب و روز و بروز حوادث و مصایب است و همه و همه به اذن و اراده او صورت می‌گیرند. قرآن مجید فرموده است:

﴿وَأَن يَّمْسَسَكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنَّ يُرَدِّكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ<sup>۱</sup> يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ<sup>۲</sup> وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>۳</sup>﴾

«اگر خداوند زبانی به تو برساند هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف نماید و اگر بخواهد خیری به تو برساند هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را برگرداند. خداوند لطف و فضل خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواهد می‌کند و او دارای مغفرت و مهربانی است.»

هنگام بروز مشکلات باید به خدا پناه برد و نباید از او شکوه و گلایه نمود اوست که به مصایب و مشکلات گرفتار می‌کند و هم اوست که از بلاها و مصایب می‌رهاند، اوست که آتش را نور و آب دریا را دشمن می‌کند.

امام احمد بن حنبل رحمته الله می‌گوید: خداوند عزوجل در برخی از کتاب‌های آسمانی فرموده است: به عزتم سوگند! هر کس به من پناه آورد اگر آسمان‌ها و زمین و هر آنچه که در آن‌ها هستند علیه او توطئه‌چینی و با او دشمنی کنند او را نجات خواهم داد و هر کس که به من پناه نیاورد دستان او را از رسیدن به هر وسیله و اسبابی در آسمان قطع خواهم کرد و زمین را از زیر پاهایش فرو خواهم برد و او را در هوا معلق خواهم کرد آنگاه او را به حال خودش واگذار می‌کنم.

## (۶۲)

## منفعت طلبی از مخلوقات

از آنجایی که شیطان دشمن قسم خورده انسانیت است در هر میدان و محلی در کمین انسان‌هاست تا آن‌ها را گمراه سازد یکی از وسوسه‌های شیطان برای گمراه کردن انسان‌ها وابسته کردن آن‌ها به مخلوقات است همان گونه که سوال و درخواست مالی و مادی باید از خدا باشد زیرا رازق اوست و او رزق و مایحتاج مخلوقات را به عهد گرفته است ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾<sup>۱</sup> بنابراین هدایت که گم شده هر انسان است را هم باید از خدا خواست زیرا این نفعی است که متعلق به هر دو جهان است. هدایت دست خدا است و برای بدست آوردن سعادت بسوی خدا مراجعه کرد به کتاب و سنت، و علماء و دانشمندان دلسوز و خردمند مراجعه کرد و از خرافات و افرادی که ترویج دهنده خرافات هستند بشدت پرهیز کرد زیرا این‌ها دام گمراهی را برای انسان‌ها پهن کرده‌اند چون بندگان مصلحت تو را نمی‌دانند مگر آن‌که خداوند آن‌ها را مطلع و آگاه سازد و نمی‌تواند آن را برای تو فراهم کند مگر اینکه خداوند او را برای آن توانا سازد.

بنابراین تمام امور به کسی برمی‌گردد که ابتدا از او و پایان هر کار نیز در اختیار اوست. لذا هر منفعتی که توسط غیر خدا به دست بیاید در حقیقت تنها اوست که آن را فراهم و میسر گردانیده و عاید تو گردانده است.

## (۶۳)

## تفتیش اسرار مردم

از آنجایی که انسان، موجودی اجتماعی است لذا دارای اسرار و رازهایی است که نباید دیگران از آن‌ها مطلع شوند و آگاهی داشته باشند. یکی از گناهان بزرگ تفتیش اسرار و بیان آن‌ها برای دیگران است.

از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه نقل شده است که آن حضرت علیه السلام فرمود: «کسی که بصورت پنهانی و (از پشت پرده و دیوار و یا بصورت خواب زدگی) حرف مردم را گوش کند و به دیگران برساند، روز قیامت سرب گداخته در گوش‌هایش ریخته می‌شود».<sup>۱</sup>

لذا بدترین گناه آن است که اشخاص بدنبال اسرار مردم باشند تا آن را به دیگران برسانند و به گمان خود آن‌ها را رسوا نمایند.

## (۶۴)

## همسایه آزاری

اذیت و آزار هر موجودی حرام است، ایذاء رسانی از نظر شرعی حرام و گناه کبیره می‌باشد یکی از گناهانی که باید بشدت از آن پرهیز و اجتناب شود همسایه آزاری است. همسایه آزاری هم از نظر اخلاقی و هم از نظر شرعی ناروا، زشت و مورد نکوهش می‌باشد اما برخی از انسان‌ها که گویا فقط شکل و صورت انسانیت را دارند و بویی از آن نبرده‌اند به همسایه آزاری می‌پردازند و این کار را زرنگی می‌پندارند باید بدانند که هیچ کاری شرم‌آورتر و پست‌تر از این وجود ندارد.

پیامبر ﷺ برای رعایت کردن حقوق همسایگی تاکید فراوان کرده است از حضرت ابوهریره ؓ روایت است که مردی نزد آن حضرت ﷺ آمد و از همسایه خود شکایت کرد، آن حضرت ﷺ فرمود: «صبر کن» بار دوم و سوم خدمت پیامبر آمد و شکوه و گلایه کرد آن‌گاه آن حضرت ﷺ فرمود: «برو وسایل خانه‌ات را جمع کن و منزل را خالی کرده و از آنجا کوچ کن» آن مرد چنین کرد. هر کسی این وضع را می‌دید می‌گفت: خدا او را نفرین کند، سپس مرد مودبی از این وضع خسته شد و به نزد همسایه خویش رفت و با اصرار از او خواست تا به منزل خود برگردد و گفت: دیگر هرگز تو را اذیت نخواهم کرد.

در حدیثی از حضرت سلمان فارسی ؓ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «یکی از علامت‌های قرب قیامت این است که صله‌رحمی از بین می‌رود و همسایه، همسایه خود را اذیت و آزار می‌رساند».



آسایش و آرامش یکی از نعمت‌ها و موهبت‌هایی است که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است که همگان از آن برخوردار گردند اما همسایه‌ای که به همسایه‌اش اذیت و آزار می‌رساند و این نعمت را از او سلب می‌کند خود را مورد لعن و نفرین خدا قرار می‌دهد. همسایه از هر دوست و عزیزی، عزیزتر است و باید حقش رعایت گردد.

## (۶۵)

## به زبان آوردن محبت مال و ثروت

مال و ثروت دنیا همان اشیایی هستند که خداوند در مورد همه‌ی آن‌ها فرموده است: ﴿مَتَّعَ الدُّنْيَا قَلِيلًا﴾؛ «متاع و کالای دنیا اندک و کم‌اند». آنچه که مایه مباهات و فخراند علم و دانش، افعال و اعمال نیک می‌باشند. بزرگان دین، دنیا و اسباب آن را جیفه و لاشه‌ای مردار می‌پندارند، چقدر بی‌خرد است انسانی که محبت دنیا را بزبان آورد، زبانی که باید نام و یاد خدا با آن صورت گیرد نه صحبت دنیا. عده‌ای از مردم هستند که ثروت را بیش از خدا دوست می‌دارند حال آن‌که پیامبر ﷺ فرمود: «لَعَنَ عَبْدُ الدَّهْمِ»؛ چه بدبخت و شقی است بنده‌ی درهم.

کسانی که دنیا را دوست می‌دارند و صحبت آن را به زبان می‌آورند و بوسیله آن فخر و مباهات می‌کنند خداوند از چنین اشخاصی گلایه می‌کند و فرموده است:

﴿يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾<sup>۱</sup>

«برخی از مردم چنان‌اند که غیر از خدا، معبودانی را برمی‌گزینند و آنان

را همچون خدا دوست می‌دارند.»

زبان عضو پاکی است که نباید با بیان اوصاف دنیا آلوده گردد در حالی که محبت و شناخت پروردگار بر هر مسلمانی واجب و فرض می‌باشد چون خداوند آفریدگار انسان‌هاست. خداوند به انسان نعمت بخشیده است.

۱. نساء/ ۷۷

۲. بقره/ ۱۶۵

پیامبر ﷺ فرمود: «ای مردم! خدا را به خاطر نعمت‌هایی که به شما داده است دوست بدارید». محبت خدا نباید فقط زبانی باشد بلکه ذره ذره قلب نیز باید مملو از عشق و محبت خدا باشد و این زمانی محقق می‌شود که ما خدا را از صمیم قلب دوست داشته باشیم.

(۶۶)

## سفارش نابجا

﴿مَنْ يَشْفَعُ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفْعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا﴾<sup>۱</sup>

«و هر کسی که سفارش نیکی کند به او هم می رسد قسمتی از آن، و هر که

سفارش کند در کار بد، بر او هم می شود باری از آن.»

بیشتر سفارش ها با زبان صورت می گیرد، انسان مؤمن نباید به کار زشت و خلاف شرع سفارش کند و اگر چنانچه در کار بد و زشتی سفارش کرد با گناه آن شریک خواهد بود همان گونه که در سفارش خوب با ثواب و پاداش آن سهیم می شود.

افراد بخاطر قدرت، پست و مقامی که دارند نباید در جهت گناه و خلاف مصلحت سفارش کنند و از وجاهت خویش سوء استفاده کنند که در این صورت شریک گناه خواهند شد. سفارش بد بهر حال گناه است مؤثر واقع شود یا نشود در هر دو صورت سفارش کننده گنهگار می باشد. بنابراین کسی که برای امری ناجایز و خلاف و یا با روش خلاف شرع سفارش کند به او بهره ای از عذاب خواهد رسید و شریک گناه می باشد.

در حدیثی نقل شده است کسی که در کشتن مسلمانی به نصف کلمه ای هم کمک کند روز قیامت به دربار خدا چنان پیش می آید که بر پیشانی او نوشته می شود که این شخص از رحمت خدا محروم و مأیوس است.

## (۶۷)

**عدم طلب حلالیت در قبال مظالم و ستم‌ها**

چراغ ظلم ظالمین تا ابد فروزان نمی‌ماند روزی همه‌ی ستمگران در برابر عدل الهی قرار خواهند گرفت و به مظالم آنان رسیدگی می‌شود پس هنگامی که چنین سفر و محل وحشتناکی در پیش است انسان خردمند باید از مردم حلالیت بطلبد، بویژه زمانی که کسی را با زبان خود رنجانده است باید قبل از رسیدن روز حسرت، روزی که گناهکاران انگشت حسرت به دندان می‌گزند. از کسانی که آنان را با زبان آزرده، حلالیت بجوید. ظلم و ستم همان گونه که کشورهای آباد و قدرت‌های چندین صد ساله را از بین می‌برد و کشور را به تباهی می‌کشد ظلم زبان نیز وجود مبارک انسان را درهم می‌شکند و خرمن حسنات را خاکستر می‌سازد.

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که به برادرش ظلم نموده است قبل از اینکه در قیامت حسنات و نیکی‌هایش از او گرفته شوند و به برادرش داده شوند از او حلالیت بطلبد و اگر چنانچه حسناتی نداشته باشد از گناهان برادرش گرفته می‌شود و به او داده می‌شود زیرا در روز قیامت درهم و دیناری وجود ندارد».

## (۶۸)

## مقام و جاه طلبی

پست و مقام، ریاست و منصب، اموراتی هستند که عده‌ای از مردم بدون اینکه اطلاعی از عواقب آن داشته باشند در پی آن می‌روند اشخاص برای بدست آوردن پست و مقام دست به تملق و چاپلوسی، دروغ بافی و آبروریزی می‌زنند تا به سمت دست یابند حال آن که آن حضرت علیه السلام از چنین کارهای خطرناکی هشدار دادند لذا انسان عاقل و خردمند نباید دنبال چنین کاری برود و نباید با دست خود، خود را در هلاکت بیندازد **«وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»**، «و با دستان خود، خود را در هلاکت نیندازید».

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به عبدالرحمان بن سمره رضی الله عنه فرمود: «جاه طلب مباش زیرا اگر بعد از طلب، مقام را به تو دادند دچار دردسر و زحمت می‌شوی و اگر بدون طلب، مقامی به تو رسید خداوند ترا یاری خواهد کرد». عده‌ای از افراد چنان شیفته و تشنه قدرت، جاه و مقام هستند که دست به هر کاری می‌زنند و لو اینکه خلاف شرع و فطرت انسانی باشد و هر کسی که سر راه‌شان باشد، رازیر پاله و حذفش خواهند کرد حتی با ریختن خون او از هر ابزار و سیله‌ی استفاده می‌کنند تا به آرزوی خود برسند غافل از اینکه کارشان، چه عاقبت زشت و فرجام بدی خواهد داشت. حتی عده‌ای از افراد جان و مال و ناموس و آبروی مردم را پله و نردبانی برای رسیدن به مناصب و اهداف خویش قرار می‌دهند.

## (۶۹)

## زخم زبان

زخم زبان یکی از بزرگترین و خطرناک‌ترین گناهانی است که از زبان صادر می‌گردد چنان خطر ساز و برنده است که مرده، و زنده نمی‌شناسد، همگان را نابود می‌سازد. تیزی زخم زبان خطرناک‌تر از تیزی شمشیرهای پولادین است. هر زخمی به مرور زمان التیام می‌یابد اما زخم زبان هر روز که می‌گذرد تازه‌تر می‌گردد. چه خوب سروده شاعر عرب زبانی:

جراحات السنان لها التیام      و لا یلتام ما جرح بها اللسان

زخم‌های شمشیر قابل التیام‌اند اما زخمی که زبان وارد می‌سازد هرگز قابل التیام و ترمیم نمی‌باشد.

## (۷۰)

## نرم سخن گفتن با نامحرم

یکی از گناهان زشت، و از جمله عوامل فساد و فتنه نرم سخن گفتن با نامحرم می‌باشد، اغلب، افرادی دچار و گرفتار این مصیبت و گناه می‌گردند که روان و قلب‌هایشان مریض و فطرت آنان ناسالم و ناهموار می‌باشد. نرم سخن گفتن با نامحرم چنان خطر آفرین است که خداوند همسران پیامبر را از آن نهی فرموده است:

﴿يَنْسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتَنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ ۚ إِنَّ اتَّقِيْتَنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾<sup>۱</sup>

«ای همسران نبی شما مانند هیچ یکی از زنان نیستید اگر شما ترس داشته باشید پس شما آهسته صحبت نکنید پس هر آنکه در دلش شک باشد امیدوار می‌گردد و بگوید سخن معقول.»

با نامحرم با روشی که در آن تندی و خشنونت باشد صحبت کنید زیرا این کار حافظ عفت است نه خشنونت و بداخلاقی، بداخلاقی آن است که از آن به کسی اذیت رسد و در جلوگیری از طمع فاسد، آزار رسانی ثابت نمی‌گردد. اگر برای صحبت با نامحرم از پس پرده نیاز افتاد پس در گفتگو از نزاکت و لطافت طبیعی که مقتضای صدای زنان می‌باشد پرهیز کرد، زنان باید چنان با حجاب و محتاط باشند که حتی در دل اجنبی ضعیف‌الایمان تمایل و طمع پدیدار نشود.



**مسئله :**

از آیه و احادیث ثابت می‌گردد که صدای زن جزء حجاب نیست ولی این کنترل برای احتیاط است و باید در تمام عبادات و احکام مراعات گردد که صحبت زن نباید به جهر باشد بلکه باید آهسته باشد تا مردان نشوند.

## (۷۱)

## تکفیر مؤمن

یکی از گناهان مهلك و خطرناك زبان، نسبت دادن كفر به برادر مسلمان است. نسبت دادن چنین صفتی به برادر مسلمان گناه بزرگیست و پیامبر ﷺ از آن منع فرموده است.

عن عبدالله بن عمر رضی الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: «أَيُّمَا رَجُلٍ قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرٌ فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَخَاهُمَا»<sup>۱</sup>.

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می گوید پیغمبر ﷺ فرمود: «هر کس به برادر مسلمان خود بگوید: ای کافر! این گناه به یکی از آن دو برمی گردد (اگر طرف واقعاً کافر باشد گوینده سخن راست گفته است و گناهی ندارد و اگر طرف مسلمان باشد گناه این نسبت ناروا به گوینده برمی گردد) پس در هر صورت یکی از آنان گناه کارند».

زبان موهبت خداوندی است که به انسان عطا گردیده است تا انسان به اوج ملکوت برسد نه آن که با بی احتیاطی خود را زمین گیر گناه و عصیان نماید. انسان باید کاری کند که زمزمه شادی از او بوجود آید نه آن که اشک ندامت وجود او را محو و نابود سازد، گناهان انسان را برای همیشه سرنگون و سرافکنده می سازند.

قباحت این امر، از هر گناهی شدیدتر و زشت تر است و نباید مسلمانان به چنین عملی مبادرت ورزند و نباید بی هدف تیر شلیک کرد.

## (۷۲)

## غش در معامله

از آنجائی که دین اسلام دین صداقت و راست گویی است معاملات مسلمانان باید براساس صداقت و راست گوئی و بدون غش، فریب کاری و نیرنگ باشد. پیامبر ﷺ در حدیثی فرمود: «هر کسی از امت من در معامله فریب بدهد از امت من نیست».

عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما أَنَّ رَجُلًا ذَكَرَ لِلنَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ يُخَدِّعُ فِي الْبُيُوعِ فَقَالَ: «إِذَا بَايَعْتَ فَقُلْ لَا خِلَافَةَ»<sup>۱</sup>.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید مردی به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: که در معامله فریبش می دهند پیغمبر گفت: «وقتی که معامله کردی به طرف بگو در اسلام فریب و حقه بازی نیست».

در حدیثی از حضرت حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر (فروشنده و مشتری) در معامله صادق باشند و معایب را بیان نمایند خداوند در معامله ایشان خیر و برکت قرار می دهد ولی اگر عیب مورد معامله را کتمان نمودند و در معامله دروغ گفتند خداوند برکت معامله آنان را از بین می برد»<sup>۲</sup>.  
مسلمانان باید در معاملات خود صادق باشند و از حقه و فریب کاری و دروغ گفتن و قسم خوردن اجتناب نمایند زیرا مال و ثروتی که از طریق حرام و نامشروع بدست آید وبال گردن می گردد و موجب بدبختی و هلاکت اهل و عیال شخص می باشد. زندگی امروزی مسلمانان نشان داده است که مردم در معاملات صادق نیستند و در هنگام معامله دروغ می گویند و دیگران را فریب

۱. مسلم کتاب البیوع

۲. بخاری

می‌دهند و حتی شنیده شده است که گاهی برخی از فروشندگان ماشین، در ماشین تکه نانی می‌گذارند و در هنگام معامله می‌گویند این ماشین نان دارد و مردم را فریب می‌دهند. ثروتی که از طریق حرام و نامشروع بدست می‌آید لاجرم با اسراف و تبذیر و خرید اشیای گران قیمت و غیر ضروری و یا در راه فحشا و قمار، رشوه و اعتیاد مصرف می‌گردد و تلف می‌شود.

## (۷۳)

## فال گرفتن

فال گرفتن یکی از عوامل فریب و نیرنگ بازی می باشد که بوسیله آن خرمن سعادت بشر بر باد خواهد رفت و یکی از دام های شیطان و انسان های شیطان صفت می باشد که برای گمراه ساختن و منحرف کردن افکار و اعمال مردم بکار می رود.

متأسفانه امروزه این بیماری دامنگیر مسلمانان گردیده است کمتر کسانی هستند که از این بیماری مهلک و ایمان سوز جان سالم بدر برده اند و قرآن مجید در چندین آیه، فال گرفتن و نیرنگ بازی با این شیوه را نکوهش کرده است. زیرا فال گرفتن کار عاقلانه ای بنظر نمی باشد.

﴿ فَإِذَا جَاءَ تَهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ ۚ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَّيَّرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَئِنْ أَكْثَرْتَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۙ ﴾<sup>۱</sup>

«پس به آنان خوبی برسد می گویند این لایق ماست و اگر به آنان بدی برسد به موسی و همراهان او بدشگونی می گیرند، آگاه باش که بدشگونی آن ها نزد خداست اما بیشترشان نمی دانند.»

پیامبر ﷺ در حدیثی فرمود: «فال گیری از (جبت) یعنی شیطان است» لذا فال گرفتن از نظر شرع و فقه اسلامی حرام و ممنوع می باشد. در حدیث دیگری آن حضرت ﷺ فرمود: «الطيرة شركٌ الطيرة شركٌ الطيرة شركٌ»؛ سه مرتبه فرمود: «فال گرفتن شرک است».<sup>۲</sup>

۱. اعراف/ ۱۳۱

۲. ابوداود، ترمذی

## (۷۴)

## بدشگونی

آنچه امروزه در بین مردم مرسوم و رواج دارد این است که برخی از چیزها را بدشگون می‌دانند و بدفالی می‌گیرند که اساسی ندارند.

چنان که از رسول اکرم ﷺ روایت است که فرمود: «لا عدوی و لا طيرة»<sup>۱</sup> بیماری واگیردار و بدفالی اثری ندارد. قضاء و قدر بسان آب رودخانه‌ای به مسیرش ادامه می‌دهد. لذا بدفالی و بدشگونی بدور از شأن مسلمان است شایسته است که مسلمانان صحیح‌العقیده و سلیم‌الفرطه باشند تا گرفتار چنین بلایایی نشوند و پروردگار خویش را ناراض نگردانند. تمام فعل و انفعالات جهان به اذن و اراده خدا در گردش و چرخشند چنان که قرآن مجید فرموده است:

﴿ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ ۱ ﴾

«و هیچ چیزی (از مصایب، خشکسالی و بلایای طبیعی) که در زمین رخ می‌دهد و آنچه (از بیماری و گرفتاری) که برای شما پیش آید، نیست مگر آنکه آن را پدید آوریم در کتاب (علم خدا) بوده است بی‌گمان این کار بر خدا آسان است.»

آنچه را که امروزه مردم بدشگون می‌پندارند و حوادث و بلایا، شکست و ذلت را بدان‌ها نسبت می‌دهند آیه فوق بر آن‌ها خط بطلان کشیده است و از آن حضرت ﷺ روایت است که ایشان از چیزی بدفالی نمی‌گرفت.

۱. مسلم کتاب الاسلام

۲. حدید/ ۲۲

## (۷۵)

**اعتراض و عیب‌گویی از غذا و خوراک**

غذا و خوراک یکی از نعمت‌های مهم و اساسی خداوند برای حیات موجودات می‌باشند هر موجود زنده‌ای نیاز مبرمی به طعام و خوراک دارد برای همین، ایراد گرفتن از غذا و طعام کفران نعمت و ناسپاسی می‌باشد. ایراد گرفتن از غذا، خلاف سنت و خلاف فطرت انسانی می‌باشد. رسول اکرم ﷺ هرگز از غذا ایراد نمی‌گرفتند.

عن ابی هریره رضی الله عنه قال: ماعاب رسول الله ﷺ طعاماً قط، إن اشتهاه أكله و إلا تركه<sup>۱</sup>.  
ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که آن حضرت ﷺ هیچ گاه از طعامی ایراد نمی‌گرفت، اگر اشتها داشت می‌خورد و اگر نه ترک می‌کرد. رسول اکرم ﷺ ایراد گرفتن از غذا را منع و ناپسند می‌دانست زیرا این کار هم منجر به ناسپاسی و کفران نعمت می‌گردد و هم موجب رنجیده خاطر شدن کسانی که غذا را تهیه و تدارک دیده‌اند.

لذا یکی از آداب غذا، این است اگر مطابق میل بود تناول شود در غیر این صورت عیب‌جوئی و ایراد گرفتن از غذا ممنوع و ناپسند می‌باشد.

## (۷۶)

**خواب‌های ساختگی**

دروغ و خلاف واقعیت در هر شکل و شمایلی، و در هر لعاب و قالبی که باشد حرام و ناجایز بوده و گناه محسوب می‌شود اما بیان خواب‌های ساختگی مذموم و از آن به شدت نهی شده است زیرا خواب جز، چهل و ششم نبوت می‌باشد، گرچه سلسله نبوت قطع گردیده است اما ساختن و پرداختن و سرهم کردن دروغ و نسبت دادن آن به خواب که گاهاً موجب تشویش اذهان و باورهای مردم هم می‌گردد و یا گاهی خواب‌هایی را به بزرگان و اولیاء الله نسبت می‌دهند که این دروغ بزرگ، افتراء و بهتان نسبت به بزرگان می‌باشد، گرچه خواب، حجت شرعی نمی‌باشد یعنی اینکه با خواب هیچ حکمی از احکامات مسلم شریعت تغییر نمی‌کند ولی لایق و شایسته مسلمان نیست که در حوزه خواب ورود پیدا کند و دروغ‌هایی سرهم کند و مردم را فریب بدهد زیرا خواب‌های خوب نوید بخش هستند نباید خواب‌های خوب را با دروغ لکه‌دار و بی اعتبار ساخت. رسول اکرم ﷺ فرمود: «بزرگترین تهمت و یا بهتان این است که انسان ادعا کند که چیزی را در خواب دیده است حال آن که آن را ندیده است»<sup>۱</sup>.



## (۷۷)

**مجالس و محافل که در آن یادى از خدا و رسول نباشد**

برگزاری مجالس و محافل و همنشینی‌ها و اجتماعات مسلمانان یکی از محسنات و خوبی‌های دین اسلام می‌باشد. بهترین مجلس، مجلسی است که در آن صحبت و یادى از خدا و رسول باشد و هر مجلسی که بدین منظور برگزار گردد محل ورود و رفت و آمد فرشتگان می‌باشد و فرشتگان اهل این مجالس را با رحمت‌های الهی می‌پوشانند این مجالس، همان مجالس و محافلی‌اند که در آن یاد خدا و رسول، ذکر، پند و اندرز، و طرح مسایل دینی باشد اما مجلسی که در آن‌ها یادى از خدا و رسول نباشد و شئونات غیراخلاقی در آن‌جا طرح و اجراء شوند بدترین مجالس و همنشینی با شیاطین می‌باشد. این نوع مجالس مایه حسرت و ندامت برگزار کنندگان می‌گردند. در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده است که آن حضرت ﷺ فرمود: «هر کسی که مجلسی برگزار کند و در آن یادى از خدا نشود و مردم بدون ذکر خدا و اسمای حسنى او و بدون درود فرستادن بر پیامبر ﷺ مجلس را ترک کنند آن مجلس موجب ضرر و زیان خواهد شد، خداوند اگر بخواهد آنان را معذب خواهد کرد و یا مورد مغفرت قرار خواهد داد».

بنابراین زبان نعمتی است که باید در جهت یاد خدا و رسول و آبادانی و عمران سرای آخرت از آن استفاده شود نه اینکه در شئونات غیراخلاقی به کار گرفته شود.

پارتی‌هایی که امروزه جوانان برگزار می‌کنند چه رسوای‌هایی که در پی ندارد و چه پرده‌دری‌هایی که صورت نمی‌گیرد، جان و مال، ناموس و آبرو از بین می‌رود. باید مسلمانان با نفوذ و علما، از برگزاری پارتی‌هایی که مروج و دارای شئونات غیراخلاقی‌اند باید جلوگیری کنند و نگذارند جوانان ناآگاه با دستان خود، خود را در ورطه هلاکت بیندازند.

## (۷۸)

## عدم اجازه

خداوند انسان‌ها را موجودی اجتماعی آفریده است قوانین و مقررات خاصی نیز برای آنان وضع کرده است که رعایت آن‌ها تضمین کننده سعادت، سکون و آرامش می‌باشد. قرآن مجید وارد شدن در منازل را بدون اجازه ممنوع قرار داده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بدون کسب اجازه و سلام گفتن وارد

منزل پیامبر نشوید.»

از آنجائی که منزل و خانه هر کس خلوت گاه اوست لذا وارد شدن در حریم خصوصی افراد بدون اجازه ناجایز و نامشروع می‌باشد زیرا این کار سکون و آرامش را از بین می‌برد و پیامدهای ناهنجاری از قبیل بی‌بند و باری را در پی خواهد داشت. بدون کسب اجازه وارد شدن در منزل دیگران، فلسفه حجاب را هم زیر سوال می‌برد زیرا حجاب و پوشش برای پوشیده ماندن زنان می‌باشد اگر کسی بصورت ناگهانی و بدون اذن و اجازه وارد شود ممکن است عده‌ای از زنان روسری و چادر بسر نداشته باشند که این بی‌احتیاطی، خود مسایل و معضلات مخربی در پی خواهد داشت.

حضرت رسول ﷺ که به عنوان رهبر امت می‌باشد بدون اجازه وارد منازل صحابه نمی‌شدند. پیامبر ﷺ برای اجازه گرفتن تاکید فراوان کرده‌اند حتی

کسانی که بدون اجازه وارد می شدند به آن‌ها می فرمود: «برگرد، اجازه بگیر و با سلام گفتن وارد شو».

حضرت صفوان بن امیه رضی الله عنه می گوید: مقداری شیر و خیار برای پیامبر صلی الله علیه و آله برده بودم وقتی آنجا رسیدم بدون سلام و اجازه وارد شدم آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «برگرد و با گفتن السلام علیکم، و اینکه آیا می توانم وارد شوم؟ آن گاه بیا».

از آنجایی که مردم دارای اسرار و یا حالتی هستند که نباید دیگران از آن‌ها مطلع و باخبر شوند اجازه خواستن و سلام گفتن به همین خاطر است تا کسی از اوضاع و حالات خاص دیگران مطلع نشود، از آنجایی که زبان سخننگوی اعضا، است باید به نیابت از آن‌ها مسایل شرعی و اخلاقی را رعایت کند تا آنان از گناه و معصیت مصون بمانند. سلام گفتن علاوه بر آن که موجب اجر و پاداش و موجب انس و الفت می شود و وظیفه ایفای روابط عمومی را هم عهده دار می باشد وظیفه ای که باید رعایت گردد و در صورت عدم رعایت آن، فاجعه اخلاقی به بار خواهد آمد.

اگر شخصی وارد منزلی شود و نام خدا را بر زبان بیاورد علاوه بر آنکه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را بجا آورده است شیطان را هم مأیوس و ناامید می گرداند. در حدیثی نقل شده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگام صرف غذا و یا در وقت وارد شدن در منزل نام خدا (بسم الله) گفته شود شیطان می گوید در این خانه، نه برایم جایی برای شب گذراندن و نه غذایی برای خوردن است و اگر چنانچه نام خدا برده نشود شیطان می گوید چه جای خوبی است شب را در اینجا می گذرانم و غذا هم صرف می کنم». لذا شایسته است مسلمانان هنگام وارد شدن در منازل اجازه بگیرند و نام خدا را به زبان جاری کنند.

## (۷۹)

**حرف زدن هنگام خطبه نماز جمعه**

از آنجائی که نماز جمعه بر مردان فرض می‌باشد و ترک آن خسارات جبران‌ناپذیری بدنبال دارد و حتی کسانی که بر اثر سهل‌انگاری سه هفته متوالی آن را ترک کنند جزو منافقین می‌باشند چون در خطبه‌های نماز جمعه مسایل اعتقادی و اخلاقی بیان می‌شوند و استماع خطبه واجب و دارای آداب خاص و ویژه‌ای نیز می‌باشد. یکی از آداب خطبه نماز جمعه، گوش فرادادن و سخن نگفتن است زیرا در خطبه آیات خوانده می‌شوند حکم خدا هنگام شنیدن آیات این است:

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

هرگاه قرآن خوانده شد سکوت را رعایت کنید و به خطبه‌ها گوش فرادهید. عده‌ای از مسلمانان هستند که آداب خطبه را رعایت نمی‌کنند باید بدانند که شنیدن و گوش فرادادن به خطبه موجب آمرزش گناهان شده و رعایت کردن آداب خطبه موجب ازدیاد اجر و پاداش می‌شود. و عدم رعایت آداب خطبه، سرو صدا کردن و بهم زدن تمرکز بقیه نمازگزاران گناه بوده و فرجام بدی در پی خواهد داشت. پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که در زمان خطبه سخن می‌گوید مانند الاغی است که کوله‌باری از کتاب را حمل کرده باشد». حتی کسی که

برای ساکت کردن دیگران بگویند که سکوت را رعایت کنند از نمازش  
اجری نخواهد برد.

زبان نعمت بزرگی است؛ نباید مسلمانان بوسیله آن، گناه و معصیت به دوش  
کشند. باید بوسیله زبان و استفاده بهینه از آن مسیر بهشت را همواره ساخت.

## (۸۰)

## ناشکیبایی در برابر ناملایمات و مصایب

عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه قال النبی ﷺ: «لیس منا من ضَرب الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوى الجاهلیة»<sup>۱</sup>.

«کسی که هنگام مصیبت گونه‌هایش را بزند، گریبان‌ش را چاک دهد و مانند زمان جاهلیت داد و فریاد نماید از ما نیست».

مشکلات و مصایب جزو لاینفک زندگی مسلمان می‌باشند بی‌تابی و ناآرامی، داد و فریاد، شکوه و گلایه، هنگام مصیبت بدور از شأن مسلمان می‌باشد و این امور نوعی اعتراض بر قضاء و قدر می‌باشد مسلمانی که هنگام مصایب صبوری و بردباری از خود نشان نمی‌دهد و هنگام مواجهه با مشکلات اعمال خلاف شرع و خلاف فطرت انسانی انجام می‌دهد و به زمین و زمان ناسزا می‌گوید، بر سر و سینه و صورت خود می‌کوبد، مسلمان بشمار نمی‌آید. مسلمان واقعی کسی است که هنگام مصایب و مشکلات قیل و قال نمی‌کند، بر خدا اعتراض نمی‌نماید و مطیع پروردگارش می‌باشد همان کاری را انجام می‌دهد که سرور کائنات محمد مصطفی ﷺ انجام دادند زیرا ایشان الگوی حسنه مسلمانان می‌باشند، هنگام وفات فرزندش (ابراهیم) فرمود: «چشم می‌گیرید و دل اندوهگین است و ما سخنی برخلاف رضای خدا به زبان نمی‌آوریم. انا بفراقک یا ابراهیم لمحزونون؛ ای ابراهیم ما از فراق و جدایی تو محزون و اندوهگین هستیم». از آنجائی که زبان، نقش محوری و مرکزی در

وجود انسان دارد اگر کنترل و مهار نشود و در جهت و مسیر خوب استفاده نگردد بسان سیلی غیر قابل کنترل، دنیای فرد را فرومی ریزد و زیان های جبران ناپذیری به بار می آورد اما اگر کنترل شود و در جهت رضای خدا و در چارچوب شرعی استفاده شود دنیا را گلستان و بهشت را واجب می گرداند.



## (۸۱)

**توجیه و ناچیز شمردن گناه**

گناه خود قبیح، شنیع و زشت می باشد اما توجیه گناه بسیار خطرناک و انسان را در ورطه هلاکت می اندازد. یکی از صحابه خطاب به مردم عصر خودش فرمود: آنچه را که مردم امروزی حقیر و ناچیز می شمارند ما (صحابه) آن ها را در زمان رسول الله ﷺ از هلاک کنندگان می دانستیم اما خردمند کسی است که هنگام ارتکاب گناه، عذر تقصیر سوی پروردگار بیاورد و از کرده خویش نادم و پشیمان گردد اما توجیه و حقیر شمردن گناه، در واقع روی آوردن به حقیقت گناه و هموار ساختن مسیر انحرافات اخلاقی و اجتماعی می باشد. گناه همانند شعله ی آتش می باشد که بزرگ و کوچکش هر دو مخرب و ویران کننده است یعنی برای نابودی و خاکستر شدن یک شهر آتش گرفتن پمپ بنزین و یا شعله ی شمع مساوی بوده و خطر آفرین هستند.

گناه کوچک و بزرگ هر دو موجبات نارضایتی خدا را در پی دارند انسان مؤمن و خدا ترس، گناه را مساوی با مرگ می داند اما انسان خطاکار و غافل از خدا نمی ترسد و شب و روز گناه می کند. شیطان به عنوان معلم، او را آموزش می دهد و گناهان را در نظر او توجیه، حقیر و ناچیز جلوه می دهد.

«و إِنَّ الْفَاجِرَ يَرَىٰ ذُنُوبَهُ كَذُبَابٍ مَرَّ عَلَىٰ أَنْفِهِ فَقَالَ بِهِ هَكَذَا صَوْتُ لِدَلْعِ الذَّبَابِ»<sup>۱</sup>.

انسان گناهکار، گناهش را مانند مگسی می بیند که از روی بینش عبور می کند و به او می گوید «کیش» یعنی اینکه این شخص گناهان را ناچیز و حقیر می پندارد در حالی که گناه کوچک و بزرگش هر دو خطر آفرین هستند و خرمن سعادت انسان را بر باد می دهند. انسان دانا و خردمند باید از سیئات و بدی ها دوری بجوید و بسوی حسنات و نیکی بشتابد و به توجیهات شیطان تن ندهد.

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا﴾<sup>۱</sup>

آیا کسی که عمل های بدش (توسط شیطان و شیطان صفتان) در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می بیند همانند کسی است که در واقع آن را چنان که هست می بیند و از قوانین آسمانی پیروی می کند؟ قطعاً گناه و نیکی ها متفاوتند گناه از جانب شیطان اند. حسنات و نیکی ها از جانب خالق آفریدگار، انسان دانا و خردمند باید بسوی خالقش که ملجاء و مأواست بشتابد و از کج روی و گام نهادن در راه های شیطانی اجتناب ورزد.

## (۸۲)

## تحریف قرآن مجید

قرآن مجید آخرین کتاب و پیام جاوید پروردگار است که خداوند ضمانت حفظ و هراست کردن از آن را به عهده خود گرفته است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا

الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>۱</sup>

«ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود پاسدار آن می‌باشیم و تا روز

رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هر گونه تغییر و تبدل زمان

محفوظ و مصون می‌داریم.»

از آن جایی که تاریخ گواه زنده و شاهد حاضر است تاکنون هیچ گونه تحریف جا افتاده و قابل قبولی را ثبت نکرده و ارائه ننموده است در تاریخ ۱۴۰۰ ساله قرآن مجید عده‌ای از افراد بی‌خرد دست به چنین اقداماتی زده‌اند اما هرگز موفق نشده‌اند و نتوانسته‌اند با زور و تهدید مردم را وادار به تبعیت از تحریفات خود بنمایند.

یعنی هیچ عقل و فطرت سالمی تن به چنین ذلت و زبونی نداده است. در شریعت، تحریف کلام و سخنان مردم عادی، مذموم و ناروا می‌باشد، چه برسد به کلام آفریدگار هستی! قرآن مجید تحریف کلام را از اوصاف یهود و مشرکین و کفار برشمرده است. در سوره نساء فرموده است: ﴿مِنَ الَّذِينَ

هَادُوا نُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالْأَسْنَتِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَأَنْظِرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَئِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا<sup>۱</sup>

برخی از یهودیان سخنان را از جاهای خود منحرف می گردانند و کلام را از معانی اصلی بدور می دارند و وارونه و چند گونه و چند پهلو صحبت می کنند در آخر آیه فرموده است: «نفرین خدا بر این گروه باد».

تحریف کنندگان قرآن را خداوند در دنیا مورد لعن و نفرین قرار داده است تحریف در کلام خدا، یکی از آفات و گناهان زبان بشمار می آید و از رذایل اخلاقی محسوب می گردد انسان عاقل نباید متصف به رذایل اخلاقی باشد. تحریف کلام الهی در احادیث نهی و نکوهش شده است.

## (۸۳)

## مشورت غلط

از آنجایی که مشورت سنت رسول اکرم ﷺ است، لذا کسی که مورد مشورت قرار می‌گیرد و افراد جهت راهنمایی پیش او می‌روند باید امین، خیرخواه و دلسوز مردم باشد و نباید در مشورت دادن خیانت کند، در مشورت، حسادت، کینه‌توزی و حساب‌های شخصی را کنار بگذارد. مشورت بخاطر خدا باشد خیانت در مشورت یکی از دردآورترین دردهایی است که ضرر و زیان آن تا مدت‌های باقی می‌ماند و شخصیت مشورت دهنده، جریحه‌دار و مجروح می‌گردد و نهایتاً سلب اعتماد می‌شود.

مشورت کردن و مشاوره از شیوة مسلمانان است پیامبر ﷺ فرمود: «هر کسی در انجام کاری مشورت نماید هرگز نادم و پشیمان نمی‌گردد پس نباید مستشار در مشورت دادن خیانت بورزد که در روز رستاخیز نادم و پشیمان و روسیاه گردد» مشورت باید، براساس تقوا و پرهیزگاری باشد مستشار، هنگام مشورت دادن خدا را در نظر بگیرید و از سوءاستفاده‌ها پرهیز نمایید. مشورت شیوه مسلمانان و مؤمنین است خداوند این‌گونه فرموده است: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾؛ و کارشان به شیوة رایزنی و برپایه مشورت با یکدیگر است. مشورت اساس کار مسلمانان است نباید در این کار اساسی خیانت صورت گیرد. در حدیثی از طریق حضرت علی ؑ روایت است که آن حضرت ﷺ فرمود: «هرگاه از کسی مشورت گرفته، او امین است باید در آن کاری که از

او مشورت گرفته شده است آنچه را که برای خود می‌پسندد به او مشورت بدهد و تخلف از آن خیانت می‌باشد زبان گویایی که خداوند بصورت رایگان به ما داده است باید در جهت بهبودی اوضاع مسلمانان استفاده شود نه در جهت تخریب و ضایع کردن مسلمانان».

### (۸۴)

#### آموختن علم به نااهلان

از آنجایی که علم یکی از صفات پروردگار و تعیین کننده نقش انسان‌هاست، دقت شود که، علم به اهلش آموخته شود. پیامبر ﷺ فرمود: «آموختن علم به نااهلان همانند آویزان کردن قلاده‌های طلا به گردن چهارپایان می‌باشد». یکی از حقوق حقه علم، آموختن آن به اهلش می‌باشد. سعدی گفته است:

بی‌ادب را علیم و فن آموختن

دادن تیغ است دست راه‌زنان

زیرا نااهل جایگاه و قداست علم را از بین می‌برد و مردم را نسبت به علم و علما، بد بین می‌کند.

## (۸۵)

## افشای اسرار

افشای راز و اسرار مردم بدترین خیانت و گناهی است که توسط زبان انجام می‌پذیرد. افشای اسرار، چه اسرار خود و یا اسرار دیگران گناه است و پیامدهای سوء و جبران‌ناپذیری بدنبال دارد، یکی از عوامل دشمنی و کدورت بین انسان‌ها افشای اسرار آن‌ها می‌باشد.

افشای اسرار دیگران کدورت‌ها را شعله‌ور و دشمنی‌های پنهان را نهان و آشکار می‌سازد و گاهی سر را بر باد می‌دهد و اعتماد مردم را نسبت به همدیگر از بین برده و روابط گرم و صمیمانه را به تیرگی می‌گراید. حسن بصری گفته است: بدترین خیانت، خیانتی است که راز برادر دینی خود را آشکار و افشاء کنی. پیامبر ﷺ فرمود: «هرگاه کسی در مجلس سخنی گفت، سخن او به نزد شنوندگان امانت می‌باشد و نباید در آن خیانتی صورت گیرد». اما بدترین و وقیح‌ترین صورت افشای اسرار، اسرار خانوادگی است که افشاء می‌گردد. بی‌غیرت‌ترین شخص کسی است که مسایل درونی و اسرار پنهانی خانواده‌گی را بین مردم افشاء و آشکار سازد.

اما نه اینکه مردم به افشای اسرار دامن نمی‌زنند بلکه افشای اسرار مردم را نوعی کسب درآمد برای خود قرار داده و از این طریق اخاذی می‌کنند، برخی از سایت‌ها هستند که اسرار، سرّی و پنهانی مردم را به ارگان‌های مختلف می‌فروشند که این خود بدترین نوع خیانت و غیرقابل بخشش می‌باشد. اسرار مردم امانت‌اند نباید پخش و افشاء شوند؛ در حدیثی از رسول اکرم ﷺ روایت است که فرمود: «دو نفری که با هم می‌نشینند، با امانت می‌نشینند پس جایز نیست برای کسی که از همنشین خود آنچه را که او نمی‌پسندد افشاء کند».

(۸۶)

**ابراز آرزوهای نابجا**

زبان قلمرو بسیار وسیع و گسترده و کارکردهای مختلف و فراوانی دارد. قرآن مجید و احادیث، از آرزوهای بی‌جا نهی کرده‌اند از آنجائی که تمام آرزوها برآورده شدن نیستند لذا آرزوهای طولانی، عبث و بیهوده می‌باشند. وقت و عمر مسلمان آنقدر با ارزش و گرانبها است که نباید آن را صرف کارهای عبث و محال کند. پیامبر ﷺ فرمود: «لَوْ كَانَ لَإِنِ آدَمَ وَآدِيَانِ مِنَ الْذَّهَبِ لَا يَتَّقِي الْفَالِقَةَ»؛ اگر برای بنی آدم دو رودخانه پر از طلا باشد، سومی را هم طلب خواهد کرد البته آرزو دینی و معنوی مستحسن، خوب و قابل تشویق و حتی ممکن است موجب اجر و پاداش باشد اما آرزوهای مادی، مذموم و شنیع می‌باشند زیرا دنیا هیچ ارزشی ندارد. ﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾ وابستگی انسان هر چقدر به دنیا بیشتر باشد این تمایل روز بروز افزایش خواهد یافت.

**فلسفه نام‌گذاری مال:** مال را از آن رو «مال» نامیده‌اند که مردمان را از اطاعت خداوند، به سوی دیگری «میل» می‌دهد. انسان مسلمان باید عمرش را در جهت طاعت و فرمانبرداری کردگار سپری نماید، و نباید عمر و وقت خود را به دنیا و آرزوهای بی‌جا و بی‌فایده بگذرانند زیرا تمنا و آرزو هیچ فایده‌ی جز، سرگرمی بی‌معنا و بی‌فایده نخواهد داشت. حکیمی در مورد بی‌ارزش بودن دنیا این گونه گفته است:



همه‌ی دنیا بی‌فایده و بدرد نخور است مگر این پنج چیز:

۱. نانی که با آن سیر شوی.

۲. آبی که با آن تشنگی خود را برطرف کنی.

۳. لباسی که خود را با آن بپوشانی.

۴. خانه‌ی که ساکنش شوی.

۵. علمی که آن را بکار بندی.

انسان‌ها در دنیا به اهداف‌شان می‌رسند نه به آرزوهای‌شان، زیرا آرزوها دست

نیافتنی هستند. انسان خردمند باید بدنبال اهداف باشد نه آرزوها.

## (۸۷)

## تضعیف روحیه مجاهدان

جهاد امری مقدس و فرضی از فرایض خداوند است که بر مسلمانان فرض گردیده است. جهاد همان عمل مقدسی است که قوام و دوام دین خداوند بر آن استوار می‌باشد، زبان ابزار و وسیله‌ای است تا از طریق آن تقویت و قداست جهاد برای مردم معرفی و شناسانده شود، برای قداست و اهمیت جهاد همین بس که زندگی مدنی پیامبر ﷺ در آن سپری گردید. میدان‌های بدر و احد، حنین و تبوک، بیانگر اهمیت و قداست آن هستند.

جهاد درخت تنومند و پرثمری است که با خون رنگین شهداء قرون متمادی آبیاری گردیده و به جهان و جهانیان میوه آرامش، فلاح و رستگاری هدیه نموده است. اما گاهی زبان، همین امر مقدس را هم با نیش زهر آگین خودش زخم می‌زند و هیاهویی بین مردم جهان پدید می‌آورد، وظیفه مسلمانان است که از مجاهدین واقعی که برای اعتلای کلمه الله و رهایی مسلمانان از ستم کفار و برداشتن یوغ بردگی از گردن آنان با جان و مال خود، از آن‌ها حمایت نموده و تشویق نمایند، تا میادین جهاد از این شیرمردان خالی نباشند. تضعیف روحیه مجاهدان و مخالفت با آنان، مخالفت با نص صریح قرآن مجید می‌باشد، قرآن مجید در آیات متعددی به امر جهاد پرداخته و مومنین را بسوی آن تشویق نموده است.

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

در راه خدا بجنگ (حتی اگر هم تنها باشی و باک نداشته باش چرا که وعده نصرت و پیروزی به تو داده شده است) تو جز مسئول (اعمال) خود نیستی و مومنان را (هم به جنگ دعوت کن و بدان) ترغیب و تحریک نما.

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ﴾<sup>۱</sup>

ای پیغمبر! مومنان را به جنگ با دشمن برای اعلای فرمان خدا برانگیز.

## (۸۸)

## ترساندن مسلمانان

مسلمان باید برای برادر مسلمانش مأوی و جای پناه باشد اما گاهی زبان از چارچوب قانونی خودش خارج می‌گردد و جایگاه انسانیت را دگرگون می‌سازد. رأفت را از او سلب کرده غیض و غضب، خشم و قهر را به او تحمیل می‌نماید و او را با رعب و وحشت گرفتار می‌سازد، یکی از خطرات و گناهان زبان، ترساندن مسلمان است. وحشت آفرینی بدور از شأن و جایگاه والای مسلمان می‌باشد. پیغمبر نبی رحمت هستند برای هیچ کس مزاحمت، و نگرانی ایجاد نکرد، فتح مکه گواه زنده و شاهد گویای رحمت، رأفت و عطفوت پیامبر را نشان می‌دهد.

دشمنان به او پناه می‌بردند و در کنار او احساس آرامش می‌نمودند لذا مسلمانان نباید با زبان خویش برای کسی خطر آفرینی کنند، زبان باید، ترانه عشق و امید، انس و الفت را سر دهد نه آن که راه، خشنونت، درشت کلامی و وحشت آفرینی را در پی گیرد. با توجه به پیشرفت امکانات مادی دنیا، تنگ و محدود بودن دنیای دیجیتالی امروز، اسباب و وسایل ترساندن و شک آوری هم قوی و قوی‌تر گردیده‌اند یکی از این موارد اضطراب آفرینی و شک آور، ترساندن و تهدید نمودن از طریق تلفن و... می‌باشد.

ترساندن مسلمان بهر صورت که باشد حرام و ممنوع می‌باشد پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يَجْلِسُ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَرَوْهُ مُسْلِمًا»<sup>۱</sup>؛ شایسته نیست برای مسلمان اینکه مسلمان دیگری را بترساند. ترساندن مسلمان بصورت شوخی هم حرام می‌باشد.

## (۸۹)

**امر به منکر و بازداشتن از معروف**

از آنجائی که وظیفه اصلی زبان مثبت‌گویی و مثبت‌اندیشی است نباید این نعمت (زبان) نیکو را آلوده به گناه و منکر نمود. زیرا همان‌گونه که خود کلمه منکر، نامأنوس و اضطراب‌آور است نباید تکیه کلام و ابزار کار زبان مومنین باشد زیرا منکر و کارهای زشت، صفات و علامت بارز منافقان است. قرآن مجید صفات منافقین را این‌گونه برشمرده است:

﴿الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ﴾<sup>۱</sup>

«مردان و زنان منافق همه از یک گروه (و یک قماش) هستند آنان همدیگر را

به کار زشت فرامی‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند.»

مردان و زنان منافق در کار منکر، زشت و بد یکسان و یکنواختند یعنی کفر و مخالفت اسلام را می‌آموزند و از کار خوب، ایمان و اتباع پیغمبر باز می‌دارند.

عده‌ای از مسلمانان همانند منافقین از ایده‌های آن‌ها دفاع و روش آن‌ها را مستحسن و نشانه تمدن و پیشرفت می‌پندارند حال آن‌که ایده، حرکات و سکناات زندگی آنان براساس بدی نهاده شده است و مومنین باید از این صفات رذیله اخلاقی اجتناب ورزند و با صفات نیک متصف شوند تا پیام آور شادی و ارمغان آور فلاح و رستگاری گردند.

## (۹۰)

**دریافت پریش از نااهلان**

از آنجائی که زبان سخن گوی اعضا، و تأمین کننده مایحتاج و خواسته‌های آنان است باید خواسته‌های آنان از جای خوب و مناسب تأمین شوند زیرا حل مشکلات از نااهلان موجب بروز ناهنجاری‌های فراوان و گوناگونی می‌گردد.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: از سه کس چیزی نخواهید: ۱. دروغ‌گو، زیرا او دروغ را به تو نزدیک می‌کند (و تو را دروغ‌گو بار می‌آورد) ۲. احمق، زیرا می‌خواهد به تو نفع برساند اما بر اثر حماقت و نادانی، ضرر می‌رساند ۳. از کسی که خود نیازمند و محتاج است، زیرا حاجت و نیازی که او دارد نیاز تو را تحت تأثیر قرار می‌دهد (و تو را به فراموشی می‌سپارد).

همان‌گونه که حوائج و نیازهای فطری و ظاهری جسم باید از جای مناسب و از اقلام مرغوب تأمین گردند، حوائج و مشکلات درونی آن نیز باید از محل و جایش تأمین گردند. قرآن مجید فرموده است:

﴿ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾<sup>۱</sup> «از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید.»

قرآن مجید تاکید کرده است که انسان‌های جاهل و ناآگاه، مسایل دینی و زندگی را از علماء و آگاهان بپرسند و طبق بیانات و جواب آنان عمل شود اما عده‌ای از مردم بجای آن که جهت حل مسایل دینی و دنیوی به علماء و صاحب نظران مراجعه کنند به نزد افراد جاهل می‌روند و طبق فتوی و

پاسخ‌های غیرکارشناسی شده آنان عمل می‌کنند. پیغمبر ﷺ در مورد عاقبت کار این افراد هشدار داده است «که این‌ها هم خود گمراهند و هم شما را گمراه خواهند کرد؛ فافتوا بغير علم فضلوا و اضلوا».<sup>۱</sup>

## (۹۱)

## پندهای مفروضانه

حقیقت و ماهیت هر انسان، از زبان او پیدا است اگر زبانش خوب باشد وجودش نیز خوب خواهد بود زیرا زبان است که ماهیت چهره‌های گوناگون و متفاوت را آشکار می‌سازد. صداقت، امانت‌داری، خوش یا بد خلقی از طریق زبان هویدا می‌گردند، زبان انسان باید مبلغ خوب و خیرخواه و دلسوز انسانیت باشد.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر کس که نصیحت دادن خود را به اغراض و مقاصد دیگر مشوب کند، به درستی که زشت و ناپسندی را خوب شمرده است. لذا انسان مسلمان زبانش را با تلاوت قرآن مجید، درس و تدریس، نصیحت و خیرخواهی مشغول سازد. پند و اندرز مسلمان باید بخاطر خدا و خیرخواهی انسانیت باشد و اهداف دیگری دنبال نکند زیرا انسان مسلمان پایبند دین است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «الَّذِينَ النَّصِيحَةُ قَالُوا لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قال الله و الكتابه و لرسوله و لائمة المسلمين و عامتهم؛<sup>۱</sup> دین سراپا پند و اندرز است صحابه پرسیدند برای چه کسانی؟ فرمود: «برای خدا، قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و برای رهبران مسلمانان و همه‌ی مسلمانان».

یکی از مصادیق نصیحت برای عموم مسلمانان این است که: مسلمانان را به راه دین، خیر و صلاح دنیوی و اخروی رهنمون سازد و از بدگویی، آزار و



اذیت، آنان اجتناب نماید، امر به معروف و نهی از منکر نموده و از راه‌های بد، شرک و کفر، فساد و فتنه باز دارد. به انسان امید به رحمت‌های بی‌منت‌های پروردگار بدهد از یاسی و ناامیدی بر حذر دارد تمام نصیحت‌های وی بخاطر خدا، ورستگاری خلق باشد و از نصیحت‌های غش‌آلود پرهیز و دوری نماید.

## (۹۲)

**بدگویی به علماء**

از آنجایی که علماء و ارثان انبیاء و رهبران دلسوز جامعه به شمار می آیند حرمت و احترام آن ها باید پاس داشته شود. بدگویی به علماء، ناسپاسی از دین و شریعت خواهد بود یکی از گناهان خطرناک و کشنده زبان، تحقیر و توهین به علماء می باشد.

علامه ابن عساکر در شرح مذهب این گونه فرموده است: **إِنَّ لِحُومَ الْعُلَمَاءِ مَسْمُومَةٌ وَ عَادَةُ اللَّهِ فِي هَتَكِ اسْتَارِ مُتَقَصِّهِمْ مَعْلُومَةٌ وَ إِنَّ مِنْ أَطْلُقِ اللِّسَانِ فِي الْعُلَمَاءِ ابْتِلَاءَ اللَّهِ قَبْلَ مَوْتِهِ بِمَوْتِ الْقَلْبِ؛** خوردن گوشت علماء (غیبت کردن از علماء)، زهر آگین و مسموم و کشنده می باشد عادت و قانون خداوند نسبت به اهانت کنندگان علماء این است که کسانی که به علماء اهانت کنند و بد و بیراه گویند و پرده دری نمایند خداوند قبل از مردن، قلب آن ها را به مرگ مبتلا می گرداند.

علامه عبدالحی لکنوی رحمته الله در رابطه با توهین علماء فرموده اند: کسانی که به علماء توهین می کنند اگر هدفشان از تحقیر و توهین، بخاطر علم آن ها باشد این شخص کافر خواهد شد و اگر هدف او از توهین علماء، علم او نباشد بلکه بخاطر دیگر مسایل، علماء را مورد اهانت قرار بدهد فاسق و فاجر می باشد و شکی در این نیست که مورد خشم و غضب خدا واقع خواهد شد. یکی از سفارشات پیامبر صلی الله علیه و آله به امت این است که به علماء توهین نکنند بلکه ادب و احترام آن ها را پاس بدارند.

در فتاوی هندیه چنین آمده است: من ابلض عالماً من غیر سبب ظاهر خیف علیه الکفر؛ هرگاه کسی با عالمی بدون سبب ظاهری بغض بورزد، یعنی این که بدون دلیل و بهانه‌ی با او دشمنی و کدورت داشته باشد خطر کفر او محتمل می‌باشد.

و اگر کسی بی‌جهت به عالمی توهین کند امکان کفر او محتمل می‌باشد انسان نباید، با زبان که بزرگترین موهبت و نعمت پروردگار است موجبات هلاکت و بدبختی خود را فراهم سازد. علما، قشری هستند که خداوند خوف و خشیت و به جا آوردن اوامر خود را توسط آن‌ها تأیید فرموده است:

« إِنَّمَا نَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الَّذِينَ عَلَّمُوا<sup>۱</sup> »

همانا تنها بندگان دانشمند و عالم، از خدا ترس آمیخته با تعظیم دارند.

(۹۳)

**تطميع به رشوه**«لرأى و المرثى كلاهما فى النار»<sup>۱</sup>

رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو در آتشند.

یکی از گناهان مهلك و مضر زبان، تطميع و برانگیخته نمودن افراد به رشوه دادن و رشوه ستانی می باشد همان گونه که انسان وجود و جسم ظاهری خویش را از معایب و امراض ظاهری، حفاظت و مراقبت می نماید باید زبانش را نیز از ابتلا، به معایب معنوی مصون نگه بدارد. رشوه نفرین خدا و رسول را در پی دارد نباید انسان عاقل خود را با زبان خویش مورد نفرین و قهر و غضب خداوند قرار دهد به تجربه ثابت شده است کسانی که در امر رشوه دهی و رشوه ستانی دستی داشته اند به بدترین نوع سوء خاتمه دچار گردیده اند.

رشوه گناهی است که آغاز و مقدمه آن با زبان می باشد رشوه دهنده و گیرنده از آن جهت ملعون و منفور است که موجب تضییع حق مردم می گردد. رشوه دامی است که شیطان آن را گسترانده تا مردم را بوسیله آن گمراه و از حق منحرف سازد، رشوه به هر نام، رنگ و لعابی که باشد گناه و حرام می باشد. گاهی به رشوه، نام هدیه، پاداش و... داده می شود که بهر صورت حرام و گناه می باشد. رشوه دادن و گرفتن، عفت و کرامت انسانیت را از بین می برد و جامه ذلت و رسوایی را به انسان می پوشاند.

## (۹۴)

**تعریف گناه برای دیگران**

اظهار نمودن گناه برای دیگران نشانه جرأت پیدا کردن بر گناه می‌باشد و این امر خلاف فطرت انسانیت می‌باشد زیرا تقاضای فطرت انسانیت آن است که پس از انجام گناه، باید اظهار ندامت و پشیمانی نماید چون زمانی که زبان نقاب ندامت بر چهره می‌زند، انسان را جلوه‌ای دیگر می‌بخشد و او را به فطرتش نزدیک می‌کند چرا که ندامت در حقیقت بازگشت است و در صدر هر بازگشتی، بازگشت به فطرت قرار دارد. لذا هرگاه کسی مرتکب گناه شد آن را ادامه ندهد بلکه از گناه باز آید در این صورت چهره واقعی و گم کرده خود را درخواهد یافت اما کسی که گناه می‌کند و حتی گناه را بد نمی‌داند و چه بسا اوقاتی که بصورت فخر و مباهات آن را برای دیگران اظهار می‌دارد که من، این گناه را انجام داده‌ام، چنین شخصی آمرزیده نمی‌شود و در روز قیامت مجازات سختی در انتظار اوست.

در حدیثی پیامبر ﷺ فرمود: «تمام افراد امت من قابل بخشش اند مگر کسانی که بصورت آشکارا گناه و نافرمانی می‌کنند». یکی از گناهان پیدا و آشکار این است که خداوند عیب و گناه انسان را می‌پوشاند ولی خودش، خود را رسوا می‌نماید و می‌گوید: ای فلانی، من در فلان روز، فلان گناه را انجام دادم. خود را رسوا می‌کند حال آن که خداوند او را مستور داشته است.

## (۹۵)

## انداختن گناه به گردن دیگران

زبان هر گاه از وادی هدایت خارج گردد و از روی ضابطه، معیار و دلایل متقن سخن نگوید آن گاه بدون ابا و پروا هر کار، گناه و خلافی را انجام خواهد داد. یکی از گناهان خطرناک زبان، انداختن گناه به گردن دیگران و مبرا و پاک و بی گناه جلوه دادن خود است. این کار علاوه بر آن که گناه انسان را از بین نمی برد بلکه زمینه گناهان بیشتر را نیز فراهم می کند و انسان را دچار غرور و خودفریبی می نماید، این شخص بسان مریضی می ماند که بدنبال علاج بیماری خود نیست و روزی از پا درخواهد آمد بدینسان کسانی که گناهان خود را به گردن دیگران می اندازند و آن ها را مقصر می دانند و خود را حق بجانب، پاک و بی آلایش می دانند هرگز از گودال گناه خارج نخواهند شد و در همان گودال معصیت نابود خواهند شد زیرا گناهان او ثبت شده اند و جایی برای انکار باقی نمی ماند.

﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾

هیچ کس چیزی تلفظ نمی کند مگر اینکه مراقبی (فرشته‌ی) او را زیر نظر دارد، و اعمال، رفتار، و کردار و گفتار او ثبت می شوند.

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر بدرگاه خدا آورد

## (۱۶)

**تکلیف مالایطاق**

از آنجائی که خداوند هر چیزی را به مقدار و میزان مشخصی آفریده و قرار داده است انسان نباید کسی را به تکلیف مالایطاق مجبور سازد.

تکلیف مالایطاق یعنی راهنمایی کردن و سوق دادن بسوی گناه. و این یک نوع ظلم است که انسان مرتکب آن می شود. خداوند حکیم و داناست، تکلیف مالایطاق را نپسندیده است و هیچ انسانی را مجبور به تکلیف مالایطاق نکرده است و فرموده:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛ خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند (و هیچ گاه بالاتر از میزان قدرتش از او وظایف و تکالیف نمی خواهد).

تکلیف مالایطاق از نظر شرعی ناجایز و ممنوع می باشد زبان مسلمان باید در دایره و چارچوب شرعی باشد و از مسیر حق تخطی ننماید. تکلیف مالایطاق گناهی است که گاهی وبال آن به خود انسان برمی گردد و انسان عاقل نباید دست به چنین امری بزند.

## (۹۷)

**وعده غیر قابل وفا**

خلاف ورزی در معاهده گناه سنگین و مهلکی است که از زبان صادر می‌گردد. قرآن مجید آن را نکوهش و رد کرده است، مسلمان نباید وعده‌ای بدهد که قابل اجراء و عمل نمی‌باشد. امروزه وعده خلافی در مشاغل مختلف باب و مرسوم شده است گاهی صاحبان مشاغل، کارخانه‌ها و... به مردم وعده می‌دهند پول می‌گیرند اما به وعده خود وفا نمی‌کنند و مردم را منتظر نگه می‌دارند. عمل نکردن به وعده و پیمان یکی از نشانه‌های منافقین می‌باشد.

یکی از عوامل بی‌برکتی در مشاغل گوناگون، دروغ و وعده‌های غیر قابل وفا می‌باشد، اگر امروز تولیدی برخی بازارشان کساد و کارگرها اخراج می‌شوند و مشاغل‌شان را از دست داده، و صاحبان کارخانه‌ها ورشکسته می‌شوند بخاطر وعده‌های دروغین است. در حدیثی نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: **«كَذَبُ النَّاسِ الصَّبَاغُونَ وَالصَّرَاغُونَ»**؛ دروغ‌گوترین مردم رنگ آمیز و زرگر می‌باشند، زیرا با مردم وعده طرح و رنگ‌هایی می‌کنند که نمی‌توانند آن طرح و رنگ را عملی سازند.

و یا همچنین وعده‌هایی که نامزدهای انتخاباتی در دوران تبلیغات انتخابات می‌دهند، از طرف ستادها و عده‌های پوچ و غیر قابل وفا می‌دهند اما در باب عمل قادر به انجام کاری نمی‌باشند. گاهی کارگران در هنگام تحویل گرفتن کار وعده می‌دهند که تا فلان روز کار را تحویل می‌دهند اما به وعده خود وفا نمی‌کنند این هم از بزرگترین گناهان و دروغ‌ها بشمار می‌آید.



## (۹۸)

## سخنان ملال آور

از آنجائی که وقت بسیار با ارزش می باشد مسلمان باید در سخن گفتن، مختصر و مفید گویی را شیوه خود قرار دهد زیرا در صورت طولانی بودن سخنان وقت ضایع می گردد بسا اوقات، شنونده و مخاطب به رنج و مصیبت می افتند. گوینده باید هدفش را با کلمات قصار و کوتاه به مخاطب برساند تا مخاطب ملول و رنجیده خاطر نگردد. پیامبر ﷺ تاکید کردند که در سخن گفتن، کوتاه گفتن را شیوه خویش قرار بدهید و این شیوه را می پسندید. سخنان طولانی و خسته کننده منافی با اخلاق و فطرت انسانی می باشد.

از حضرت عمرو بن العاصؓ روایت است در مجلسی شخصی بلند شد و سخن گفتن را آغاز نمود و بسیار سخنانش به طول و دراز کشید، حضرت عمرو بن العاص گفت: اگر این شخص سخن را کوتاه و مختصر می کرد برای او بهتر بود من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود: «به من حکم شده است تا سخن کوتاه و مختصر بگویم زیرا سخن کوتاه و مختصر بهتر است».

سخن باید در حد نیاز و ضرورت باشد زیرا سخنان طولانی گاهی وقار و متانت انسان را زیر سوال می برد. زبان هر چقدر سخن گوید هرگز خسته نمی شود اما ممکن است دیگران را بشدت خسته و ناراحت کند. پرگویی بسان راه رفتن در شب تاریک است که هر آن امکان فرو افتادن در چاله وجود دارد، انسان پر حرف روزی در چاله معصیت فرو خواهد افتاد.

## (۹۹)

## کلام قبل از سلام

از آنجایی که اسلام برای هر عمل و هر شعبه و هر مرحله‌ای از زندگی مسلمانان احکام و قوانینی وضع کرده است یکی از سنت‌ها و روش، عمل پیامبر ﷺ سلام گفتن قبل از کلام می‌باشد در حدیثی از حضرت جابر رضی الله عنه نقل شده است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «السلام قبل الکلام»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قبل از کلام و گفتگو سلام گفته شود. و در حدیثی دیگر روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که قبل از سلام شروع به گفتگو کند او را پاسخ ندهید» و به او اعتنا نکنید چون عملی خلاف سنت انجام داده است و هر کاری که برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شود بی برکت و ناتمام است هر گفتگو و سخنی قبل از سلام گفتن، مغایر و منافی با سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

سلام دادن موجب انس، الفت و محبت می‌شود و زبان باید پیوسته آغشته به سلام و سخنان نیکو و شایسته باشد و نباید این نعمت و موهبت (زبان) پروردگار به سخنان عبث و بیهوده آلوده گردد.

## (۱۰۰)

**تکلف و تصنع در سخن گفتن**

صحبت کردن با تکلف یکی از شیوه‌های فریب کاری است. انسان مسلمان نباید فریب کار و متکلف باشد. تکلف کردن در سخن گفتن امری مذموم و ناپسند است که پیامبر ﷺ از آن نهی فرموده‌اند.

عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما عن النبی ﷺ قال: «ان الله يفيض البليغ من الرجال الذي يتخللُ بلسانه كما تتحلل الباقرة بلسانها»<sup>۱</sup>.

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند نا پسند می‌دارد مرد فصیح و بلیغی را که متکلفانه سخن می‌گوید، آن گونه که گاوها گیاهان را بوسیله زبان در دهان می‌چرخانند».

سخن گفتن باید به گونه‌ای باشد که ظاهر و باطنش هر دو یکی باشد موافق همدیگر نه مخالف همدیگر.

تکلف و تصنع عمل مذموم، شنیع و قبیحی است که اعمال زشت دیگری امثال ریا، دروغ و از آن بوجود می‌آید.

در حدیثی دیگر پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که تظاهر کند به آنچه که داده نشده است گویا او لباس دروغین پوشیده است».

### اما راه علاج

از آنجایی که زبان عضوی ذووجهین یعنی دارای صفت دوگانه خوب و بد،  
جهان ساز و جهان سوز می باشد

ای زبان هم گنج بی پایان تویی

ای زبان هم رنج بی درمان تویی

هم صغیر خدعه سرغان تویی

هم انیس وحشت هجران تویی

زندگی انسان ها را هم می تواند تبدیل به گلشن و باغی سرسبز نماید و هم می  
تواند تبدیل به مخروبه و گلخن نماید. گاهی زبان با یک حرکتش هزاران  
مسئله را بالا و پائین می کند. سخنگوی اعضا و کشاف ضمیر انسان هاست.

اگر زبان تحت کنترل و مراقبت نباشد خرمن سعادت را یکباره بر باد می دهد و  
دود آن به تمام اعضای بدن سرایت می کند. در حدیثی نقل شده است که  
پیامبر ﷺ فرمود: «هر روز که بنی آدم صبح می کند همه اعضای او در حالی  
صبح می کنند که به زبان می گویند: ای زبان! از خدا نسبت به ما بترس بدون  
شک اگر تو راست و مستقیم باشی و درست به وظیفه خود عمل کنی ما نیز  
چنین خواهیم کرد (و مستقیم خواهیم بود) و اگر تو کج و منحرف باشی و از  
وظایف خود سرپیچی نمائی ما نیز چون تو گمراه خواهیم شد».

اما حفاظت و کنترل زبان آنقدر هم سخت و دشوار نیست خداوند برای هر  
مشکل و سختی راه حل و علاچی پیدا نموده است، درون انسان هم، همانند  
ظاهر او مریض می شود و برای هر دردی، دواء و علاچی نیز است چنان که

پیامبر ﷺ فرموده است: «ما أنزل الله داءً إلا أنزل له شفاء»؛ خداوند هیچ دردی را نازل ننموده است مگر اینکه برایش شفائی نازل کرده است.

همان گونه که بیماری‌ها با دوا و درمان و دارو بهبود می‌یابند زبان هم بر اثر یکسری معالجات درمان می‌گردد زیرا اصل در فطرت انسان سلامت است، زبان باید معالجه شود تا به اصل و فطرت خود بازگردد.

هر کسی که بازماند از اصل خویش

باز جوید روزگاری وصل خویش

زبان اگر به فطرت و واقعیت خود برگردد خیلی سریع و آسان موجبات سعادت، فلاح و رستگاری فرد را بوجود می‌آورد. در ذیل به برخی از راهکارهای معالجه‌ی زبان اشاره می‌شود:

۱. مهمترین عامل مؤثر جهت مداوا، و کنترل زبان، سکوت و خاموشی است. پیامبر ﷺ در حدیثی فرمود: «مَنْ سَكَتَ نَجَا»؛ هر کس خاموش شد رستگار شد. و در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «هر کس به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته باشد باید نیکو سخن بگوید و یا خاموش باشد».

حضرت عقبه بن عامر ؓ می‌گوید: از رسول اکرم ﷺ پرسیدند نجات و رستگاری در چه چیزی است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «زبان خود را کنترل کن، خانه و منزل تو باید برای تو گشاد باشد و بر گناهانت باید اظهار ندامت کرده و گریه کنی».

۲. اجتناب از کثرت کلام و گزافه گویی، شایسته است مسلمانان از سخنان بیهوده که نه نفع دینی به همراه دارند و نه نفع دنیوی اجتناب نمایند.

۳. پرهیز از کارهای عبث و بیهوده

۴. خودداری از مشاجره و منازعه

۵. اجتناب از فحش و بدگویی

۶. خودداری از لعن و نفرین

۷. پرهیز از خواندن اشعار و ترانه‌های ناجایز

۸. دوری از مزاح و شوخی‌های نامناسب

۹. اجتناب از وعده خلافی

۱۰. محاسبه نفس، محاسبه نفس مؤثرترین شیوه‌ای است که انسان را از انجام هر نوع گناه و خلاف باز می‌دارد.

حضرت عباد بن صامت رضی الله عنه می‌گوید مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست تا او را نصیحت کند، ایشان فرمود: «اذا اردت امرأ فتدبر عاقبة فان كان رشداً فامض به و ان كان غيياً فانتهه عنه»؛ هرگاه اراده انجام کاری را کرده در عاقبت آن بیندیش اگر آن کار صحیح و درست بود آن را ادامه بده و اگر آن کار نادرست، و ضلالت و گمراهی بود از آن باز آ.

حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه در نامه‌ای به حضرت ابوموسی اشعری رضی الله عنه نوشت: ای ابوموسی نفس خویش را در آسایش، ناز و نعمت قبل از فرارسیدن عذاب شدید قیامت مورد محاسبه قرار بده.

شیوه زندگی حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه این بود: هنگامی که شب فرا می‌رسید به تنهایی قدم می‌زد و با خود می‌گفت: امروز چه کاری انجام دادی؟ انسان دانا و خردمند باید هر روز نوار زندگیش را به عقب برگرداند و به رفتار، کردار، سخنان و.. بیندیشد، خوب و بد را از همدیگر جدا کند، به اعمال نیک بیفزاید و از اعمال بد باز آید. میانگین عمر امت پیامبر صلی الله علیه و آله شصت سال می‌باشد، شصت سال حدوداً بیست و یک هزار و ششصد روز می‌باشد اگر انسان روزی یک گناه انجام دهد با بیست و یک هزار و ششصد گناه خدا را ملاقات می‌کند اما اگر کسی در هر روز هزار گناه انجام دهد گناهان او چقدر خواهند بود و با چه رویی خدا را ملاقات می‌کند؟

۱۱. استحضار و مراقبه خوف خداوند، هرگاه داعیه و انگیزه گناه در قلب بوجود آمد باید با زبان بگوید: ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾؛ من از خدای رب العالمین می‌ترسم. با تجربه ثابت شده است که با چنین پندار و گفتاری داعیه گناه خنثی می‌گردد.

در مکانی که کنی قصد گناه

گر کند کودکی از دور نگاه

شرم داری ز گناه در گذری

پرده عفت خود را نداری

شرم بادت که خداوند جهان

که بود خالق اسرار و نهان

با تو باشد نظرش گاه به گاه

تو کنی در نظرش قصد گناه

۱۲. «اکثروا هادم اللذات»؛ از بین برنده لذت‌ها (مرگ) را به کثرت یاد کنید،

قطعاً مرگ و به یاد آوردن خطرات و مصایب آن لذت گناهان را از بین می‌برد

و داعیه گناه را نابود می‌سازد.

۱۳. تقویت رابطه با خداوند و عمل به سنت‌های پیامبر ﷺ

۱۴. همنشینی با علما، و صلحا.

یک زمانی صحبتی با اولیا.

بهتر از صد سال طاعت بی‌ریا،

۱۵. اهتمام به تلاوت قرآن، اذکار و ادعیه مأثوره.

پیامبر ﷺ فرمود: «لا يزال لسانك رطباً بذكر الله»؛ پیوسته زبانت را با ذکر خداوند

ترو تازه نگه‌دار.



## چند دعای مجرب برای حفظ زبان و دیگر اعضاء از گناه و معصیت

۱. «اللهم طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ وَ عَمَلِي مِنَ الرِّبَاءِ وَ لِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ وَ عَمِي مِنَ الْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تَخْفَى الصُّدُورَ».
  ۲. «اللهم إِنِّي اتَّخَذْتُ عِنْدَكَ عَهْدًا لَنْ تَخْلِفَنِي فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ فَأَيُّ الْمُؤْمِنِينَ آذَيْتُهُ أَوْ شَتَمْتُهُ أَوْ لَعَنْتُهُ أَوْ جَلَدْتُهُ فَاجْعَلْهَا لَهُ صَلَوةً وَ زَكَاةً وَ قُرْبَةً تُقَرِّبُنِي بِهَا إِلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
  ۳. «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ».
  ۴. «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»
  ۵. «اللهم اجْعَلْنَا مِمَّنْ يُعَظِّمُ شُكْرَكَ وَ يَكْثُرُ ذِكْرُكَ وَ يَتَّبِعُ نَصِيحَتَكَ وَ يَحْفَظُ وَصِيَّتَكَ إِنَّكَ سَمِيعٌ قَرِيبٌ مُجِيبٌ»
- دعاهاى فوق هر روز حداقل ۷ مرتبه خوانده شوند.

«امان»

ان ارید الاصلاح ما اسئلت وما توفیقی الا بالله

۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۶ مصادف با ۲۵ دی ۱۳۹۳ شمس

ای همه کس را به درت التجا .  
 کعبه دل راز تو نور صفا  
 کعبه بود نوگل مشکین من  
 تسازه از او باغ دل و دین من  
 دست بر آرم به دعا هر نفس  
 نیست مرا جسر به دعا دسترس  
 نیست طمع جایزه از کس مرا  
 جایزه شوق همین بس مرا

(ابوسعلم) هـ غزله لولولیه و احسن الیهامیه

من آنسجّه شرط بلاغت است با تو گویم  
 تو خواه از سخنانم پند گیر خواه ملول شو

## ماخذ و منابع

۱. قرآن مجید
۲. بخاری
۳. مسلم
۴. ابوداود
۵. ترمذی
۶. سنن نسائی
۷. ابن ماجہ
۸. مسند امام احمد بن حنبل
۹. ریاض الصالحین
۱۰. زاد الطالبین
۱۱. گزیدہ الآداب
۱۲. تفسیر معارف القرآن
۱۳. تفسیر سمرقندی
۱۴. تفسیر نور
۱۵. آفات اللسان
۹. زبان کی تباہی
۱۰. نہج البلاغہ
۱۱. نقش حیات (شیخ العرب و العجم مولانا حسین احمد مدنی)
۱۲. خطبات عثمانی (فارسی) شیخ الاسلام تقی عثمانی
۱۳. بخاری کی زمزمہ (افکار امیر شریعت سید عطاء اللہ شاہ بخاری)
۱۴. کشکول شیخ بہائی
۱۵. فتوح الحرمین (محی الدین لاری)



